



سلسله جلسات روش تحقیق اجتهادی

استاد محترم : دکتر مجید کافی



مقررین : حجج اسلام مهدی پورمحمد و مهدی طالعی اردکانی

کانال روش اجتهادی :

<https://eitaa.com/raveshejtehadiKAFI>

## فهرست

۱	جلسه‌ی اول.....
۱	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۱).....
۴	جلسه‌ی دوم.....
۴	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۲).....
۹	جلسه‌ی سوم.....
۹	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۳).....
۱۱	جلسه‌ی چهارم.....
۱۱	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۴).....
۱۵	جلسه‌ی پنجم.....
۱۵	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۵).....
۱۹	جلسه‌ی ششم.....
۱۹	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۶).....
۲۲	جلسه‌ی هفتم.....
۲۲	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۷).....
۲۶	جلسه‌ی هشتم.....
۲۶	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۸).....
۲۶	توضیح سه اصطلاح: اجتهاد ، اجتهاد فقهی ، روش تحقیق فقهی.....
۲۹	جلسه‌ی نهم.....
۲۹	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۹).....
۲۹	معنای روش و اجتهاد.....
۳۲	جلسه‌ی دهم.....

۳۲	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۱۰).....
۳۵	جلسه‌ی یازدهم.....
۳۵	فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۱۱).....
۳۵	مراحل تحقیق کمی، کیفی و اجتهادی.....
۳۸	جلسه‌ی دوازدهم.....
۳۸	استقرائی بودن روش تحقیق اجتهادی.....
۴۱	جلسه‌ی سیزدهم.....
۴۱	تفاوت روش کمی و کیفی.....
۴۱	اکتشافی بودن روش اجتهادی.....
۴۳	جلسه‌ی چهاردهم.....
۴۳	استنباط هدف روش اجتهادی.....
۴۵	جلسه‌ی پانزدهم.....
۴۵	تحقیق بنیادی، توسعه‌ی ای و کاربردی.....
۴۵	بنیادی و کاربردی بودن تحقیقات اجتهادی.....
۴۸	جلسه‌ی شانزدهم.....
۴۸	صورت بندی مجهول (پرسش تحقیق).....
۵۰	جلسه‌ی هفدهم.....
۵۰	ویژگی های یک پرسش تحقیق خوب (۱).....
۵۱	جلسه‌ی هجدهم.....
۵۱	ویژگی های یک پرسش تحقیق خوب (۲).....
۵۵	پرسش و پاسخ.....
۵۸	جلسه‌ی نوزدهم.....
۵۸	پرسش تحقیق (پرسش اصلی و پرسش فرعی).....

۶۲	جلسه‌ی بیستم.....
۶۲	پیشینه‌ی تحقیق (۱).....
۶۶	جلسه‌ی بیست و یکم.....
۶۶	تفاوت روش تحقیق اجتهادی با روش تحقیق فقهی.....
۶۹	جلسه‌ی بیست و دوم.....
۶۹	پیشینه‌ی تحقیق (۲).....
۷۲	جلسه‌ی بیست و سوم.....
۷۲	پیشینه‌ی تحقیق (۳).....
۷۶	جلسه‌ی بیست و چهارم.....
۷۶	پیشینه‌ی تحقیق (۴).....
۷۹	جلسه‌ی بیست و پنجم.....
۷۹	جمع‌آوری داده‌ها (۱).....
۸۲	جلسه‌ی بیست و ششم.....
۸۲	جمع‌آوری داده‌ها (۲).....
۸۲	معرفی تکنیک مصاحبه.....
۸۵	جلسه‌ی بیست و هفتم و بیست هشتم.....
۸۵	جمع‌آوری داده‌ها (۳).....
۸۵	معرفی تکنیک‌های دیگر.....
۹۰	جلسه‌ی بیست و نهم و سی‌ام.....
۹۰	جمع‌آوری داده‌ها (۴).....
۹۰	سازمان دهی متون و معیار انتخاب متن.....
۹۵	جلسه‌ی سی و یکم.....
۹۵	جمع‌آوری داده‌ها (۵).....

۹۵.....	یادداشت سیستماتیک یا فیش برداری.....
۹۹.....	جلسه‌ی سی و دوم تا سی و چهارم.....
۹۹.....	جمع‌آوری داده‌ها (۶).....
۹۹.....	تهیه‌ی جدول خواندن.....

## جلسه اول

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۱)

قبل از آغاز مطالب بحث روش تحقیق اجتهادی نکاتی باید مورد توجه قرار بگیرد:

۱. با وجود توصیه‌هایی که در رابطه با روش تحقیق اجتهادی انجام می‌شود اما افراد زیاد می‌پرسند که چرا طلاب باید سال‌ها در درس خارج شرکت کنند؟ و آیا راه‌های بهتری برای آموختن روش استنباط و تحصیل حکم وجود ندارد؟

باید خاطر نشان کرد که روش تحقیق اجتهادی یک الگو و مدل دارد که قطعا در پس ذهن فقها و مجتهدان و کسانی که استنباط حکم می‌کنند، وجود دارد. اگر از شخص مستنبط و فقیه درباره الگوی استنباط و تحقیقش سوال شود که چیست؟ شاید خیلی از آنها نتوانند الگوی روشی خود را ارائه دهند، زیرا مدلسازی روشها یک تخصص خاص است و باید فردی سالیان زیادی در درس یک فقیه شرکت کند تا به مرور زمان الگوی روش اجتهادی آن فقیه را بتواند استخراج کرده، به دست بیاورد و بفهمد. البته حتما کسانی از مراجع و فقها هم هستند که به الگوی روشی و اجتهادی خود واقفند و می‌توانند آن را بیان و ارائه کنند. اما کسانی از آنان هم هستند که از این توان بی‌بهره هستند و باید دیگرانی به مرور زمان و گذراندن دوره‌ای در درس آنان الگوی آن فقیه را کشف و استخراج کنند.

در واقع منظور از روش در روش تحقیق اجتهادی همین کشف الگوهای اجتهادی و به کارگیری آن در مسائل جدید است. حالا محقق یا الگویی را از بین الگوهای موجود انتخاب کرده و با آن استنباط می‌کند و یا با ترکیب و تلفیقی از این الگوها درصدد بر می‌آید تا آن را در استنباط مسائل جدید به کار گیرد.

استنباط الگوهای اجتهادی اولین کاری است که باید صورت گیرد، اگر چه کاری زمان‌بر و طولانی است. طلاب باید در حوزه‌های علمیه سعی کنند این الگوها را استخراج کرده و بنویسند تا در نهایت به یک طرح و الگوی کلان و کلی برسند.

۲. در بحث استنباط الگو یا همان روش تحقیق اجتهادی باید بین مطالعات فقهی و استنباط حکم فرق گذاشت. مراجع تقلید وقتی استنباط می‌کنند، در واقع یک نگاه practice و عمل‌گرایانه به استنباط دارند و در صدد هستند که دستور العملی برای مقلدین خود بیان کنند که در مقام عمل این مکلفین چه کار

باید انجام دهند. اگر چه در ذیل این هدف علم فقه هم توسعه و رشد و تکامل پیدا می‌کند، اما این فربه شدن علم فقه از نگاه مجتهد یک دستاورد فرعی و ثانویه هست. دستاورد اولیه اش همان استنباط حکم برای مکلفین و مقلدین و تعیین تکلیف ملکف در مقام عمل است.

اما اگر الگوی روش اجتهادی یک فقهی کشف و در یک مصداقی از مسائل فقهی مورد استفاده قرار گرفت و به نتیجه جدیدی رسید، یک تحقیق فقهی انجام شده است، -به این معنا که مثلا یک طلبه سطح سوم یا چهارم سعی کند در مقام تحقیق با به کارگیری یک روش و الگوی مشخص، یک کار تحقیقی انجام دهد، یعنی به جای اینکه به طلاب مدام ماهی داده شود، سعی شود ماهیگیری را یادشان دهند - و نتایج به دست آمده از چنین تحقیق و فعالیت علمی به درد مقلدین یا مکلفین نمی‌خورد، چرا که این یک کار صرفا علمی است که در واقع در صدد توسعه‌ی علم فقه است که به آن مطالعات فقهی گفته می‌شود. مطالعات فقهی دنبال تعیین تکلیف مکلف نیست و یک فعالیت تحقیق و علمی است که یا این کار علمی در راستای توسعه علم فقه است و یا تمرینی برای طلاب و دانش پژوهان عرصه مطالعات فقهی است. یعنی باید توجه داشت که مقام اجتهاد یک مقام است و به کارگیری روش تحقیق اجتهادی یک مقام دیگری است. تفاوت این دو شکل در این است که در شکل اول فقیه اول و بالذات دنبال تعیین تکلیف مکلف است و بعد توسعه علم فقه، اما در این دومی محقق بیشتر به دنبال توسعه‌ی علم فقه است و شاید اصلا به تعیین تکلیف مکلف هم هیچ وقت نیانجامد.

این که شخص ۳۰ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کند مثل این است که مدام برای مصرف روزانه به او فراورده یا ماهی داده شود، اما بحث مطالعات فقهی در واقع می‌خواهد ماهی گیری را به دانش پژوه و طلبه یاد دهد تا بتواند خودش طبق یک الگوی روش اجتهادی مسائل جدید و حتی گذشته را باز اجتهادی کند و شاید به نتایج جدیدی هم برسد.

۳. قبل از کشف و انتخاب الگوی روش اجتهادی - که نوعی مهارت و دارای مراحل است - روش شناسی اجتهاد هم که نوعی علم است، باید دانسته شود. بین روش تحقیق اجتهادی و روش شناسی اجتهادی فرق هست.

در روش‌شناسی اجتهادی از این بحث می‌شود که بین روش تحقیق‌های که وجود دارد کدام روش مناسب تحقیقات فقهی و به کارگیری در بحث اجتهادی است. توضیح این که دو نوع روش تحقیق کمی و کیفی وجود دارد و هر یک بسیار گسترده هست.

در روش‌های کیفی هم طرح‌ها، تکنیک‌ها و شکل‌های مختلفی وجود دارد. یکی از معروفترین روش‌ها که در تحقیق روش کیفی به کار می‌رود، روش تحقیق نقلی (اسناد و مدارک) هست. روش تحقیق نقلی

ویژگی اش این است که با اسناد و مدارک - که در روش تحقیق فقهی همان آیات و روایات هستند - کار می‌کند و مقابله این اسناد و مدارک و مراحل پردازش، طبقه‌بندی، فهم، تفسیر، و... که باید روی اسناد و مدارک انجام شود، بخش عمده‌ای از روش تحقیق اجتهادی است.

بنابراین قبل از کشف الگوی تحقیق اجتهادی که از مجتهدان گرفته می‌شود باید بتوان روش‌شناسی اجتهادی را یاد گرفته و تفاوت آن را با روش‌هایی که هم‌سنخ با روش تحقیق اجتهادی هستند دانست.

۴. نکته‌ی دیگر این که علم فقه روشش نقلی‌تبعی است، به این معنا که شخص در اسناد و مدارک نقلی آن قلت و چون و چرا نمی‌کند و در صورتی که یقین کند یا ظن قوی پیدا کند که از معصوم یا خداوند صادر شده - به شرط صحت سند در روایات و فهم درست در آیات - آن را می‌پذیرد و دیگر در آن ان‌قلتی نمی‌کند، بر خلاف مباحث تاریخی و نقلی که می‌توان در اسناد و مدارک تاریخی اشکال کرد، یعنی هم از لحاظ سندی و هم در مضامین و محتوای نقل آن روایت تاریخی می‌توان اشکال کرد.

اما در نقل تبعی که روش علم فقه است - در صورتی که از لحاظ سندی روایت مورد پذیرش باشد و از لحاظ محتوایی، فهم روایت ذیل یک آیه باشد، اشکال در نقل تبعی درست نیست.

۵. روش علم فقه اگر چه نقلی‌تبعی است - به خصوص در فقه شیعه - ولی اینگونه نیست که روش آن منحصر در روش نقلی‌تبعی باشد بلکه خیلی وقت‌ها از قواعد فقهی و گاهی از قواعد عرفی و گاهی از قواعد اصولی استفاده می‌گردد که روش بخشی از این قواعد عقلی است و روش بخشی تجربی است. مثلاً برای حرمت ربا فقیه خیلی مواقع به عرف یا سیره متشرعه رجوع می‌کند تا یک سری مشاهداتی را در مورد مفسد ربا در بین مردم ببیند و بر اساس آن مشاهدات که در عرف مومنین یا سیره متشرعه است حکمی را تقویت یا ابطال کند. این قواعد ابزارهایی هستند که در بحث اسناد و مدارک به کمک فقیه می‌آیند. یا حتی خود عقل که گاهی از آن استفاده می‌کند و یا گاهی از کشف و شهود استفاده می‌کند تقویت‌کننده اسناد و مدارک نقلی هستند.

لذا گرچه معروف است که روش فقه نقلی است و بر اساس اسناد و مدارک به استنباط حکم می‌پردازد اما این به این معنا نیست که فقیه در استنباطات خود از عقل روشی - یعنی قیاسات منطقی نه عقل مستنبط - بی‌بهره است و یا از کشف و شهود و مشاهده و تجربه استفاده نمی‌کند، از همه آنها استفاده می‌کند، اما اعتبار برخی از آنها مثل سیره متشرعه (همان Common Sense یا عقل متعارف) در فقه در درجه دوم هستند، به این معنا که اگر دست فقیه از روش‌های معتبر فقهی خالی باشد، آن وقت به روش‌های دیگر مثل عقل و تجربه و عرف و سیره متشرعه رجوع می‌کند و حتی قواعد اصولی مثل استصحاب و برائت.



## جلسه دوم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۲)

#### خلاصه‌ی گفتار گذشته

جلسه‌ی گذشته درباره روش تحقیق اجتهادی مطالبی بیان شد و اینکه روش تحقیق اجتهادی باید از یک الگو تبعیت کند و روش شناس فقه باید این الگوهای تحقیق اجتهادی را از درس‌های خارج علما و فقها استخراج کند و به طلاب و محققین رشته فقه ارائه نماید. (الگوی واحد یا الگوی ترکیبی و تلفیقی) در مورد روش تحقیق فقه و روش شناسی علم فقه هم مطالبی بیان شد و بنا شد که مطالبی در خصوص روش تحقیق فقه - که ذیل روش‌های نقلی قرار می‌گیرد - در چند جلسه ارائه گردد.

#### مشکلات جمع‌آوری داده

در رابطه با جمع‌آوری داده‌های علم فقه - که از نوع داده‌های نقلی هستند - مسائل و مشکلات و سختی‌هایی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱) جمع‌آوری و پردازش اطلاعات نقلی (آیات و روایات و فتاوی فقها)
  - ۲) فهم اطلاعات نقلی جمع‌آوری شده
  - ۳) تفسیرهای متکثر و متعدد (فتاوا) نسبت به اطلاعات نقلی جمع‌آوری شده
- برای حل این مسأله و پردازش اطلاعات و داده‌های نقلی سه رویکرد کلی وجود دارد:

- ۱) نسبی‌گرایی
- ۲) واقع‌گرایی
- ۳) شک‌گرایی

از آنجا که فقه شیعه ذیل رویکرد واقع‌گرایی قرار می‌گیرد، باید فهم و درک درست مراد متکلم ذیل رویکرد واقع‌گرایی از اطلاعات نقلی استخراج شود که این همان بحث استنباط حکم الله در فقه می‌باشد.

پس:

اولا باید جمع آوری و پردازش اطلاعات نقلی انجام شود.

و ثانيا بر اساس رویکرد واقع گرایی باید نسبت به تحصیل فهم درست و درک منظور و مراد متکلم از این اطلاعات نقلی اقدام شود.

### مقوله بندی اطلاعات

اولین کار در تحقیقات نقلی اصطلاحا آماده سازی اطلاعات یا طبقه بندی اطلاعات یا مقوله بندی اطلاعات (category) نامیده می شود.

همان طور که بیان شد مشکلاتی در جمع آوری و طبقه بندی اطلاعات نقلی وجود دارد. در طبقه بندی اطلاعات در تحقیقات فقهی - آیات و روایات و بحث های فقهی - هم مشکلاتی موجود است. یعنی مباحث متنی و نقلی که بعد تاریخی دارد و زمان زیادی از آن گذشته ، دسته بندی و طبقه بندی کردن این مباحث و سپس فهم و تفسیر آنها مشکلات زیادی به همراه دارد.

این مشکلات به چند دلیل است:

- ۱) یکی به دلیل ذوابعاد بودن داده ها و اطلاعات نقلی است که بعدی از ابعاد مختلفی را بحث می کنند - مثلا در یک روایتی یک بعد بحث شده و در روایت دیگر بعدی دیگر بحث شده - یا فرضا در یک موضوع ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است که این ها طبقه بندی اطلاعات را در مباحث فقهی دشوار می کند.
- ۲) نکته ی بعد اینکه برای طبقه بندی باید دانست از چه جنبه ای این اطلاعات نقلی یا روایات صادر شده است و کشف این جنبه ی خاص صدور امروزه با دشواری مواجه است.
- ۳) نکته ی سوم در سخت بودن مقوله بندی اطلاعات فقهی، متعارض و متضاد بودن آیات و روایات است، که چون آیات و روایات در زمانهای متفاوت صادر شده است، به ظاهر دارای تعارض و تضاد به نظر می آیند و این ظاهر متعارض و متضاد بحث طبقه بندی داده های فقهی را با دشواری مواجه می کند.
- ۴) عامل بعدی در سختی طبقه بندی اطلاعات فقهی، جعلی بودن برخی از این اطلاعات است - به خصوص در فقه اهل سنت روایات جعلی بسیار زیاد است - که مقوله بندی کردن اطلاعات را با سختی و دشواری روبه رو می کند.

این جعلی بودن اطلاعات یکی از عامل‌های سختی طبقه‌بندی در همه تحقیقات کیفی است ولی محقق در تحقیقات کمی کمتر با داده‌های جعلی و این مشکل مواجه است - بر خلاف تحقیقات کیفی - و خصوصا در تحقیقات کیفی متن محور این مشکل موجود است.

اما به هر جهت این مشکلات و مسائلی که بیان شد نباید سبب دست برداشتن از تحقیق و بررسی بشود، بلکه نتیجه‌ی بیان این مشکلات باید این باشد که شخص باید با پشتکار و تلاش بیشتری برای رسیدن به هدف پژوهش و تحقیق خود تلاش کند.

### توجه:

مخاطب این بحث محققین رشته فقه است یعنی کسانی که یک دوره مثلا ۴-۵ ساله را در رشته فقه می‌گذرانند و اصول و امهات مباحث اصولی را هم یاد می‌گیرند و می‌خواهند آموزه‌هایی را که در سالیان متمادی به دست آورده‌اند در یک موضوعی پیاده سازی بکنند و ببینند که قوت و قدرت استنباط را به دست آورده‌اند یا نه.

لذا به جای اینکه ۳۰ سال پای یک درس فقهی بنشینند و آخر هم نفهمند الگوی روش اجتهادی استاد چه الگویی است، این مطالب می‌خواهد استخراج الگو روش اجتهادی را به طلبه یاد دهد تا از بین الگوهای موجود با نقاط قوت و ضعف یکی را انتخاب کند، یعنی طلبه در مجموع الگویی که دارای بیشترین محسنات است را انتخاب کند و الگویی که بیشترین معایب را دارد کنار بگذارد. سپس بر اساس الگوی انتخابی خود یک تحقیق و پیاده سازی و تمرینی کند تا به مرور زمان به اجتهاد برسد و بتواند حکم الله را از منابع روایی و قرآن استنباط بکند.

لذا بحث فعلی در آموزش روش تحقیق اجتهادی است و مناسب برای محققان و دانش پژوهان و طلاب رشته فقه می‌باشد.

### مراحل اجرایی آماده سازی اطلاعات نقلی

برای به دست آوردن و اجرایی کردن طبقه بندی اطلاعات و داده‌های فقهی - که مقدمه فهم داده های نقلی است - چند مرحله باید صورت گیرد:

(۱) بررسی سندی

در فهم متن توجه به تعینات فردی و اجتماعی و فرهنگی متن (یا توجه به قرینه ها در فهم متن که امروزه تحت عنوان تعینات از آن تعبیر می شود) لازم است. تعینات گاهی روانشناختی یا فردی است، مثلا راوی چه ویژگی های روانشناختی داشته و این ویژگی های شخصیتی وی چه تاثیری روی نقل روایت داشته و گاهی منظور از تعینات، تعینات اجتماعی است. مثلا این پرسش و پاسخی که بین روای و معصوم مطرح شده در مورد یک مسأله فقهی در چه شرایط اجتماعی اتفاق افتاده است و همچنین گاهی منظور از تعینات، تعینات فرهنگی است که مثلا پرسش کننده متعلق به چه فرهنگی بوده و قطعا معصوم با توجه به فرهنگ او این پاسخ را داده اند.

### ۱. بررسی سندی:

آیات قرآن قطعی السند هستند و این خیلی جای کار تحقیقی ندارد یعنی هنگام استناد به آیه در یک بحث فقهی لزومی ندارد که به لحاظ سندی آیات و متن قرآن بررسی بشود.

اما روایات بر خلاف آیات معمولا ظنی السند هستند و چون ظنی و غیر قطعی هستند قطعا باید به اعتبار سنجی سندی آنها پرداخته شود.

اینجاست که پای اصول و قواعد اعتبار سنجی اسناد و مدارک باز می شود.

یکی از علومی که برای اعتبار سنجی داده های نقلی فقهی مورد استفاده قرار می گیرد علم رجال - علم بررسی احوال راویان - است. (علم رجال عام تر از علم بررسی احوال راویان است).

علم دیگری که در اعتبارسنجی اسناد و مدارک نقلی مورد توجه است - و در دروس حوزه های امروز مهجور شده - علم تخریج یا علم مصدربابی است.

نتیجه دو علم رجال و تخریج و به کارگیری آنها پالایش داده های جمع آوری شده و به دست آوردن تعدادی متن است که مشابه و مطابق هستند. در این پالایش یک سری روایات و متون با این دو علم کنار گذاشته شود.

این جمع آوری متون مشابه و مطابق باعث استخراج متن های دقیق و حتی متن هایی که به زمان صدور نزدیک است، می شود، چرا که متون نزدیک تر به زمان صدور از اعتبار بیشتری برخوردارند.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

مجموع کارهای بالا بخشی از متون و در مطالعات فقهی بخشی از احادیث را در مرحله‌ی پردازش و طبقه‌بندی از دایره‌ی تحلیل خارج می‌کند و همچنین بخشی احادیث و روایاتی که باقی می‌مانند با منابع و احادیث موجود دیگر تقویت می‌شوند.

پس در مرحله‌ی بررسی سندی دنبال دو چیز باید بود: ۱. خروج برخی احادیث که متضاد و معارض می‌باشند یا به لحاظ سندی معتبر نیستند و ۲. این که در ضمن خروج بخشی از روایات از دایره‌ی تحلیل، روایات باقی مانده باید همدیگر را تقویت کنند.

## جلسه سوم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۳)

- مراحل تحلیل داده‌های نقلی:
  - مرحله اول: آماده‌سازی و طبقه‌بندی داده‌ها و اطلاعات
  - بررسی سندی: اصول و قواعد اعتبار سنجی سند
    - علم رجال
    - علم تخریج
    - جمع‌آوری متون مشابه
    - استخراج دقیق و قدیمی‌ترین متن
- علم تخریج چیست؟

در بحث حدیث‌شناسی و سند‌دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد در گذشته که ابزارهای جستجوی دیجیتالی و نرم‌افزارها و سامانه‌ها وجود نداشت، برخی علما حدیث را تخریج می‌کردند. تخریج روایت به معنای تثبیت روایت هست، یعنی وقتی یک روایت به صورت معلق و فاقد سند وجود داشت، جستجو می‌کردند و از طریق یافتن یک سری منابع سعی در پیدا کردن سندی می‌کردند تا بتوانند روایت را به آن سند نسبت دهند و یا مثلاً خود روایت را همراه با سند در منبعی پیدا کنند.

اصطلاحاً به این کار که سند حدیثی را با قرائن و شواهد از منابع مختلف پیدا کنند علم تخریج گفته می‌شد.

محقق علم تخریج در مورد صحت، ضعف، قوت و نوع روایت یا رد و قبول آن اظهار نظری نمی‌کند و محدوده‌ی این علم همین قدر است.
- اما یک مرحله در بررسی سندی، بررسی متن و لفظ روایت هست. در واقع در این مرحله صحت حروف و حرکات لفظ بررسی می‌شود تا معلوم شود دقیقاً چه لفظی در روایت آمده است. چون در زبان عربی علاوه بر تغییر حروف، تغییر حرکات هم معنای کلمه را تغییر می‌دهد و در این مرحله باید الفاظ مراد گوینده حدیث معلوم گردد.

خط در زمان نزول آیات و زمان ائمه (علیهم السلام) فاقد نقطه و دندانه بوده است و به این دلیل بعضی کلمات مثل هم نوشته می شدند اینکه کدام احتمال از بین احتمالات کلمه درست یا غلط هست به بررسی متن مربوط می شد.

مثلا سبعین و تسعین بدون نقطه و دندانه یک شکل نوشته می شوند و فهمیدن این که در یک متن کدام کلمه صحیح و مقصود بوده کار سختی است. دقیقا همین مثال در روایتی که رسول اکرم (صلوات الله علیه و آله) در روزهای آخر عمر نسبت به فاطمه زهرا فرمودند وجود دارد. این اختلاف دو دهه ای در برگزاری فاطمیه هم به همین خاطر هست.

• اما مرحله ی بعدی در بررسی سندی ، بررسی الفاظ و عبارات مورد استفاده در روایت هست.

سه شیوه برای فهمیدن صحت الفاظ روایات در دست داریم :

• مراجعه به نسخ اصلی و قدیم تر (که البته در نسخ قدیمی مشکل نقطه و دندانه و اعراب و حرکات الفاظ وجود دارد)

• مقایسه نسخه های مختلف یک روایت با هم (باید فهمید کدام نقل و نسخه اصلی است. البته نتیجه این مقایسه نباید به نسخه و شکل جدیدی بیانجامد، یعنی در مقایسه دو نسخه نباید به شکل و متن سومی رسید)

• عرضه کردن آن نقل و نسخه به قرآن تا به وسیله الفاظ قرآن فهمیده شود که کدام نقل و نسخه روایت صحیح است. (روایات بیان دیگری از قرآن هست و قرآن می تواند در فهم و صحت الفاظ و عبارات روایت کمک کند)

دو بحث در این سلسله جلسات مطرح می شود:

۱. روش شناسی اجتهادی (نوعی علم که به مباحث مبنایی روش و فلسفه و علم روش می پردازد)

۲. روش تحقیق اجتهادی (نوعی مهارت)

## جلسه پنجم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۴)

#### مسأله‌ی تحقیق با تاکید بر تحقیق اجتهادی

- هر تحقیق با یک مجهول شروع می‌شود، اما این مجهول‌ها که حلشان و معلوم‌شدنشان نیازمند تلاش و کوشش و کاوش علمی هستند به شکل‌های مختلفی صورت‌بندی می‌شوند. گاهی گفته می‌شود که تحقیق باید مسأله‌محور باشد. یعنی اگر باید یک کار علمی واقعی و تحقیق جدی صورت بگیرد مجهول باید مسأله باشد. مسأله‌محور بودن تحقیق یعنی چه؟
- اما خود مسأله به سه معناست و مسأله گاهی بین این سه معنا خلط می‌شود:
  ۱. یکی مسأله‌ی اجتماعی است (Social Problem)
  ۲. یکی مسأله‌ی تحقیق (پژوهش) است (Research Problem)
  ۳. یکی مسأله‌ی علمی است (Scientific Problem)این‌ها باید از هم تفکیک شده و تفاوت‌شان لحاظ بشود.
- ۱. مسأله‌ی اجتماعی:

آنجا که گفته می‌شود بین وضعیت موجود اجتماعی و وضعیت مطلوب اجتماعی فاصله هست، این قطعا یک مسأله‌ی اجتماعی است.

مسائل اجتماعی معضلاتی هستند که در جامعه نابه‌هنجار هستند و نباید این معضلات وجود داشته باشند اما وجود دارند. جامعه منظم و مستقر و تثبیت شده باید فاقد این معضلات و مسائل باشد اما چون وجود دارند مسأله هستند. و باید برای کنترل آنها راه حل‌هایی ارائه داد. شناخت مسائل اجتماعی و ارائه‌ی راه حل‌ها نیازمند پژوهش و تحقیق هستند در این صورت است که مسأله‌ی اجتماعی می‌شود مسأله‌ی تحقیق. اما اگر محققانی در مورد آن تحقیق کرده‌اند و قبلا در موردش تحقیق شده این دیگر مسأله‌ی تحقیق نیست، فقط یک مسأله‌ی اجتماعی است.

بنابراین مسأله‌ی اجتماعی به مشکلات و معضلاتی دلالت می‌کند که به دلایل مختلفی در جامعه ایجاد شده‌اند و برای کسانی دارای اهمیت و دغدغه است.

مسأله اجتماعی خیلی مواقع ربطی به موضوع و مسأله‌ی تحقیق ندارد. بعضی مواقع یک مسأله اجتماعی می‌تواند مسأله تحقیق بشود اما لزوما یکسان نیستند،



بلکه نسبت‌شان عموم و خصوص من وجه است.

برای درک بهتر مفهوم آن از باب تعرف الاشياء باضدادها مسأله‌ی اجتماعی در مقابل هنجار اجتماعی و نظم اجتماعی قرار دارد.

در هر صورت باید توجه کرد وقتی در روش تحقیق درباره مسأله صحبت می‌شود این مسأله‌ی اجتماعی مراد نیست. اگر چه گاهی مسأله اجتماعی همان مسأله تحقیق است.

• ۲. مسأله‌ی تحقیق:

مسأله‌ی تحقیق در برابر پرسش قرار می‌گیرد. البته خود مسأله‌ی تحقیق هم یک نوع پرسش است، فقط با یک تفاوت که پرسش‌های تحقیق بی‌پاسخ است و نیازمند تحقیق است. به عبارت دیگر پرسش‌هایی که عالمان و محققان مطرح می‌کنند به دو دسته تقسیم می‌شود:

یک دسته پرسش‌هایی هستند که پاسخ دارند ولی به دلیل عدم اطلاع فرد از آن پاسخ که در مورد آن پرسش ارائه شده است - از جمله تحقیقات، اطلاعات، معلومات - برای شخص به دلیل بی‌خبری مجهول است و یک پرسشی برای او ایجاد شده است. اگر یک پرسشی باشد که به تعبیر عالمان روش شناس پاسخ آن در Common Sense عقل جمعی، کتابخانه‌ها، مقالات و اینترنت موجود باشد اما فردی آن را نمی‌داند، اینجا گفته می‌شود این یک مسأله نیست بلکه این یک پرسش است و آن فرد نیازمند مطالعه و آموزش است نه تحقیق. در این صورت پاسخ چنین پرسش‌هایی را باید از دیگری که مطلع هستند پرسید یا به کتب و مقالات مرتبط مراجعه کرد یا در اینترنت جستجو کرد تا نهایتاً به پاسخ برسد.

در یک معنای عام همین جستجو برای به دست آوردن پاسخ‌های موجود یک پرسش هم تحقیق هست، اما آن تحقیقی که در بحث روش تحقیق بیان می‌شود این جستجو و تحقیق نیست بلکه این تحقیق فقط نوعی جستجو برای پاسخ است نه جستجو و تحقیق برای حل یک مسأله.

دسته‌ی دیگر پرسش‌هایی است که در کامان سنس انسانی و بشری (Common Sense) برای آن پاسخی موجود نیست و هیچ شخص یا کتاب و مقاله‌ای برای آن پاسخی ندارد و نمی‌توان پاسخ آن را با پرسش از دیگران و آموزش و مطالعه به دست آورد. اینجا لازم است شخص یا اشخاصی برای پاسخ آن پرسش تحقیق و پژوهش کنند تا به تولید پاسخ آن پرسش بیانجامد. اگر شخص با چنین پرسش و سوالی مواجه شود به آن می‌گویند مسأله‌ی تحقیق.

لذا مسأله‌ی تحقیق نوعی پرسش است که جوابی و پاسخی برای آن در Common Sense یا جهان سوم یا جهان کتابخانه‌ای یافت نمی‌شود و باید نسبت به آن تحقیق کرد.

تفاوت پرسش (Question) و مسأله (Problem) به همین برمی‌گردد یعنی:

سوال همیشه یا بر اثر ندانستن یا بر اثر علم اجمالی نسبت به یک چیزی سوال ایجاد می‌شود.

اما مسأله بر اثر علم تفصیلی و دانستن همه‌ی اطلاعات موجود در مورد یک موضوع حاصل می‌شود. مثلاً فقیهی در مورد ربا - که مثلاً در باب رمز ارزها یا در باب بانک خون ربا مطرح می‌شود یا خیر -

هر چه آیات و روایات هست می‌داند اما بر اساس این دانستن علم تفصیلی در موضوع ربا، سوالی در ذهنش خطور می‌کند و می‌داند پاسخ سوالش در اطلاعات موجود - آیات و روایات و کتب و مقالات و... - نیست و باید تحقیق و پژوهش کرده و پاسخی برای این مسأله تولید کند. به طور خلاصه:

- ۱- پرسش و سؤال بر اثر علم اجمالی ایجاد می‌شود ۲- پاسخ آن نزد دیگران، آثار و منابع و مکتوبات یا به تعبیری Common Sense یا جهان کتابخانه‌ای و عقل جمعی بشر وجود دارد
  - ۳- پرسش مجهولی است که مربوط به جهان دوم یعنی مربوط به ذهن فرد است ۴- فرایند کشف پرسش مطالعه و آموزش و همچنین تتبع و کاوش است.
  - اما مسأله: ۱- بر اثر علم تفصیلی ایجاد می‌شود ۲- پاسخ آن نزد شخص یا منبعی موجود نیست
  - ۳- مجهولی که مربوط به جهان سوم یعنی عقل جمعی و ذهن بشری است. ۴- فرایند کشف آن تحقیق و پژوهش است.
- توضیح:

جهان اول: جهان واقع است یعنی آن چیزی که در عالم واقع اتفاق می‌افتد.  
جهان دوم: جهان ذهن فردی است یعنی برای هر شخصی ذهن خودش و تصورات و تصدیقاتی که دارد.  
جهان سوم: همان Common Sense یا ذهن جمعی و عقل جمعی یعنی آن چیزی که در دستاورد های علمی بشر در آن مکتوب و محفوظ است.

• ۳. مسأله‌ی علمی:

مسأله‌ی علمی از جنس مسائل قبل نیست بلکه مجموعه‌ای از فعالیت‌های یک دانشمند و محقق هست. مسأله‌ی علمی فلان عالم و دانشمند یعنی او به عنوان یک دانشمند روی چه مسأله و موضوع علمی فعالیت کرده و آن را به شکل یک نظریه و موضوع مدوّن ارائه کرده است. مثلاً مسأله‌ی علمی امام خمینی در فقه یعنی مسأله‌ی فقهی ایشان فقه سیاسی یا موضوع ولایت فقیه بوده است. مسأله‌ی علمی یک دانشمند یا فقیه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

- ۱- یک دسته مسائلی که آشکار و معلوم است - یعنی قبلاً بوده است - و فقیه آن‌ها را شناسایی کرده و به صورت یک مسأله‌ی جدید صورت بندی کرده است.
- ۲- یک دسته مسائلی است که فقیه به آن‌ها پرداخته است یعنی مجموعه فعالیت‌هایی که این فقیه به آن‌ها پرداخته است.
- مثلاً مسائل فقهی حضرت امام این ده مسأله است که ایشان در دوران فقهی خود به این ده مسأله پرداخته و روی آن کار کرده است.
- ۳- یک دسته هم مسائل بالقوه‌ای که کسی روی آن تا به حال کار نکرده و خود فقیه هم روی آن کار نکرده را شناسایی کرده و به دیگران معرفی کند.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

نکته: مسأله‌ی فقهی که مردم از مرجع خود سوال می‌کنند در واقع همان پرسش است. البته برخی از سوالات و استفتائات هم ممکن است مسأله‌ای باشد که نیازمند تحقیق فقهی باشد.

## جلسه پنجم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۵)

- روش تحقیق فقهی (روش تحقیق اجتهادی) در حقیقت زیر مجموعه روش تحقیق نقلی قرار می‌گیرد.  
مراحل روش تحقیق نقلی عبارتند از:
  ۱. آماده سازی اطلاعات
  ۲. طبقه بندی اطلاعات
  ۳. کشف روابط بین اطلاعات طبقه بندی شده
  ۴. نتیجه گیریدر مرحله‌ی آماده سازی اطلاعات هم مراحل زیر وجود دارد:
  ۱. بررسی سندی
  ۲. بررسی متن داده ها
  ۳. کشف دلالت های عام و خاص متن و فهم سینکرونیک (Synchronic) و دیاکرونیک (Diachronic) متن

### فهم متن یا کشف دلالت های عام و خاص متن

- دلالت های عام یعنی فهم تمامی آن چیزی که در متن آمده (این فهم باید بر اساس قواعد ادبی مثل علم صرف، نحو، بلاغت، فصاحت، معانی و بیان حاصل شود).

#### ۱- واحد تحلیل در متن:

- به طور مسلم معانی متن گسسته و پراکنده نیست و باید به طور مجموعی فهم و قابل درک شوند ، به طور قطع اگر معیار فهم متن کلمه باشد، با صرف معنا کردن واژه های یک متن به فهم دقیقی از آن متن نمی توان دست پیدا کرد. حتی اگر هم معیار فهم متن گزاره و جمله باشد نیز بدون توجه به جملات بعد و قبل هر جمله‌ای فهم صحیحی از متن به دست نمی آید. این مطلبی است که در مباحث هرمنوتیک هم بیان شده است.

- در رابطه با این که واحد تحلیل در متن چیست بین پژوهان و کسانی که در کار تحلیل متن هستند اختلاف نظر وجود دارد.
- گروه اندکی از دانشمندان واحد تحلیل متن را واژه و کلمه و مفهوم می‌دانند. به این باور نقدهای بسیاری وارد شده است.
- گروهی واحد تحلیل در متن را جمله یا گزاره می‌دانند، یعنی برای فهم یک متن باید جملات آن را به خوبی درک کرد. این باور نسبت به قول قبل طرفداران بیشتری دارد ولی نقدهایی هم به این باور نیز وارد شده است.
- امروزه بر اساس پیشرفت در علوم تحلیل متن و متن پژوهی، واحد تحلیل متن را پاراگراف پاراگراف یا بند می‌دانند البته مشروط به اینکه آن متنی که درصدد تحلیل آن هستیم به صورت منطقی پاراگراف بندی شده باشد. اگر تقسیم پاراگراف‌ها و بندها منطقی نداشته باشند، قطعاً نمی‌توان واحد تحلیل چنین متنی را پاراگراف دانست. پس علاوه بر اینکه متن باید به طور منطقی پاراگراف بندی شده باشد همچنین متن نیز باید پاراگراف پاراگراف باشد. مثلاً متون قدیمی مثل نهج البلاغه‌های قدیمی یا کتب روایی قدیمی یا همین کتاب مکاسب شیخ انصاری که بعضاً نقطه هم نداشتند و فاقد علائم ویرایشی بودند، به صورت عادی شامل این بحث نمی‌شوند چون واحد تحلیل متن مکاسب نمی‌تواند بند باشد چرا که باید پاراگراف بندی شده باشد که نشده است و منطقی برای تقسیم محتوای متن در آن به کار نرفته است. در چنین متونی به ناچار باید واحد تحلیل را جمله و گزاره قرار داد.
- پس نکته‌ی مهم این است که متن باید واحد تحیل داشته باشد. فقهای ما غالباً واحد تحلیل‌شان جمله و گزاره هست، چرا که اکثر روایات مشتمل بر یک جمله و گزاره است و برخی هم واحد تحلیل‌شان همان کلمه و مفهوم هست. این را از تحلیل دروس و نوشته‌های فقها می‌توان فهمید که با چه معیاری و واحدی متن را تحلیل و فهم می‌کنند.

## ۲- تاثیر اقتضائات ماتن و محیط صدور در فهم متن:

- نکته دیگر اینکه آیا متن باید فارغ و جدا و گسسته از صاحب متن فهم شود یا اینکه باید شرایط مختلف ماتن (مولف و نویسنده) در فهم متن لحاظ شود؟  
دو دیدگاه وجود دارد که هر دو در علم هرمنوتیک و تفسیر از آن بحث می‌شود:
- گروهی معتقدند متن را باید گسسته از مولف و شرایط محیطی صدور آن فهمید، یعنی شرایط و قرائن حالیه و مقاله نباید در فهم متن لحاظ شود و متن بما هو متن بررسی و فهمیده شود. به طور مثال طبق این نظر در فهم و تفسیر قرآن نباید شرایط نزول آیات و نوع مخاطبین در نظر گرفت.
- پس اقتضائات متن باید فارغ از مولف و شرایط محیطی وی بررسی شود.

○ در مقابل گروهی معتقدند که اگر اقتضائات معنایی متن و شرایط ماتن و شرایط محیطی صدور متن لحاظ نشود، در این صورت متن به درستی فهم و درک نخواهد شد. افزون بر اینکه در نظر نگرفتن شرایط و قرائن حالیه و مقالیه سبب ایجاد تناقضات در فهم از متن خواهد شد، مثلا معصوم در یک موضوع حکمی صادر کرده ولی معصوم دیگر در همان موضوع حکم دیگری صادر نموده است. در حالی که اگر شرایط و تعیینات محیطی و اجتماعی و فرهنگی و زمانی و نوع مخاطبین لحاظ شود معلوم می‌گردد این تناقض ظاهری و غیر واقعی است.

به نظر می‌رسد در تراث فقهی ما دیدگاه دوم مورد پذیرش است و مثال بارز آن هم مبحث شان نزول در تفسیر آیات قرآن است.

کشف دلالت‌های عام متن:

۱- بررسی و فهم سینکرونیک (Synchronic) متن

۱. جایگزینی عبارات و لغات

• برای کشف دلالت‌های عام متن لازم است که به معنای واژه‌ها و عبارات توجه شود. عبارت غیر از گزاره و جمله است، مثل مضاف و مضاف الیه، صفت و موصوف و جملات حالیه و جملات وصفیه‌ای که در بین مبتدا و خبر یا در یک جمله فعلیه بیان می‌شود. به این بررسی به اصطلاح بررسی سینکرونیک (Synchronic) عبارت گفته می‌شود. در بررسی سینکرونیک به دو علم نیاز است: یکی علم لغت و دیگری علم صرف.

باید این دو علم را دانست که بتوان معانی واژه و عبارات را به دست آورد.

البته گاهی باید بر اساس جایگزینی معادل‌ها به این فهم سینکرونیک رسید یعنی مثلا فرضا چرا به جای این واژه در روایت یا آیه از یک معادل هم معنا و مترادف استفاده نشده است؟ یعنی شخص تحلیل‌گر از متن آن واژه را برداشته و به جای آن یک واژه مترادف می‌گذارد تا ببیند چه نکته‌ای با تغییر این واژه از مقصود و منظور ماتن یا معصوم حذف می‌شود. این عمل انتخاب جایگزین برای کلمات موجود در متن و اصطلاحا حرکت در سایه، دسترسی بهتری به فهم سینکرونیک متن می‌دهد.

۲. توجه به تحول و تطور معنای لغت:

• گاهی این اشتباه رخ می‌دهد که شخص محقق بر اساس فهم امروزی خود از واژه، روایت را فهم می‌کند و این سبب می‌شود در دستیابی به منظور ماتن دچار خطا شود.

مثلا لفظ حکمت در خطبه‌های نهج البلاغه پرتکرار است و باید دید معنای حکمت در زمان امیرالمومنین به چه معنا بوده است نه اینکه با فهم امروزی از معنای حکمت خطبه اول نهج البلاغه فهم و تفسیر شود. فهم متن بر اساس معنای امروزی فهم دقیقی نیست، چون قطعا لفظ حکمت در

طول تاریخ تحول و تطور معنایی داشته است. نکته این است که در بررسی سینکرونیک متن - که بررسی واژه هاست - حتما باید به تحول و تطور معنایی لغت توجه کرد و دنبال این بود که لغت در زمان صدور متن در چه معنایی به کار رفته است.

۲- بررسی دیاکرونیک (Diachronic) متن یا فهم مجموعی متن

- بعد از این که تک تک واژه‌ها فهم شدند باید آن‌ها را در یک جمله یا گزاره فهم کرد. در اینجا علم نحو و علم معانی و بیان و بدیع مورد استفاده هستند که اصطلاحاً تحت عنوان فهم یا کشف دلالت‌های خاص متن از آن نام می‌برند. نکته در اینجا این است که ساختار این جمله در روایت قطعا دارای یک معناست یعنی خود ساختار نه کلمات دارای معنایی است. یعنی با جا به جا کردن دو کلمه در جمله احتمال این می‌رود که فهم و معنا جمله و روایت به کلی تغییر کند.
- بررسی دیاکرونیک (Diachronic) متن به معنای فهم مجموعی متن هست و منظور از مجموعه هم مجموعه‌ی واژه‌ها و عبارات به کار رفته در متن است و همچنین فهمی که از چینش و ترتیب کلمات (ساختار جمله و متن) به وجود می‌آید.

در جلسه‌ی بعدی بحث کشف دلالت‌های خاص متن یا تعیینات و قرینه بیان خواهد شد.

## جلسه ششم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۶)

#### خلاصه گفتار گذشته

- در بحث فهم متن دو مقام وجود دارد: یکی کشف دلالت‌های عام متن و یکی کشف دلالت‌های خاص متن و به عبارت دیگر بحث فهم واژه‌ها و عبارات و به تعبیری بررسی سینکرونیک (Synchronic) متن و بحث فهم مجموعی یا بررسی دیاکرونیک (Diachronic) متن
- در جلسه‌ی قبل نکته‌ای بیان شد مبنی بر این که برای فهم دقیق متن باید به تطور و تحول واژه‌ها در طول زمان توجه کرد و معنای واژه در زمان صدور را ملاک فهم قرار داد، اما نکته‌ی دیگری که نباید از آن غفلت کرد این است که گاهی هم معنا ثابت است اما واژگان و اصطلاحات تغییر می‌کنند.
- مثلا کلمه‌ی حکمت در نهج البلاغه زیاد به کار رفته است و معنای آن در طول زمان ثابت مانده و اما در زمان ائمه‌ی متاخر لفظ دیگری مثل عبرت و بصیرت به معنای حکمت به کار رفته است.
- پس گاهی واژه‌های دال بر یک معنا تغییر می‌کنند و مراد و فهم متن در زمان‌های مختلف را کمی مشکل می‌کند که چه واژه‌ای در چه زمانی مطابق چه واژه‌ای در زمان دیگر هست. این تحول و تطور واژگانی قدری فهم متن را دشوار می‌کند.
- تحول و تطور واژگانی می‌تواند عوامل بسیاری داشته باشد:
  - یکی از عوامل آن که امروزه خیلی مورد توجه است، مد می‌باشد. مثلا واژه مهمان‌پذیر و مسافرخانه و هتل که تقریبا معنایشان ثابت است و یا مثلا بقالی و سوپر مارکت یا غذاخوری و رستوران یا قهوه‌خانه و کافی‌شاپ و... که امروزه در مفاهیم مردم به کار می‌رود همان معناهای گذشته را دارد ولی به خاطر جذابیت‌هایی مثل خارجی بودن و مد تغییر کرده است.
  - یک دلیل دیگر هم بار ارزشی آن است که مردم حس می‌کنند واژه‌های قدیمی از بار ارزشی کمتری نسبت به واژه‌های جدید برخوردارند.



○ یکی دیگر از عوامل تحول و تطور واژگانی زمانی است که مردم با معنای برخی واژه‌ها مشکل دارند، مثلاً به خاطر مسائل اخلاقی یا... از واژه‌های مربوط به مسائل و روابط جنسی یا مسائل مربوط به تخیلی، از واژه‌هایی که به طور مستقیم به این مسائل اشاره می‌کنند استفاده نمی‌کنند.

در مسائل تاریخی عدم استفاده از لفظ غیرمستقیم زیاد است. به طور مثال برخی واژه‌ها در روایات دقیقاً معلوم نیست به چه معناست چون معنای مستقیم ندارد. مثلاً کراء الارض و فضل الماء.

در بحث‌های اعتقادی هم مواردی هست که گاهی نخواستند به معنای اصلی کلمه و واژه اشاره کنند و از یک واژه‌های دیگری به طور غیرمستقیم استفاده می‌کنند که فهم آن مبحث اعتقادی در بررسی‌های متنی دچار مشکل می‌شود. مثلاً اصطلاح فتنه بارها در طول تاریخ دچار تغییر معنایی شده است و در روایات به راحتی نمی‌توان معنای آن را فهمید.

پس از بررسی سینکرونیک (Synchronic) متن و بررسی دیاکرونیک (Diachronic) متن، بحث توجه به تعینات متن باید لحاظ شود.

توجه به تعینات متن و یا قرینه‌ها:

• تعینات در بحث‌های اصولی و ادبیات تحت عنوان قرینه‌ها شناخته می‌شود که به دو دسته تقسیم می‌شوند:

○ قرینه‌های لفظی دو گونه است:

- گاهی در خود متن مورد بررسی قرینه‌ای دال بر معنای لفظ وجود دارد.
- گاهی در خارج از متن مورد بررسی قرینه‌ای دال بر معنای لفظ وجود دارد، متنی از خود همین نویسندگان یا از دیگران.
- گاهی از زمان صدور یک متن یا روایت، در اشعار و ضرب‌المثل‌ها و خطبه‌ها و ... قرینه‌هایی پیدا شود که آن لفظ موجود در روایت و متن مورد نظر را معنا می‌کند یا قرینه‌ای بر فهم معنای آن لفظ در روایت است که اصطلاحاً به آن تضمین می‌گویند. فقط باید توجه کرد نباید بین این تضمین و متن مورد نظر فاصله‌ی زمانی زیادی باشد و باید این شعر یا ضرب‌المثل متعلق به همان زمان صدور متن یا روایت باشد.

○ قرینه‌های مقامی (غیر لفظی)

قرینه‌های مقامی یا غیر لفظی را اصطلاحاً تحت عنوان تعینات اجتماعی، تعینات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، روانشناسی و خیلی موجباتی که سبب می‌شود فهم یک واژه را دقیق‌تر کند، نامیده‌اند. همان چیزی که در تفسیر قرآن به آن شان نزول نیز گفته می‌شود.

مثلا برای فهم واژه‌ی طبقه که در روایتی آمده است، باید دید در جامعه‌ی زمان صدور این روایت چه طبقاتی در آن جامعه موجود بوده و منظور از طبقه آنجا چه بوده است.

### هدف از این بحث:

پس به طور کلی بحث دلالت‌های خاص متن یعنی باید به قرائن یا تعینات اجتماعی، فرهنگی، شرایط محیطی و جغرافیایی راویان، قرائن حالیه، قرائن عقلی و گفتاری -متصل یا منفصل- و همین طور معارض‌های روایت یا متن توجه شود؛ به هر حال در بحث دلالت‌های خاص متن به دنبال کشف مراد جدی گوینده یا نویسنده (ماتن) -به صورت منصوص یا ظهوری- باید بود. علت آن هم این پیش فرض عقلایی است که همواره هر گوینده‌ی عاقل و ملتفت در مقام بیان مراد جدی و واقعی خود است. جز اینکه قرینه‌ای باشد که در مقام بیان نیست و در حال تقیه یا شوخی و... است.

## جلسه می، مقسم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۷)

#### مراحل روش تحقیق نقلی

- مرحله اول: آماده سازی اطلاعات
- ۱. بررسی سندی
- ۲. بررسی متن داده‌ها (آیات و روایات)
- ۳. فهم متن
- بررسی سینکرونیک (Synchronic) متن
- بررسی دیاکرونیک (Diachronic) متن
- بررسی تعینات و قرینه‌ها
- مرحله دوم: طبقه بندی داده‌ها
- مرحله سوم: کشف روابط بین داده های طبقه بندی شده
- مرحله چهارم: نتیجه گیری

#### طبقه بندی داده‌ها

- بعد از بررسی سند و متن روایت، در این مرحله باید داده‌های فهمیده شده را با معیار و ملاکی طبقه بندی کرد.
- تعیین ملاک و معیار برای طبقه بندی داده‌ها بر اساس هدف تحقیق و متناسب با آن هدف مشخص می‌شود. (در آینده تحت عنوان اهداف تحقیق مفصلاً توضیح داده خواهد شد)
- مثلاً:
- در تحقیق برای استنباط حکم بیع خون در زمان معاصر با توجه به اینکه بر خلاف گذشته که بیع خون با اهداف غیر شرعی مثل خوردن خون انجام می‌شد امروزه بیع خون برای نجات جان انسانی انجام می‌شود. با توجه به اینکه الان مصارف غیر شرعی گذشته در بیع خود مدنظر نیست و یک مایع حیات بخش هست آیا هنوز بیع خون ممنوع و حرام است؟ یا این تغییر کاربرد خون به تغییر

حکم بیع آن می‌انجامد؟ لذا روایات و آیات مرتبط با حرمت بیع خون - یا به طور کلی حرمت بیع نجاسات - را می‌توان با ملاک‌ها و معیارهایی که مربوط به هدف تحقیق است دسته‌بندی کرد. مثلا بعضی ادله علت حرمت را بیان کرده و برخی نکرده یا برخی بیع آن را به عنوان نجس حرام کرده و برخی مطلقا آن را حرام کرده‌اند. پس با معیارهای مختلف می‌توان داده‌های جمع‌آوری شده را دسته‌بندی و طبقه‌بندی کرد که مثال‌های مختلفش بماند برای بحث اهداف تحقیق.

### کشف روابط بین داده‌های طبقه‌بندی شده

• برخی داده‌ها علت را بیان می‌کنند، برخی شرایط را بیان می‌کنند، برخی خود پدیده - مثلا بیع - را بیان می‌کنند، برخی پیامد و نتیجه پدیده را بیان می‌کنند. می‌توان روابط بین این داده‌ها را کشف و استخراج کرد و خود همین کار هم می‌تواند سبب نوعی دسته‌بندی باشد.

شکل‌های این روابط متنوع و زیاد است و قابل حصر نیست و ذهن فعال و جوال محقق می‌تواند کشف روابط مختلفی انجام دهد. (در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها که مهمتری بحث روش تحقیق فقهی هست به این روابط بیشتر پرداخته خواهد شد)

در ذیل به چند مورد از موارد روابط بین داده‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱- مقایسه‌ی داده‌ها:

• در بیان روابط بین داده‌ها مقایسه‌ی بین آنها هم وجود دارد یعنی بین داده‌های طبقه‌بندی شده مقایسه‌ای هم می‌تواند صورت‌گیرد. مثلا مقایسه‌ای بین آیاتی که در مورد بیع نجس و بیع خون هست با روایاتی در این موضوع وجود دارد. یا مثلا مقایسه روایات نبوی با روایات ائمه تا به دست بیاید هرچه از صدر اسلام دورتر می‌شویم و استقرار فرهنگ اسلامی و توسعه‌ی علوم اتفاق می‌افتد این چه تاثیری در حکم حرمت آن می‌گذارد.

در کنار بحث بیع خون، امروزه بحث بانک خون هم پیش آمده، که مثلا یک انسان صحیح و سالم برود خون خود را سرمایه‌گذاری کند تا بعدا که نیازمند به خون شد بتواند از آن استفاده کند. در همین راستا ربای خون مطرح می‌شود که شخصی یک واحد از یک گروه خونی کمیاب را با دو واحد گروه خونی دیگر معاوضه کند، آیا این جایز هست یا خیر.

#### ۲- رسیدن به یک الگو یا حکم کلی:

• همچنین در مرحله کشف روابط بین داده‌ها می‌توان به یک مدل و الگو هم رسید که آیا از این داده‌ها می‌توان یک حکم کلی و الگوی انتزاعی استخراج کرد یا نه. مثلا این الگو به دست بیاید که سپرده گذاری خون یا مثلا تفاضل در مقدار معاوضه خون اگر باعث نجات جان انسانی شود بلا مانع است.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

۳- بیان یک فرایند علی بین داده‌ها:

- همچنین در این مرحله می‌توان به بیان یک فرایند علی بین داده‌ها دست یافت یعنی زنجیره‌ای از روابط علی در داده‌ها را کشف و ارائه کرد.
- مثلا علت حرمت بیع خون این است که ضرر و فساد متوجه جامعه می‌شود

۴- تطبیق الگو و تعیین مصداق:

- اگر فرضاً بررسی داده‌های طبقه بندی شده به این برسد که بیع خون برای نجات جان انسانی بلامانع هست. باید دید این ذیل کدام یک از الگوها و مدل‌های بیع قرار می‌گیرد. یعنی مصداق برای کدام یک از انواع بیع قرار می‌گیرد که اصطلاحاً به آن تطبیق الگو می‌گویند.

### نتیجه گیری

- بعد از انجام سه مرحله بالا کار به نتیجه گیری می‌رسد. نتیجه گیری می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد، مثلاً نتیجه‌ی تحقیق نقلی می‌تواند:
  - ۱- کشف یا استنباط یک حکم یا قانون:

نتیجه در فقه می‌تواند کشف یک حکم و در مباحث حقوقی می‌تواند کشف یک قانون باشد.
  - ۲- تصحیح یک حکم یا قانون:
    - یک حکم یا قانون وجود دارد که نقدها و ایراداتی به آن وارد است و نمی‌تواند به طور کامل منطبق بر مصادیق شود و مصادیقی از ذیل آن قانون یا حکم بیرون می‌مانند.
    - اینجاست که نتیجه تحقیق می‌تواند تصحیح یک حکم یا قانون باشد.
  - ۳- مقایسه:
    - اگر در یک موضوع دو دیدگاه یا مکتب وجود داشته باشد، می‌تواند نتیجه بررسی آنها مقایسه بین آنها باشد. یا فتاوی‌ای اهل سنت با فتاوی‌ای شیعه را در زمان حاضر ذیل یک موضوع مقایسه کرد.
    - مقایسه هم در حد بیان تفاوت‌ها و شباهت‌ها.
  - ۴- تقدّم یا تاخر دو یا چند مسأله در یک موضوع:
    - ارائه‌ی یک ترتّب زمانی در باب استنباطات یک موضوع یعنی یک نوع گزارش تاریخی از سیر یک موضوع فقهی می‌تواند نتیجه بررسی و بیان روابط بین داده‌ها باشد. مثلاً تقدّم و تاخر و شکل‌گیری کتب فقهی مثلاً از کتاب خمس از این مسأله شروع شد و... .
    - این تقدّم و تاخر هم می‌تواند زمانی باشد و هم از جهت علت و معلولی. مثلاً فلان مسأله‌ی فقهی سبب شد تا این چند مسأله‌ی دیگر هم شکل بگیرد. خیلی از مباحث که بین علما اختلافی است به خاطر این عدم شفافیت در تقدّم و تاخر مسأله می‌باشد و با روشن شدن آن چه بسا بسیاری اختلاف فتاوا حل شود.
  - ۵- نقد و تحلیل احکام و اندیشه‌ها و فتاوا و روایات:

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

- بین احکام و اندیشه‌ها نقد و تحلیل‌هایی صورت بگیرد.

### **نکته**

در نتیجه گیری باید وقتی یکی از نتایج بالا حاصل شد، آن را با نتیجه‌ی مورد انتظار که در ابتدای کار و بخش فرضیه‌ها بوده مقایسه شود. و معلوم شود نتایج مورد انتظار پذیرفته شدند یا رد شدند. و در نتیجه گیری بیان شود که به چه الگویی دست یافته شد.

## جلسه هشتم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۸)

#### توضیح سه اصطلاح: اجتهاد، اجتهاد فقهی، روش تحقیق فقهی

#### اجتهاد

- اجتهاد (به معنای عام) مقصود از آن الگوی فهم دین است. اجتهاد از ماده‌ی جهد به معنای تلاش و کوشش است. لذا اجتهاد مصطلح به عنوان الگوی فهم دین یعنی: تلاش های فکری در راستای به دست آوردن آموزه‌های دینی (اخلاق و اعتقادات و احکام) از راه‌های معتبر.
- اجتهاد به معنای الگوی فهم دین یکی از شاخه‌های اجتهاد فقهی است. اجتهاد امروزه در علوم مختلف از جمله عرفان، علم کلام، علم تفسیر، علم اخلاق و علم معارف اسلامی کاربرد دارد و در همه اینها گفته می‌شود روش اجتهادی است. بنابر این اجتهاد به عنوان روش استنباط آموزه‌های دینی به طور کلی تلقی می‌شود که برخی بزرگان امروزه از آن با عنوان اجتهاد اکبر نام می‌برند در مقابل اجتهاد اصغر که همان روش استنباط احکام شرعی است.
- در نتیجه اجتهاد به معنای عام و کلی است و در چارچوب استنباط احکام فقهی و یا استنباط احکام شرعی محدود نمی‌شود.
- اجتهاد در تاریخ فقه و معارف اسلامی به دو معناست:
  - یک معنای قدیمی که در طبقات عالمان اولیه‌ی شیعه دارای بار معنایی منفی است، چون آن زمان معنای اجتهاد در تلقی اهل سنت به فضای دینی رسوخ کرده بود. منظور از آن نوعی استنباط غیر روشمند و ناسازگار با موازین معتبر بوده که شاهد مثال اصلی آن قیاس معروف اهل تسنن هست.
  - اما اجتهاد در دوران متاخر و در طبقات بالای عالمان شیعه معنایی مثبت پیدا می‌کند و آن معنای منفی قدیمی را از دست می‌دهد و در معنایی که در مقابل آن معنای منفی بوده به کار می‌رود. اینجا منظور از آن استنباط روشمند و سازگار با موازین معتبر تلقی می‌شود. (در آینده انشاءالله در رابطه با روشمندی و سازگاری با موازین معتبر توضیحاتی داده خواهد شد)

این معنای جدید اجتهاد همان چیزی است که امروزه تحت عنوان استنباط - معنای عام آن یعنی استنباط آموزه‌های دینی نه استنباط فقط احکام شرعی - به کار می‌رود.  
+ اما در مباحث ما اجتهاد به معنای عام آن (الگوی استنباط آموزه‌های دینی) نیست، بلکه به معنای خاص آن یعنی اجتهاد فقهی یا استنباط احکام شرعی به کار می‌رود.  
لذا اجتهاد بدون قید (مطلق) در این مباحث به معنای روش اجتهاد فقهی یا روش تحقیق فقهی یا روش تحقیق علم فقه یا روش استنباط احکام هست.

چند نکته:

۱- فرق هست بین روش علم فقه (مربوط به مجتهدین برای تعیین تکلیف مقلدین) با روش تحقیق فقهی که بحث کلاسیک و مدرسه‌ای است که برای طلابی کاربرد داد که درصدد تدوین مقاله و پایان نامه و مکتوبات دیگر هستند. منظور از روش تحقیق فقهی اینجا افتاء و استنباط حکم شرعی نیست، بلکه بیشتر تمرینی روشمند برای طلاب بر اساس اصول منطق و روش فهم است تا مسأله‌ای حل شود یا مجهولی معلوم گردد.

روش تحقیق فقه مسأله محور و پرسش محور است برای کسانی که هنوز به درجه ای از اجتهاد برای افتاء احکام شرعی نرسیده اند.

۲- روش استنباط احکام و یا روش تحقیق فقهی آموزه‌هایی وحیانی نیستند پیامبر یا ا معصومان (علیهم السلام) آن را ایجاد کرده‌اند.

روش تحقیق فقهی یا همان روش استنباط احکام شرعی یک تولید انسانی است که فقها و فضلا به مرور زمان در طول تاریخ علم فقه آن را ساخته و پرداخته کرده‌اند که مبتنی بر اصول و روش نقلی و عقلی است و تلاش‌هایی است که فقها با آزمون و خطا برای تحصیل احکام شرعی آن را به وجود آورده‌اند.

۳- روش استنباط احکام شرعی از یک فرایند کلی بحث می‌کند که ذیل آن مراحل و مقامهایی و تکنیک‌هایی و رویه‌های مختلفی قرار دارند. فرایند کلی همه‌ی روش‌های استنباط احکام شبیه هم هست، اما در تکنیک‌های جمع‌آوری و تکنیک‌های تحلیل می‌توانند متفاوت باشند و به دلیل همین تفاوت است که گروهی اخباری می‌شوند و گروهی اصولی.

مثلا آیا عقل در فرایند استنباط می‌تواند دخالت داشته باشد یا نه؟ همچنین نقش اقوال فقها یا فهم شخصی در استنباط به چه میزان می‌توانند باشد. یا آیا فهم عرفی معادل و هم عرض آیات و روایات هست یا نه؟ یا این که عقل، اقوال، فهم شخصی و فهم عرفی در مرحله فقدان آیات و روایات به کار می‌آیند.

اما فرایند کلی استنباط که از طرح مجهول و پرسش تا تحلیل و نتیجه‌گیری را شامل می‌شود، یکی است و تفاوت دیدگاه‌ها در کم و کیف مراحل و تکنیکها و زیرمجموعه آنهاست.



۴- علوم کاربردی و مفید در موضوع روش تحقیق فقهی (روش استنباط / روش تحقیق اجتهادی):  
یادگیری چند علم برای محقق فقه لازم است:

- دانش قواعد فقهیه: جایگاه بسیار رفیعی در فرایند استنباط احکام شرعی دارد.
- در واقع قواعد عام فقهی را که در ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات به کار رفته را تبیین و ارائه می‌کند.
- کتاب هایی هم مستقلا در این زمینه نوشته شده است.
- دانش قواعد ادبیات عربی: آخوند این علم و اصول را از علوم آلی فقه می‌داند. اما کدام علوم ادبی در استنباط دخالت دارند؟
- صرف و نحو و لغت در آن اختلافی نیست. اما معانی و بیان اختلافی است، برخی آنها را مکمل روش اجتهادی می‌دانند، در جایی که کارکرد داشته باشد مثلا به عنوان ترجیح در انتخاب روایت (مثلا در تساوی روایات متعارض ترجیح با روایتی است که فصیح است).
- دانش اصول استنباط (اصول فقه)
- دانش منطق
- دانش رجال
- دانش تفسیر
- دانش فقه الحدیث

## جلسه ی نهم

### فرایند حل مسأله ی فقهی (۹)

#### معنای روش و اجتهاد

- روش اجتهادی چه نوع روشی است؟ کمی است یا کیفی؟ بنیادی و توسعه‌ای است یا کاربردی؟ میدانی است یا پیمایشی؟ ابتدا باید پاسخ داد که روش چیست.

#### تعریف روش

- روش به طور مطلق به چگونگی انجام یک کار گویند، یا روش عبارت است از قواعد بررسی سیستماتیک (نظام مند و قاعده مند) کار یا چیزی. در این تعریف روش به معنای الگوریتم است.  
۱- روش راه رسیدن به حقیقت است، راه کشف مجهول است. راه کشف مجهول هم از طریق معلومات است.  
روش در مباحث روش شناسی معادل فکر در منطق سنتی و حوزوی است.  
فکر در منطق دو حرکت تعریف می‌شد: حرکت از مبادی به مرادی و از مرادی به مبادی.  
چند نکته در این تعریف هست:
  - یکی اینکه فکر نوعی حرکت و فعالیت و فعل و مهارت است. (همان طور که پیش از این بیان شد که روش علم نیست بلکه مهارت است).
  - فکر و روش فرایند حل مجهول است که از آن در تعریف به مراد تعبیر شده است، از معلومات به مجهول و از مجهول به معلوم.
  - مجهولات از معلومات کشف می‌شود، اگر معلومات در ذهن هست که فقط باید آنها را ترتیب و نظام داد تا از آن راه به معلوم برسیم و اگر معلومات در ذهن نیست باید در مرحله اول آنها را به دست آورد که به آن جمع آوری اطلاعات و داده گفته می‌شود.
- ۲- گاهی روش توالی و ترتیب بین اندیشه‌ها را ایجاد می‌کند تا به کشف حقیقت و یا اطلاع از آن برسد. این هنگامی است که حقیقت وجود دارد و آگاهی نسبت به آن وجود ندارد.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

بحث توالی اندیشه‌ها در مطالعات تاریخی بسیار کاربردی است. (مطالعه‌ی مقالات آقای لاجووی و وایت‌هد در این زمینه مناسب است)

- ۳- گاهی روش راه اثبات حقیقت به دیگران است.

### روش علمی

- روش اساس هر علمی است. هر علمی سه جز اساسی دارد:

۱. محتوای علم (گزاره‌ها و قضیه‌ها)

۲. نظریه‌های هر علم

۳. روش علم

از بین سه مورد بالا روش پایه‌ای‌تر و اساسی‌تر برای تولید علمی است.

علم محصول فرایند خرد ورزی و عقلانیت انسان در چارچوب روش هست.

و همه علوم از سنتی مثل فقه تا علوم نوین و معاصر مثل علوم تجربی و علوم انسانی همه مبتنی بر روش هستند. هیچ علم نظام‌مندی را نمی‌توان در جغرافیای معرفت بشری یافت که فاقد روش باشد.

- روش اساس هر علمی است و هر علمی در بحث روش از اصولی پیروی می‌کند.

اصول روشی در هر علم دو نوع است:

- اصول کلی: همه علوم در آن مشترک هستند.

- اصول و الزامات و اختصاصات هر علم: مثلا در علوم تجربی روش آن تجربی است.

- روش به طور کلی به سه چیز اطلاق می‌شود:

۱. مجموعه قواعد و شیوه‌ها و راه‌هایی که انسان برای کشف مجهول و یا حل مسأله به کار می‌گیرد.

۲. قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیت به کار گرفته می‌شود.

۳. مجموعه فنون و تکنیک‌ها و ابزارهایی که برای کشف مجهول از معلومات استفاده می‌شود.

مثلا اگر روش تحقیق هفت مرحله باشد، ذیل هر مرحله ای ابزار و فنون و تکنیک و رویه‌ای

وجود دارد. مثلا مجموعه تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها یا مجموعه تکنیک‌های تحلیل داده‌ها.

گاهی به خود همین تکنیک و ابزارهای جمع‌آوری و تحلیل، روش اطلاق می‌شود. یعنی گاهی

در کتب روش تحقیق جدید به این تکنیک‌ها روش گفته می‌شود.

- اجتهاد را تعریف کرده‌اند: به کارگیری توانایی انسان برای رسیدن به هدف یا دستیابی به مطلوب. (مثلا رسیدن و دست یابی به فهم)
- بر اساس تعریف بالا هر تلاشی برای رسیدن به فهم دین طبق تعریف اجتهاد است.
- در تعریف بالا اجتهاد به معنای عام تعریف شده نه اجتهاد به معنای استنباط احکام شرعی. پس اجتهاد دو معنا دارد:

معنای عام: تعریف بالا (تلاش معرفتی برای دست یابی به فهم دین)

معنای خاص: استنباط فقهی یا استنباط احکام شرعی

روش اجتهاد به طور مطلق معنای عام آن است مگر قرینه‌ای وجود داشته باشد. مثلا در کتب علم اصول اجتهاد قرینه دارد که در معنای خاص به کار رفته است.

- برخی اندیشمندان شیعه به خصوص در معاصرین روش اجتهادی را از استنباطات فقهی به فهم آموزه‌های دین تعمیم و سرایت داده‌اند و صراحتاً گفته‌اند اجتهاد فراتر از بحث استنباط فقهی است. از جمله آیت الله جوادی آملی چندین جا به این مطلب پرداخته‌اند از جمله:

○ کتاب تسنیم جلد ۱۷ ص ۱۱۵ به بعد (همچنین کتاب منزلت عقل در هندسه دینی و کتاب فلسفه حقوق بشر): برای رسیدن به نظر اسلام در هر مسأله‌ای باید با روش اجتهادی اول نظر قرآن را به دست آورد (بررسی آیات و ارجاع متشابه به محکم و منسوخ به ناسخ و مطلق به مقید و عام به خاص و ظاهر به اظهر و ظاهر به نص) و لازمه آن آشنایی با قرآن است. همچنین بعد از بررسی آیات باید با ابزارهای بررسی (مثل رجال و اصول و درایه) سراغ بررسی روایات رفت و در صورت مشکل تعارض روایات آن‌ها را با روش حل اختلاف الحدیث حل کرد. بعد از رجوع به روایت باید ماحصل محتوای آیات و روایات را جمع کرد. در نهایت باید نظر اسلام در آن موضوع را اعلام کرد.

اگر همه این مراحل مجتهدانه پیموده شود در صورت بیان اشتباه نظر اسلام، شخص نزد خداوند معذور و ماجور است.

این چهار مرحله مشی یک مجتهد است و روش اجتهادی در هر رشته علوم دینی است.

## جلسه دهم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۱۰)

- روش اجتهادی: تلاش و کوشش فهم آموزه‌های دین در قالب یک نظام تعریف شده است.
- برای یک تحقیق و حل یک مسأله یا معلوم کردن یک مجهول سه فعالیت و کار باید انجام گیرد:
  - فعالیت اول: طراحی تحقیق است.
- محقق‌ی یک مجهول، مسأله و پرسشی دارد و می‌خواهد آن پرسش را پاسخ دهد، یا مسأله را حل کند و یا مجهولش را معلوم کند.
- قبل از تحقیق باید فرایند حل مسأله و پاسخ دادن به پرسش خود را به صورت یک طرح طراحی کند که همان طرح‌نامه نویسی (پروپوزال) است که در واقع طراحی فرایند انجام تحقیق است.
- در طراحی فرایند تحقیق علاوه بر صورت‌بندی پرسش تحقیق، محقق با یک سری مسائلی دیگری نیز روبه‌رو است که باید تکلیف آنها را نیز روش کند (یعنی پاسخ داده به همان سوالاتی که در طرح‌نامه‌ها آمده است). مثلاً:
  - اینکه اصلاً این پرسش یا مسأله چگونه به وجود آمده (زمینه‌ی تحقیق)
  - عنوان تحقیق به چه معناست (توضیح عنوان)
  - پرسش‌های اصلی و فرعی کدامند؟
  - بررسی پیشینه‌ی تحقیق
  - اهداف تحقیق، که این تحقیق به دنبال اکتشاف هست یا تبیین یا پیش‌بینی یا استنباط یا ...؟
  - اهمیت و ضرورت این تحقیق چیست؟
  - فرایند گزارش نویسی (از چه بخش‌ها و فصل‌هایی گزارش این تحقیق تشکیل خواهد شد)
  - تعیین زمان انجام تحقیق
  - بودجه مورد نیاز انجام این تحقیق

و یک سری مسائل دیگر که اینها امهات مباحث مطرح در طرحنامه تحقیق است، طرحنامه در واقع نقشه راه انجام تحقیق و فراهم کردن مقدمات تحقیق است و هنوز خود تحقیق شروع نشده است.

○ مرحله دوم: انجام خود تحقیق (عملیات حل مسأله یا کشف مجهول)

○ مرحله سوم: گزارش نویسی

○ در تحقیقات غیر تجربی، گاهی بین مرحله انجام تحقیق و گزارشی نویسی خلط می شود که مشکلاتی را برای محقق تازه کار ایجاد می کند.

• در علوم طبیعی مثل شیمی و فیزیک یا علوم فنی و علوم پایه این سه مرحله از یکدیگر مجزا و مشخص است.

اما در علوم انسانی یا علوم اسلامی این مراحل را نمی توان به راحتی تفکیک کرد و به شکلی در هم پیچیده شده است. یکی از آسیب های جدی تحقیقات در علوم انسانی و علوم اسلامی به خاطر همین عدم تفکیک این سه مرحله هست.

پایان نامه های حوزوی هم به دلیل همین عدم تفکیک در ذهن محقق و در فرایند انجام تحقیق دچار ضعف هستند.

لذا باید دقت کرد این سه مرحله به خوبی در فرایند انجام تحقیق از یکدیگر مجزا شوند.

• طراحی یک تحقیق اقلاً ۵۰ درصد کار را شامل می شود یعنی اگر کسی یک طراحی خوبی انجام دهد و طرحنامه ی خوبی تهیه کند حداقل نیمی از کار را انجام داده است. و این سبب قوی شدن و موفقیت در آن تحقیق است.

• معمولاً این سه فعالیت پژوهشی یعنی هر یک از طراحی تحقیق، انجام تحقیق و گزارش نویسی دوره و کارگاه آموزشی خاص خود را دارند.

و در مقاطع مختلف آموزشی آکادمیک یا حوزوی واحدهای درسی روش تحقیق وجود دارد.

می توان گفت که اگر کسی روش تحقیق را به خوبی یاد بگیرد راه تولید علمی را یاد گرفته است. یعنی ماهی گیری را یاد گرفته است و دستش از علم خالی نمی ماند.

از اشکالات دوره های آموزشی در حوزه و مراکز تخصصی این است که با دادن اطلاعات در سطوح پایین، سطح دانش پژوهان را پایین آورده اند. چون مراحل عالی آموزش تفکر محور و اندیشه محور است نه متن محور. و آموزش های سطوح عالی نباید کتاب محور و اطلاعات محور باشد و ذهن ها را مخزن اطلاعات روشی کرد بلکه باید راه تولید و کشف مجهول به طلاب را آموزش داد.

• روش تحقیق فقهی یا روش استنباط احکام شرعی چه نوع روشی است؟ از روش های کمی است یا کیفی؟

روش ها به طور عمده دو دسته هستند:

(هویت یک روش به مقام و مرحله تحلیل داده‌هاست و از مرحله تحلیل داده‌هاست که می‌توان نوع آن را فهمید و بیان کرد)

○ روش های کمی: روشهایی هستند که در مرحله تحلیل بتوان از آمار استنباطی برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده استفاده کرد.

معمولا تکنیک های آمار استنباطی در تحلیل داده‌های کمی سه تاست:

• تکنیک رگرسیون (Regression): ضریب همبستگی (عاملیت / سببیت)، یعنی بیان این

که چقدر بین دو پدیده همبستگی وجود دارد.

• تکنیک تحلیل مسیر: در این تکنیک ضریب تأثیر محاسبه می‌شود، یعنی این که چقدر

عامل اول در عامل دوم تأثیر دارد. تأثیر در تحول، تغییر، کنترل، رشد و توسعه.

• تکنیک معادلات ساختاری که به دنبال فهم تأثیر و تأثر عوامل بر روی یکدیگر است.

## جلسه یازدهم

### فرایند حل مسأله‌ی فقهی (۱۱)

#### مراحل تحقیق کمی، کیفی و اجتهادی

- روش اجتهادی چه نوع روشی است؟ روش کمی است یا کیفی؟  
روش‌ها به طور عمده دو دسته هستند:
  - روش‌های کمی: روشی که بتوان از آمار استنباطی برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده استفاده کرد.
    - معمولاً تکنیک‌های آمار استنباطی در تحلیل داده‌های کمی سه تاست:
      - تکنیک رگرسیون (Regression): ضریب همبستگی (عاملیت / سببیت) دنبال می‌شود که چقدر بین دو پدیده همبستگی وجود دارد.
      - تکنیک تحلیل مسیر: ضریب تأثیر که چقدر عامل اول در عامل دوم تأثیر دارد. تأثیر در تحول، تغییر، کنترل، رشد و توسعه.
      - تکنیک معادلات ساختاری که به دنبال فهم تأثیر و تأثر عوامل بر روی یکدیگر است.
    - روش کیفی دو معنا دارد:
      - معنای عام: یعنی هر روشی که کمی نباشد. پس در هر روشی که از تکنیک‌های آمار استنباطی استفاده نشود آن روش کیفی است. از هر تکنیک تحلیل دیگری که استفاده شود فرقی ندارد. از جمله تکنیک‌های: تحلیل گفتمان، تحلیل روایت، گرند تئوری (نظریه‌ی زمینه‌ای) و حتی روش‌های علوم اسلامی همچون روش اجتهادی، روش تفسیر و فهم متن (متن پژوهی) و تحلیل محتوا.
      - معنای خاص: روشی که در تحقیقی و در علوم خاصی به کار می‌رود و به جای تحلیل داده‌ها (در تحقیق کمی) از تفسیر داده‌ها در آن استفاده می‌شود.
  - نکته: اینکه در روش کمی محققان به دنبال تبیین هستند به این خاطر است که تحلیل کمی ذیل پارادایم (الگو واره) اثباتی یا پوزیتیویستی قرار دارد و به دنبال کشف رابطه علی بین وقایع هستند و لذا بیشتر به طرف تحلیل‌های کمی می‌روند.



اما تحقیق‌های کیفی به معنای خاص ذیل پارادایم‌های هرمنوتیک یا تفسیری قرار دارند و به دنبال فهم و تفسیر پدیده‌ها هستند به جای تحلیل رابطه‌ی علی بین آن‌ها، لذا در تحقیق کیفی بیشتر از تفسیر داده‌ها استفاده می‌شود. و این علوم که از این روش‌ها استفاده می‌کنند عبارتند از: مردم‌نگاری، جامعه‌شناسی تفسیری، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی، فلسفه‌ی تحلیلی یا الاهیات پویشی، روایت‌شناسی (تحلیل روایت)، گزند تئوری (نظریه‌ی زمینه‌ای)، نظریه‌های انتقادی (مثل نظریه انتقادی فمینیستی) و مطالعات تاریخی تطبیقی. این علوم که نام برده شد به دنبال فهم و تفسیر داده‌ها هستند و به همین خاطر از روش کیفی در تحقیقات خود به معنای خاص استفاده می‌کنند.

- لذا روش اجتهادی قطعا یک روش کمی نیست چون در مقام تحلیل داده‌های فقهی و آیات و روایات از تکنیک‌های آمار استنباطی استفاده نمی‌شود.
- همچنین روش اجتهادی یک روش کیفی به معنای خاص هم نیست. روش تفسیری که در روش اجتهادی به کار می‌رود با روش تفسیر علوم بالا متفاوت هست.
- نهایتا باید برای روش اجتهادی الگویی معرفی شود که قسیم الگوهای کمی و کیفی باشد. و آن خود روش اجتهادی است که برای خودش شیوه و تکنیک خاص خودش در تفسیر و فهم داده‌ها را دارد.
- در تفاوت روش کمی و کیفی کتاب‌های زیادی نوشته شده از جمله: کتاب روش تحقیق کمی و کیفی از دکتر ایمان از انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- از جمله تفاوت‌های بین روش کمی و کیفی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
  - اساسی‌ترین تفاوت بین تحقیق کمی و کیفی در مراحل تحقیق هست.

### مراحل تحقیق کمی

- مراحل تحقیق کمی هفت تاست:
  - (۱) طرح پرسش یا مسأله (صورت بندی مجهول به صورت یک پرسش) در تحقیقات کمی معمولا پرسش از سنجش است. مثلا وضعیت سنجی دوره‌های پودمانی فقه مقارن
  - (۲) بررسی پیشینه‌ی تحقیق (مطالعات اکتشافی)
  - (۳) چارچوب نظری تحقیق (انطباق یک نظریه بر جامعه آماری)
  - تحقیقات کمی نوعی نظریه آزمایی یا نظریه سنجی هستند.
  - (۴) مدل تحقیق: مجموعه‌ای از متغیرها و فرضیه‌ها

از ترکیب متغیرها فرضیه به دست می آید و ترکیب فرضیه‌ها مدل حاصل می‌شود. در واقع تحقیق کمی می‌خواهد این مدل را سنجش کند، مدلی که از درون چارچوب نظری استخراج شده است.

- ۵) جمع آوری داده‌ها و اطلاعات: ابزار داده‌ها در تحقیقات کمی پرسش‌نامه و مشاهده و مشارکت و مصاحبه است. در تحقیق کمی عمده تحقیقات مبتنی بر پرسش‌نامه است
- ۶) تحلیل داده: با رگرسیون (Regression) و تحلیل مسیر و معادلات ساختاری
- ۷) نتیجه‌گیری

### مراحل تحقیق کیفی

- مراحل تحقیق کیفی شش تاست:

- ۱) طرح پرسش یا مسأله
- ۲) بررسی پیشینه‌ی تحقیق (مطالعات اکتشافی)  
در تحقیقات کیفی معمولاً پرسش از وضعیت است. مثلاً وضعیت شناسی دوره‌های پودمانی فقه مقارن
- ۳) جمع آوری داده‌ها و اطلاعات: ابزار داده‌ها مشاهده و مشارکت و مصاحبه است. در تحقیق کیفی عمده تحقیقات اجتماعی مبتنی بر مصاحبه و مشارکت و مشاهده است و در تحقیقات متنی مبتنی بر تکنیک‌های جمع‌آوری متن و انواع و اقسام فیش‌ها هست.
- ۴) تفسیر و فهم داده‌ها (تحلیل داده هم می‌توان گفت)
- ۵) نظریه پردازی (تولید نظریه)
- ۶) نتیجه‌گیری

### مراحل تحقیق اجتهادی

- مراحل تحقیق اجتهادی:

- ۱) طرح پرسش یا مسأله
- ۲) بررسی پیشینه‌ی تحقیق (مطالعات اکتشافی)
- ۳) جمع آوری داده‌ها و اطلاعات
- ۴) تفسیر و فهم داده‌ها
- ۵) نظریه پردازی (تولید نظریه)
- ۶) نتیجه‌گیری

## جلسه دوازدهم

### استقرائی بودن روش تحقیق اجتهادی

#### چیستی نوع روش تحقیق اجتهادی

- بیان شد که روش تحقیق اجتهاد روشی کمی نیست و اگر منظور از روش کیفی به معنای عام باشد، روش تحقیق اجتهادی روشی کیفی خواهد بود، اما با توجه به معنای خاص روش کیفی، روش اجتهادی کیفی نیز نخواهد بود.
- تفاوت دیگر روش کمی با روش کیفی این است که روش تحقیق کمی قیاسی هستند، اما روش تحقیق کیفی عموماً استقرائی و بعضاً قیاسی هستند.

#### روش استقرائی و قیاسی

- قیاس در منطق یعنی حرکت از کل به جزء یا حرکت از عام به خاص. در فرایند تحقیقات کمی از کل به جزء و از عام به خاص حرکت انجام می‌گیرد. طبق مراحل تحقیق کمی، مرحله چارچوب نظری کلی است و مرحله جمع آوری داده‌ها جزئی است. در واقع در تحقیق کمی نوعی تطبیق کلی بر مصداق اتفاق می‌افتد و این نوعی قیاس است. مثلاً پژوهشی حول خودکشی، چارچوب نظری عبارت است از این که رابطه‌ای معکوس بین همبستگی دینی و میزان خودکشی وجود دارد، یعنی هر چه همبستگی دینی بیشتر باشد، میزان خودکشی کمتر و بالعکس. بعد مرحله تطبیق با جمع آوری داده‌ها توسط پرسش‌نامه از اهالی یک منطقه اتفاق می‌افتد. داده‌ها یا چارچوب نظری را تأیید می‌کنند یا نه. در هر صورت چون از کلی (چارچوب نظری) به مرحله جزئی (جمع آوری داده‌ها) رسیده‌ایم، تحقیق قیاسی تلقی می‌شود.
- اصطلاحاً به این نوع روش قیاسی می‌گویند چون تحقیق با یک کلیت و چارچوب نظری آغاز شده است.
- در مقابل روش قیاسی، روش استقرایی است که با چارچوب نظری و کلیت و مدل تحقیق شروع نمی‌شود، بلکه ابتدا با مصاحبه و مشارکت و مشاهده و پرسش‌نامه، جمع آوری داده صورت می‌گیرد و بعد از جمع آوری داده‌های به عنوان جزئیات تحقیق سعی می‌شود از آنها یک مدل

و چارچوب و الگوی کلی استخراج شود، یعنی حرکت از جزء به کل. در مرحله تحلیل در تحقیق کیفی در واقع داده‌های جمع‌آوری شده را طبقه‌بندی و مقوله‌بندی می‌کنند. (از سطح انضمام به سطح انتزاع رسانده می‌شود) که به نوعی یک امر کلی است. اصطلاحاً به چنین تحقیقاتی تحقیق استقرائی می‌گویند که حرکت در آن از جزء به کل است و عموماً تحقیقات کیفی استقرائی هستند.

گاهی (موارد اندکی) هم تحقیق کیفی به صورت قیاسی است، یعنی ابتدا یک مدل مفهومی وجود دارد و سپس بر اساس آن مدل مفهومی جمع‌آوری داده صورت می‌گیرد. بعد از این مرحله داده‌های جمع‌آوری شده تحلیل می‌شود که نتیجه آن یا یک مدل مفهومی جدید است یا اصلاح مدل مفهومی اولیه. لذا چون ابتدای تحقیق با یک مدل مفهومی به عنوان یک امر کلی شروع شده است، تحقیق قیاسی است. علت این کار هم این است که می‌گویند اگر محقق مدل مفهومی نداشته باشد، در جمع‌آوری داده سر در گم می‌شود و داده‌های پرتی جمع‌آوری می‌کنند.

○ باید دقت کرد که این اصطلاحات جابه‌جا به کار نرود، یعنی در تحقیقات کیفی چارچوب نظری وجود ندارد کما اینکه در تحقیقات کمی مدل مفهومی وجود ندارد.

• باید توجه داشت که روشهای تحقیقی هم وجود دارد که نه کاملاً قیاسی است و نه کاملاً استقرائی، بلکه ترکیبی و آمیخته‌ای از این مدل‌هاست. به آن روش تحقیق آمیخته یا ترکیبی می‌گویند. این که می‌گویند روش کمی و روش کیفی یا روش قیاسی و روش استقرائی بیشتر در مقام آموزش است و گرنه امروزه بیشتر تحقیقات آمیخته و ترکیبی (موجی و نوسانی) است، چون الان بحث میان رشته‌ای‌ها و مطالعات چند جانبه وجود دارد که با تحقیقات صرفاً کمی یا صرفاً کیفی نمی‌توان پرسشهای آنها پاسخ داد.

• اما بحث اصلی این است که روش تحقیق اجتهادی کدام نوع است؟ روش تحقیق اجتهادی قطعاً قیاسی نیست، چون نمی‌توان در مطالعات فقهی یک چارچوب نظری داشت، فقیه وقتی با مسأله‌ای مواجه می‌شود بعد از مقدمات تحقیق، مستقیم بدون چارچوب نظری‌ای وارد جمع‌آوری آیات و روایات مرتبط می‌شود و جمع‌آوری داده می‌کند. سپس آن داده‌ها را بر اساس منطق تحقیق اجتهادی تحلیل و بعد از آن نتیجه‌گیری می‌کند. پس روش تحقیق اجتهادی (فقهی) روش تحقیق کیفی از نوع استقرائی هست. یعنی فقیه و محقق آیات و روایات را جمع‌آوری کرده و با ابزار و تکنیک‌های خاص روش اجتهادی آنها را تحلیل می‌کند و بعد به یک گزاره‌ی تعمیمی می‌رسد.

- سوال: آیا می‌توان بر اساس تحلیل آیات و روایت و استنباط حکم شرعی به مدل هم رسید یا نه؟ این از مباحث جدی است که در بحث مدل پیامبری در قرآن بیان شده است، اما در تحقیقات فقهی ظاهراً نمی‌توان به مدل رسید. البته گزاره و نتیجه و استنباط فقیه یک گزاره‌ی تعمیمی (قابل تعمیم به همه افراد و مکلفین) است به این معنا که هر فرد و مکلفی که این موضوع برایش حاصل شود در حق او هم این استنباط جاری است اما این مدل نیست. (مدل بعداً توضیح داده می‌شود)

## جلسه ی سیزدهم

### تفاوت روش کمی و کیفی

### اکتشافی بودن روش اجتهادی

#### تفاوت روش های تحقیق کمی و کیفی

- ۱) تفاوت در مراحل: تفاوت در مراحل جلسه یازدهم بیان شد
- ۲) تفاوت در استراتژی: استراتژی تحقیقات کمی قیاسی است و استراتژی در تحقیقات کیفی معمولاً استقرائی است.

نتیجه دو مورد بالا هم این شد که روش اجتهادی ذیل روش کیفی قرار می گیرد و استراتژی آن هم استقرائی است. البته استثناءها همیشه وجود دارد.

#### ۳) تفاوت هدف تحقیق کمی و کیفی :

در هر تحقیق و پژوهشی دو نوع هدف وجود دارد که میان آنها خلط می شود:

۱. هدف تحقیق: بحث پارادایمیک است که در پارادایم های مختلف اهداف تحقیقات تعریف شده اند.
۲. هدف محقق (انگیزه ی محقق): هر هدف یا انگیزه ای که محقق داشته باشد می تواند ذیل یکی از اهداف پارادایمیک تحقیق قرار بگیرد.

تحقیقات کمی ذیل پارادایم (الگو واره) اثباتی قرار دارد که در پارادایم اثباتی اهدافی برای تحقیق تعریف شده است.

- در تحقیقات کمی هدف پارادایمیک سه چیز هست:

- ۱) تبیین: بررسی علل و عوامل و اسبابی که تاثیر می گذارند بر یک معلول و پدیده ی مورد تحقیق. تبیین موجه و مدلل کردن یک پدیده است و شناسایی شبکه علی احتمالی تاثیرگذار بر یک پدیده.
- مثلا الف معلول ب است یا بالعکس، این در واقع تبیین پدیده ی الف است.
- تبیین معمولاً در برابر پرسش های چرایی قرار می گیرد.

مثلا چرا آتش می‌سوزاند، چون ..... جملهٔ پس از چون، زیرا، به این دلیل که، و... همه جمله‌های تبیین‌گر هستند.

(۲) پیش‌بینی: هر پدیده‌ای علاوه بر علت، یک سری خروجی و پیامد هم دارد. به نشان دادن پیامدها و خروجی‌ها رویدادهای منتج از یک پدیده پیش‌بینی می‌گویند. یعنی نشان دادن شرایط و اوضاع بعد از پدیده که یکی از اهداف تحقیق کمی پیش‌بینی است.

(۳) کنترل: مثلا بعد از اینکه عوامل و پیامدهای یک پدیده مثل اعتیاد مشخص شد، بحث از چگونگی کنترل روند این پدیده یعنی اعتیاد مطرح می‌شود که چگونه می‌توان میزان اعتیاد را کنترل و کاهش داد.

- این سه هدف مذکور مانعاً الخلو هستند ولی مانعاً الجمع نیستند.

- اهداف و انگیزه محققین از انجام تحقیق می‌تواند بسیار متفاوت باشد. در طرح‌نامه‌های تحقیق بخشی برای نوشتن هر دو هدف تحقیق و محقق در نظر گرفته شده است.

انگیزه و هدف محقق معمولاً ذیل زمینه مسأله بیان می‌شود.

- در تحقیقات کیفی هدف پارادایمیک چند چیز هست:  
(۱) اکتشاف: فهم و تفسیر درست یک پدیده.  
مثلا منظور از اعتیاد به چه معناست.  
(بر خلاف تحقیق کمی اینجا به جای تبیین به دنبال فهم و درک اعتیاد هستیم.)  
(۲) توصیف: مستند سازی یک پدیده که مورد انتظار وقوع است.

- حالا هدف از تحقیقات فقهی چیست؟

- (۱) اجتهاد: خود اجتهاد ذیل اکتشاف می‌تواند هدفی از تحقیقات فقهی باشد.  
(تلاش و کوشش برای فهم آموزه‌های دینی یا استنباط حکم شرعی)
- (۲) توصیف: حکمی فقهی وجود دارد یا مورد انتظار است و باید مستند سازی شود.
- (۳) استنباط (شاخه‌ای از اکتشاف): استنباط یعنی سنجش احتمالاتی از آیات و روایاتی که در مرحله تحلیل به دست آمده است.

## جلسه چهاردهم

### استنباط هدف روش اجتهادی

#### معنای استنباط به عنوان هدف در تحقیقات فقهی

- منظور از هدف، اهداف پارادایمیک است و گرنه انگیزه‌های محقق در تحقیقات کمی و کیفی می‌تواند یک شکل باشد، اما اهداف پارادایمی متفاوت خواهند بود. در ادامه جلسه‌ی گذشته در این جلسه استنباط که یکی از اهداف تحقیقات فقهی بود بیشتر توضیح داده خواهد شد.

#### مقصود از استنباط

منظور از استنباط سنجش احتمالاتی از آیات و روایاتی است که در مرحله تحلیل داده‌های به دست آمده بر اساس شواهد و قرائن متقن و دقیق محتمل است. در این مرحله سنجش باید بتوان یک معنا و احتمال را تعیین کرد و ترجیح داد.

سپس بر اساس قواعد منطق باید بتوان این احتمال و معنا را صغرای یک قیاس قرار داد و برای آن یک کبرا ترتیب داد تا به یک استدلال رسید و فهم و کشف یک حکم در واقع به دست آید. به تعبیر دیگر:

یک مرحله در استنباط تجمیع گزاره‌های کتاب و سنت در مورد یک موضوع است. بعد احتمالات معنایی که این آیات و روایات دارند، باید استخراج بشود. بعد یکی از این احتمالات و معناها که ذیل یکی از قواعد فقهی و اصولی قرار گیرد، باید مشخص شود. بعد حکم به عنوان یک نتیجه به دست بیاید.

- پیش فرض در استنباط این است که گزاره‌های پراکنده و جزئی که در آیات و روایات در مورد یک موضوع وجود دارد، در واقع یک ارتباطی با هم دارند که باید با استنباط معنای آن حکم شرعی استخراج شود.

در مباحث جدید تفسیری از این ارتباط به عنوان خانواده‌ی گزاره‌ها تعبیر می‌شود. و وظیفه فقیه این است که ارتباط معنایی این گزاره‌ها را بیان کند و البته که این کار سختی است و کمتر انجام



می‌گیرد. اما امروزه با توسعه نرم افزارها و استفاده از کامپیوتر راحت می‌توان این گزاره‌ها را به دست آورد و این خانواده‌ی گزاره‌ای را در تحقیقات فقهی نشان داد.

بعد از اینکه این گزاره‌ها به صورت یک خانواده و شبکه به دست آمد، فقیه باید از یک نگاه بالاتر و مسلط (اصطلاحاً مقام استنباط) به آن مجموعه و شبکه آیات و روایات بنگرد و معنای آن گزاره‌های تجمیعی و شبکه‌ای را از بین احتمالات مشخص کند.

در واقع استنباط فقیه در اینجا یک گزاره تعمیمی است که می‌تواند در مورد همه مکلفین کاربرد داشته باشد. (این به دست آوردن قضیه‌ی تعمیمی از انگیزه‌های فقیه و محقق هست)

بعضی مواقع در یک مسأله مستحدثه فقیه فقط پاسخی که اختصاص به همان فرد سائل و مکلف هست را به دست می‌آورد، در این صورت هدف و انگیزه‌ی فقیه استنباط گزاره‌ی تعمیمی نبوده است.

پس می‌تواند هدف و انگیزه‌ی محقق از استنباط یافتن یک گزاره‌ی تعمیمی باشد یا یک گزاره‌ی تفریدی. و انگیزه‌های استنباط متفاوت می‌شود و هر دو هم در فقه هست.

- اگر این بحث استنباط با بحث فرایند تحقیق فقهی (که بیان شده بود استقرایی است) با هم ترکیب بشود می‌توان گفت: هدف تحقیقات فقهی استنباط استقرایی است.  
باید بررسی کرد که در فقه استنباط قیاسی و یا استنباط ترکیبی و آمیخته هم وجود دارد یا نه.

## جلسه ی پانزدهم

### تحقیق بنیادی ، توسعه ای و کاربردی

#### بنیادی و کاربردی بودن تحقیقات اجتهادی

تحقیقات از حیث استراتژی تحقیق به کمی و کیفی تقسیم شدند،

و به لحاظ کاربرد و نوع در یک تقسیم بندی دیگر روش های تحقیق به سه روش ذیل تقسیم می گردند:

۱) بنیادی (محض یا نظری): پژوهش بنیادی پژوهشی نظام مند در راستای توسعه ای مرزهای علم

و دانش است و به دلیل فهم بیشتر و بهتر پدیده ها انجام می شود.

بدون اینکه محقق در آن به دنبال کاربرد باشد یا به دنبال توسعه ای علم باشد.

اساس تحقیقات بنیادی بیشتر برای خود علم است، به اصطلاح علم برای علم است.

محقق در آن به دنبال راهگشایی برای موضوعات و مطالعات و تحقیقات دیگر است، یعنی در

آن بیشتر دنبال موضوع سازی هستند چون هدف و منظور محقق در آن بیشتر نظریه پردازی

و شناخت و ارائه ی جدید از مبانی فلسفی علم هست یا به دنبال شناخت خاستگاه و منشاء

یک پدیده هست یا یک واقعیتی که قابل مشاهده است.

و همه ی موارد بالا را فقط برای خود علم انجام می دهند.

۲) توسعه ای: در تحقیقات توسعه ای برخلاف تحقیقات بنیادی، خیلی نوآوری علمی و توسعه

مرزهای علم وجود ندارد، بلکه در آن نوآوری در فرایندها است و توسعه در ابزارها و

تکنیکها است.

در واقع در تحقیقات توسعه ای محقق به دنبال یافتن مصادیق بیشتر و گسترده تر هست یعنی

علم تغییری نمی کند اما مصادیق یک نظریه یا الگو یا مدل بیشتر یا کمتر خواهد شد.

در این تحقیقات محقق بیشتر در صدد سنجش یک نظریه هست، یا تطبیق یک نظریه و مدل

بر مصادیق جدید.

بیشتر شناختی هستند و تولید علم نمی کنند، بلکه برای یک مدل و الگو تعیین مصداق

می کنند.

۳) کاربردی: این تحقیقات برای رفع یک نیاز و حل یک مشکل به کار می‌روند. تحقیقات کاربردی معمولاً دنبال یافتن راه حل و راهکار یا برنامه یا راهبرد برای اجرای یک ایده یا نظریه هستند. مثلاً برنامه یا راهبردهای حل مشکل تورم. وقتی در این تحقیقات بحث از مشکل می‌کنند لزوماً به معنای یک عیب یا آسیب نیست. می‌تواند یک مسأله باشد که در مجموعه علوم موجود نیاز به راهبرد و راهکار دارد. اغلب تحقیقات در مقام آموزش تحقیقات کاربردی هستند. این تحقیقات هدفی ملموس و کاربردی و روشن و معین ندارند و معمولاً به دنبال ساختن ابزاری کارآمد و یا فن و عملیات مشخص و تعریف شده هست. تحقیقات کاربردی در جواب این پرسش که چه کار باید کرد انجام می‌گیرند. مثلاً در مورد کنترل تورم چه باید کرد.

### چند نکته

- پشتوانه‌ی نظری تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی، تحقیقات بنیادی هست و تا نتایج تحقیقات بنیادی وجود نداشته باشد نمی‌توان دست به تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی زد.
- تحقیقات بنیادی معمولاً در مقابل پرسش چيستی انجام می‌گیرد و فلسفه یک امر را بیان می‌کند.
- در تحقیقات توسعه‌ای پاسخ پرسش‌های تبیینی به دست می‌آید. پرسش‌هایی که از علت و چرایی و چگونگی سوال می‌کنند.
- حوزه‌های علمیه از قدیم جایگاه تحقیقات بنیادی بوده است، مباحث کلامی و مباحث فلسفی و تا حدودی تفسیر. تحقیقات بنیادی بنیاد یک تمدن را می‌ریزند و اگر در جامعه‌ای به دنبال شکل دادن مولفه‌های تمدن هستیم حتماً در آن جامعه باید بخشی از آن تحقیقات تولیدهای علمی و علوم بنیادی باشد.
- علمی که در راستای استنباط احکام شرعی به کار گرفته می‌شوند مثل فقه و رجال و درایه و علم الحدیث، معمولاً علوم کاربردی هستند و تحقیقات شان تحقیق کاربردی است.
- شاید بتوان تقسیم بندی علوم در منطق به آلی و اصالی را با کاربردی و بنیادی همسان سازی کرد.

- مجهولات انسان که می‌توان به صورت یک پرسش در آورد و اگر پاسخ آن نیاز به تحقیق داشته و در معلومات بشری موجود نباشد سه نوع پرسش است که سطح تحقیقات را روشن می‌کنند:  
(۱) پرسش چيستی: پاسخ به این دست از پرسشها در سطح تحقیق بنیادی است. این پرسشها به دنبال توسعه مرزهای دانش هستند.

۲) پرسش چرایی و چگونگی: چرایی به دنبال تبیین و چگونگی به دنبال بیان سازوکار یا مکانیزم است.

چگونگی را اصطلاحاً چرای مضاعف می‌گویند که سوال چرا از چرای قبلی است. بیشتر تحقیقات امروزه در علوم جدید توسعه‌ای هستند و یا در پاسخ به پرسش‌های چرایی و چگونگی انجام می‌گیرند.

تحقیقات کاربردی بیشتر در مباحث مدیریت و شاخه‌ی مدیریت استراتژی مطرح می‌شود و این دست از تحقیقات به دنبال ارائه‌ی راهبرد و راهکار و برنامه در سطح جامعه و یا یک سازمان هستند که معمولاً در جامعه ما این نوع تحقیقات ضعیف است.

۳) پرسش چه باید کرد:

در حوزه‌های علمیه بخش زیادی از تحقیقات بنیادی هستند و در فقه بیشتر تحقیقات کاربردی انجام می‌گیرد در برابر چه باید کرد.

- اینکه چگونه می‌توان در فقه تحقیقات توسعه‌ای انجام داد، نیازمند فکر و کار بیشتری است تا بتوان مدل‌سازی و نظریه پردازی کرد و به الگو رسید. و اگر به الگو رسید می‌توان برای تعیین مصداق آن تحقیقات توسعه‌ای انجام داد. (این فکر خام است و نیازمند پژوهش هست)

## جلسه شانزدهم

### صورت بندی مجهول (پرسش تحقیق)

#### • روش اجتهادی

- معنای عام: استنباط آموزه های دینی در همه حوزه ها
- معنای خاص (اجتهاد): استنباط احکام شرعی

#### • روش تحقیق فقهی:

جنبه ای از روش اجتهادی است و اهدافش و انواعش متفاوت است. هدف آن استنباط حکم نیست بلکه می خواهد یک مجهول فقهی را معلوم کند. در استنباط احکام شرعی هدف حکم شناسی است (البته موضوع شناسی هم دارد) ولی در روش تحقیق فقهی هدف مهم شناخت موضوع و مسأله است. و می خواهد به صورت پژوهشی مجهولی را معلوم کند.

#### پرسش تحقیق

- یک مرحله‌ی مشترک در همه تحقیقات کمی و کیفی، مرحله‌ی پرسش تحقیق است که اساس و فوندانسیون تحقیق است و تحقیق بر روی آن بنا می شود و هرچه این پرسش دقیق تر و روشن تر باشد قطعاً تحقیق نتیجه بهتری می دهد.
- پیشتر بیان شد که مسأله با پرسش متفاوت است. مسأله یک مجهول است که به صورت پرسش بیان می شود اما پرسشی که پاسخش در اطلاعات بشری موجود نیست. پرسش تحقیق هم آن سوالی است که محقق می خواهد با تحقیق به جواب آن برسد، اما به شرطی که پرسش تحقیق یک مسأله باشد. به این دلیل است که اجتهاد فقهی با روش تحقیق فقهی متفاوت است، چون یک فقیه خیلی از مسائلی که بررسی می کند، پاسخش موجود است؛ ولی در روش تحقیق باید مسأله باشد یعنی پاسخی برایش فعلاً موجود نباشد، به تعبیری مجهول فردی نباشد (ناشی از علم اجمالی نباشد)، بلکه مجهول علم بشری باشد (یعنی ناشی از علم تفصیلی باشد)

• مهم ترین رکن یک تحقیق، صورت بندی یک مجهول و مسأله‌ای در قالب یک پرسش خوب و مناسب است.

تبدیل یک مجهول ذهنی به صورت یک پرسش کار پیچیده‌ای است.

گاهی یک مسأله و مجهول در ذهن محقق هست، اما محدودیت زبانی اجازه نمی‌دهد که آن را به خوبی در قالب یک صورت پرسشی بیان کند.

لذا با اولین صورت بندی لفظی نمی‌توان بهترین پرسش را به دست آورد، بلکه باید با تفکر و دقت در زوایا و مطالعه و مباحثه تلاش کرد تا آن را به صورت یک سوال و پرسش خوب طراحی کرد.

به همین خاطر خیلی مواقع پیش می‌آید که پرسش تحقیق با آن مجهول و مسأله ذهنی محقق هم خوانی نداشته باشد.

و محقق باید پرسش تحقیقش را هرچه بیشتر به مسأله اش نزدیک کند.

## جلسه می، مقدمه

### ویژگی های یک پرسش تحقیق خوب (۱)

- شخص دانش پژوه باید ذهنش مملو از مجهولات و سوالات باشد. خیلی مواقع مجهولاتی در ذهن هست اما توجهی به آن نبوده اما اگر واقعا دانش پژوهی مجهول نداشته باشد در کار علمی خود کم کاری کرده است.
- اولین ویژگی:  
این است که سوال یا مسأله باید با تمام وجود محقق درک شده باشد. مجهولاتی که از دیگری مثلا استاد به شخص محقق منتقل می شود، نتیجه اینچنین تحقیقاتی نتیجه بخش و مطلوب نیستند. پرسش های القائی از دیگران موجب سردرگمی در مراحل تحقیق می شود، چون هدف و جهت گیری تحقیق برای محقق مبهم است.
- ویژگی دوم: مرکب نبودن یا بسیط بودن پرسش مسأله  
در هر پژوهشی و تحقیقی باید یک مسأله و مجهول طرح شود، نه اینکه ترکیب چندین مجهول در یک سوال باشد. چون معمولا هر مجهولی نیازمند روش مخصوص به خود است. مثلا یک مجهول مربوط به حوزه فقه است و دیگری مربوط به حوزه اخلاق یا کلام یا فلسفه، که این ها روش های متفاوتی را می طلبد.
- ویژگی سوم: خرد بودن پرسش  
پرسش ها در هر علمی سه دسته هستند:
  - پرسش های کلان یا عام
  - پرسش های متوسط
  - پرسش های در سطح خردمسائل و مجهولات کلان قطعا باید از مسیر معلوم شدن مجهولات و پرسش های در سطح خرد اتفاق بیافتند.

مجهول کلان را نمی‌توان مستقیماً حل کرد، بلکه باید آن را تبدیل به اجزای خردی کرد و به آن خرده‌ها پاسخ داد و سپس رسید به سطح کلان. البته این سطوح کلان و خرد در مباحث فقهی کمتر وجود دارد. اما در فلسفه و کلام زیاد موجود است. مسائل کلان و عام در تحقیق حل نمی‌شوند.

- ویژگی چهارم: قابلیت بررسی داشتن پرسش مسأله بعضی مسائل تحقیق، قابلیت بررسی و امکان اجرا ندارد. مثلاً نحوه روزه گرفتن در کره‌ی ماه یک مسأله‌ی تکلیفی است که قابلیت بررسی ندارد.

- ویژگی پنجم: باید نو و جدید باشد جدید باشد تا به یک تولید علمی جدید برسد. مگر اینکه مسأله جدید نیست ولی متغیرهای آن تغییر کرده است و نتیجه‌اش تولید علم جدید است. مثلاً بحث حکم شطرنج که دیگر آلت قمار نیست.

- ویژگی ششم: مجهول در دامنه رشته‌ی علمی محقق باشد محقق باید هویت علمی‌اش مشخص باشد. قدیم اینگونه نبود ولی امروزه تخصص‌ها مشخص و جدا شده‌اند و دارای زیرشاخه‌ها هستند و اینجا بحث تجزّی فقه هم مطرح می‌شود. چون روش تحقیق فقهی هم حتی در برخی موارد مثل معاملات و عبادات فرق می‌کند چون اختصاصات روشی دارند.

## جلسه‌ی هجدهم

### ویژگی‌های یک پرسش تحقیق خوب (۲)



- ویژگی هفتم: شفاف بودن پرسش تحقیق باید از نظر موضوع، مفاهیمی که در آن به کار گرفته می‌شود، بعد یا مولفه‌ی مجهول (از چه بعدی به مجهول نگریسته می‌شود و اگر تحقیق کمی باشد متغیرهای تحقیق و چارچوب نظری بر مبنای فرضیه سازی) شفاف باشد. مثلا الفاظی مثل بانک یا ربا باید دقیقا و شفاف معلوم باشند و در آن‌ها هیچ نوع ابهامی وجود نداشته باشد.

- ویژگی هشتم: پرسش باید صورت‌بندی دقیق همان مجهول ذهنی محقق باشد. به تعبیر دیگر پرسش باید به طور دقیق آنچه محقق در طلب دانستن آن است را طلب کند. این عمل تبدیل مجهول ذهنی به یک صورت پرسشی یا همان استفهام کار بسیار سختی است و نیازمند دقت و ظرافت و تمرین زیادی از جانب محقق است تا به وسیله این پرسش مجهول ذهنی وی آشکار گردد و بهتر فهمیده شود.

- ویژگی نهم: روشن و صریح و کوتاه بودن پرسش تحقیق از یک سو باید روشن و دقیق طرح بشود یعنی نباید چند پهلو و چند معنا و مبهم باشد. به همین خاطر باید از تمام کارهایی که سبب ابهام و ابهام می‌شود باید پرهیز کرد، مثلا آوردن ضمیر یا اسم اشاره در پرسش و یا مشترک لفظی و معنوی، کنایه و تشبیه در پرسش سبب ابهام در آن می‌شود و باید از آن پرهیز کرد. از سوی دیگر باید صریح و کوتاه هم باشد. یک راهکار این است که پس از طراحی پرسش باید تک تک کلمات آن پرسش برداشته شود تا فهمیده شود کدام کلمه وجود و عدمش در این پرسش علی السویه (بود و نبودش یکی باشد) است و قطعا باید حذف شود. از مواردی که به کوتاه بودن پرسش تحقیق کمک می‌کند پرهیز از جملات موصوله و حالیه و وصفیه در وسط پرسش تحقیق است که این‌ها مخل و مضر به آن چیزی است که محقق درصدد بیان آن می‌باشد.

پرسش طولانی حتما نمی‌تواند دقیق و روشن باشد، مثلا وقتی بین مبتدا و خبر فاصله زیادی می‌افتد انگار به نوعی این مبتدا و خبر از هم قطع می‌شود. به تعبیر روشی در پرسش طولانی محقق نمی‌تواند اولویت تحقیق و مجهول تحقیق خویش را خوب بیان کند. یک روش آزمایشش هم این است که پرسش تحقیق را در اختیار گروهی قرار داده و بدون هیچ توضیحی از آن‌ها خواسته شود بگویند از این پرسش چه چیزی می‌فهمند. اگر هر شخصی یک چیزی فهمید، این پرسش تحقیق خوبی نیست. اما اگر همه یک چیزی از پرسش فهمیدند و فهم آنها همگرا و همسوی با اهداف محقق بود، این پرسش، پرسش خوبی است.

- ویژگی دهم: قابل اجرا و عملیاتی بودن  
برای مثال وقتی حل پرسش تحقیق مطرح شده نیازمند به چند سال کار یا یک بودجه کلان یا امکاناتی خاص باشد اما در واقع چنین وقت یا بودجه یا امکاناتی در اختیار محقق نباشد، در نتیجه این تحقیق به ثمر نخواهد رسید. لذا موضوع و پرسش تحقیق باید با توان و ظرفیت‌های موجود سازگار باشد تا عملیاتی باشد.
- ویژگی یازدهم: جالب و مورد علاقه محقق بودن  
اگر پرسش تحقیق برای محقق جالب و مورد علاقه نباشد، در اثناء کار خسته شده و هم عمری از او تلف شده و هم نتیجه‌ای در برابر کار او حاصل نمی‌شود.  
لذا باید واقعا شوق و انگیزه و علاقه از حیث نظری برای پیدا کردن پاسخ این پرسش وجود داشته باشد و محقق تشنه یافتن پاسخ این پرسش باشد.
- ویژگی دوازدهم: گسستن از پیش داوری‌ها و سوابق ذهنی  
محقق نباید از قبل به دنبال پاسخ به خصوصی باشد بلکه باید دنبال پاسخ و حکم باشد و دیدگاه‌ها و مکاتب آن تحقیق برای او ایجاد خلط کند. یا حتی الهام گرفتن از ارزش‌های اخلاقی یا قومی و ملی در تحقیق فقهی صحیح نیست بلکه فقیه باید دنبال با تمام تلاش (استفراغ الوسع) به دنبال کشف حکم بوده تا به حکم الله برسد نه آنچه که خودش متمایل است.  
لذا این چنین تفکیکی به شدت لازم است هر چند که به راحتی هم نیست.
- ویژگی سیزدهم: در پرسش فقهی، حیثیات و جنبه‌های فلسفی یا... وارد نشود.  
پرسش فقهی باید فقهی باشد نه اینکه دارای صبغه فلسفی و اخلاقی باشد. چون فقیه در پرسش فقهی به دنبال قضاوت کردن یا صدور حکم اخلاقی نیست بلکه به دنبال فهم و استنباط حکم الله است.  
چون طلاب معمولا فلسفه هم می‌خوانند گاهی آن دیدگاه‌ها و عبارات فلسفی در طرح پرسش فقهی‌شان هم اثر می‌گذارد و غالب می‌شود.
- ویژگی چهاردهم: باز بودن پرسش (Open Question) یا حقیقی بودن  
یک پرسش حقیقی باید باز باشد. پرسش باز پرسشی است که جواب آن بله و خیر نیست، یعنی پاسخ آن دو احتمالی نیست بلکه چند احتمالی (بیش از دو پاسخ احتمالی) است.  
پرسش‌های اثبات و ردی (بله و خیر) برای تحقیقات پرسش‌های خوبی نیستند و چون جواب مردد بین همین دو جواب است به آن پرسش‌های بسته هم می‌گویند.

این تذکر هم لازم است که اگر یک پرسش خیلی باز بوده و احتمالات زیادی را در بر بگیرد ، این پرسش هم پرسش خوبی نخواهد بود. لذا به طور معقول مثلا چهار پنج پاسخ احتمالی برای آن بتوان در نظر گرفت.

- ویژگی پانزدهم: مبتلی به مکلفین بودن

بعضی پرسش ها در حال حاضر مورد خیلی ابتلای مردم نیست مثل اینکه با برداشتن چند دلو آب چاهی که در آن مردار است پاک می شود. پرسش فقهی روز مردم مباحث رمز ارزها و فضای مجازی و لقاح مصنوعی و... است که گریبان گیر مردم شده و مردم با آن درگیر هستند. همچنین علاوه بر مباحثی که مربوط به گذشته بوده و الان مهجور شده، از مباحثی هم که در آینده ممکن است به وجود بیاید ولی فعلا مورد حاجت نیست باید پرهیز کرد.

- جمع بندی:

در نهایت یک پرسش خوب باید نیت و مقصود و مجهول محقق را بیان و روشن بکند.

## پرسش و پاسخ

در حاشیه فایل‌های روش اجتهادی سوالاتی مطرح شده بود که در اینجا پاسخ داده شده است:

۱- چرا باید روش تحقیق در علوم اجتماعی را اصل قرار داد و روش حل مسئله‌ی فقهی را در حاشیه آن آورد؟

در این جلسات به غیر از یک جلسه که توضیحاتی در مورد روش کمی و کیفی داده شد، هیچ‌جا از روش تحقیق در علوم اجتماعی بحث نشده و نخواهد شد چون ارتباطی ندارد.

روش تحقیق در علوم اجتماعی بسیار گسترده است و اینگونه نیست که فقط یک روش داشته باشد گرچه که عمده‌ترین روش‌های استفاده شده در علوم اجتماعی همان روش‌های پیمایشی یا کمی هستند ولی در بحث‌های سابق توضیحات داده شد که روش‌ها به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شوند و روش‌های کیفی هم دارای شش طرح دانسته شد، یکی از آن طرح‌ها بیان شد که روش نقلی است و بیان شد یکی از روش‌های کیفی که نزدیک باشد با تحقیقات اجتهادی همان روش تحقیق نقلی است. سپس جلساتی در رابطه با امهات روش نقلی صحبت شد.

بنابراین تصور نشود که روش تحقیق در علوم اجتماعی با روش تحقیق در فقه و به عبارت دیگر روش تحقیق اجتهادی یکی است و یا اینکه روش تحقیق در علوم اجتماعی را اصل قرار داده ایم. البته بدیهی است که در تمامی روش‌ها یک سری مشترکات وجود دارد و فرقی نیست که آن علوم، علوم اجتماعی یا علوم سیاسی یا علوم عقلی و یا علوم نقلی باشد. یکی از آن مشترکات، تبدیل مجهول به پرسش و اینکه پرسش باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد است که در جلسات قبل به آن پرداخته شد. این در هر نوع پژوهشی و در هر زمینه‌ای که بخواهد تحقیق و پژوهش شود باید مجهول را تبدیل به پرسش کرد و این ربطی به علوم اجتماعی و فلسفه و فقه و اخلاق ندارد و مشترک است. اینجا بحث از پژوهش است نه بحث از تالیف و تدوین، که هر نوع پژوهشی مسئله محور است.

همین مباحث مربوط به ویژگی‌های یک پرسش خوب هم ناظر به پرسش فقهی مطرح شد و گرنه پرسش‌های اجتماعی پرسش‌هایی هستند که بیشتر بر اساس متغیر و فرضیه تنظیم می‌شوند.

و لذا اگر قرار بود روش تحقیق در علوم اجتماعی بیان شود مسیر بحث به کلی تفاوت می‌کرد.

۲- خیلی از مباحث روش تحقیق در علوم اجتماعی اساساً از ریشه در علوم نقلی قابلیت طرح ندارند. بله این حرف درستی است و کسی هم ادعا نمی‌کند که این‌ها قابل طرح در روش تحقیق نقلی هستند. روش تحقیق‌های علوم اجتماعی عمدتاً کمی و پیمایشی هستند اما روش فقه زیر چتر روش تحقیق نقلی می‌رود که کیفی است.

نمودار فرایند هر دو روش تحقیق کمی و کیفی ارائه شد که در فرایند روش تحقیق کمی قطعاً چارچوب نظری و مدل و نوع تحلیل‌های آماری (معمولاً رگرسیون و تحلیل مسیر و معادلات ساختاری) وجود دارد که این‌ها قطعاً در روش‌های کیفی از جمله روش تحقیق نقلی جایی ندارند.

۳- سیر تحقیق و پژوهش در فقه گرچه شباهت با سایر علوم انسانی دارد اما آنقدر متفاوت هست که مسیری مستقل برایش طرحی شود مثل بررسی اقوال.

این هم حرف درستی است و غیر از این هم عمل نشده است. مباحث مربوط به بررسی اقوال در بحث تحلیل داده‌ها مطرح می‌شود و هنوز حدود ۳۰-۴۰ فایل دیگر تا مباحث بررسی اقوال و تحلیل متن (بعد از جنع آوری داده‌ها) مانده است.

چند فایل دیگر از بحث پرسش باقی مانده و بعد از آن بحث پیشینه‌ی تحقیق و تاریخچه موضوع است و بعد از آن نوبت بحث تکنیک‌های جمع آوری داده‌های نقلی است که به دو دسته داده‌های اسنادی و مدارک و داده‌های تبعیدی که - که همان بحث آیات و روایات - است. سپس بحث تحلیل شروع می‌شود که نوع تحلیل‌ها در روش تحقیق نقلی با تحلیل‌ها در روش نقلی تبعیدی متفاوت است. در اینجا پرونده علم اصول باز می‌شود و خیلی از مباحثی که در علم اصول مطرح می‌شود در بحث تحلیل داده‌های نقلی تبعیدی باز می‌شود نه بررسی اقوال. این نکته قابل توجه است که در بحث فقه بررسی اقوال نداریم بلکه بررسی نقل‌های تبعیدی - یعنی آیات و روایات - وجود دارد. بحث بررسی اقوال مربوط به تاریخچه فقه و تاریخ موضوع فقهی می‌شود.

۴- این مباحث برگرفته از کتب طرحنامه نویسی و پروپوزال نویسی در علوم اجتماعی است؟

هیچ کتابی در رابطه با پروپوزال نویسی خوانده نشده بلکه این مباحث برگرفته از کتب روش تحقیق (کمی و کیفی و آمیخته) است.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

مشغول تنظیم کتابی به نام دایره المعارف روش های تحقیق کیفی (بیشتر از ۵ جلد است) هستم که بخش عمده‌ای از آن بحث روش تحقیق فقه است و این مطالب از آن کتاب بیان می‌شود که منابع بسیار متعدد و بالغ بر ۵۰۰ منبع فارسی و انگلیسی استفاده شده است.

۵- جریان شروع این فایل‌ها این بود که مطلبی از یکی از اساتید در کانال شنیدم و دیدم خیلی مباحث خلط شده است و بدون اشاره به آن فایل مطلبی را ارسال کردم و در کانال قرار داده شد. بعد از آن چندین پیام ارسال شد که لطفا این بحث را ادامه بدهید و مطالب جالبی است. بعد از فایل های روش تحقیق اجتهادی پیگیری های مکرری صورت گرفت که لطفا این کار را ادامه بدهید و ما طلاب شدیداً به این مطالب احتیاج داریم.

اما اگر عزیزانی بتوانند روش اجتهادی مستقلی ارائه بدهند که هیچ اصطلاحی و مطلبی و آیتمی را از روش های تحقیق مرسوم وام نگیرند و استفاده نکنند بسم‌الله و آن را اصل قرار بدهید و روش های دیگر را حاشیه آن قرار بدهید.

بالاخره در این مباحث علمی باید افرادی وارد میدان شده و خطی را ترسیم بکنند و ریلی را بگذارند تا دیگرانی بیایند و آن را اصلاح و تعدیل کنند. چون فضا فضای علم است و فضای رقابت نیست.

## جلسه نوزدهم

### پرسش تحقیق (پرسش اصلی و پرسش فرعی)

#### خلاصه‌ی گفتار گذشته

بیان شده بود که پژوهش باید صرفاً مبتنی بر یک پرسش باشد نه پرسش‌های متعدد که به این پرسش، پرسش تحقیق (سوال پژوهش) می‌گویند.

پرسش تحقیق پرسشی است که در اطلاعات و علوم موجود بشری برایش پاسخی یافت نمی‌شود و محقق برای پاسخ دادن به آن لازم است که تحقیق کند.

در تعریف پرسش هم بیان شد که پرسش همان صورت بندی لفظی مجهول ذهنی است، یعنی محقق مجهول ذهنی خود را در فرایند تحقیق، تبدیل به یک پرسش می‌کند که این پرسش، محور و راهنمای تحقیق (دلیل‌التحقیق) است.

همچنین در مباحث پیشین بیان شد که روش‌های تحقیق یا بنیادی هستند یا توسعه‌ای یا کاربردی، و در بخش روش تحقیق اجتهادی بیان شد که در این بخش اکثر پرسش‌ها نوع کاربردی هستند - چون تعیین تکلیف برای مکلف می‌کنند -.

و همچنین بخش کوچکی از پرسش‌ها که بیشتر در تحقیقات فقهی به کار می‌روند - نه در استنباط احکام شرعی - پرسش‌های توسعه‌ای هستند یعنی بیشتر به دنبال گسترش و توسعه‌ی دانش فقه هستند. فقها با استنباط حکم شرعی در واقع به بیان راهکار و برنامه عملی برای مکلفین می‌پردازند و هدف اصلی فقیه تعیین تکلیف است و گاهی در کنار این هدف به توسعه علم فقه می‌پردازند. اما در تحقیقات فقهی - که بیشتر به عنوان یک پژوهش انجام می‌دهند - اولاً به دنبال توسعه علم فقه هستند اما گاهی هم به طور نادر به تعیین تکلیف مکلف و استنباط حکم شرعی می‌رسند.

لذا در تحقیقات فقهی معمولاً سوالات بنیادی وجود ندارد و سوالات توسعه‌ای هم در غیر مقام استنباط حکم شرعی وجود دارد و بیشتر سوالات مربوط به استنباط حکم شرعی، پرسش کاربردی هستند.

## سوالات اصلی و فرعی

در تدوین مقاله و گزارش تحقیق، یک پرسش تحقیق (سوال پژوهش) داریم که محقق مقاله درصدد پاسخگویی به آن هست،

اما در تحقیقاتی که به صورت پایان نامه یا رساله‌ی پژوهشی و یا یک کتاب پژوهشی یا گزارش پژوهشی تنظیم می‌شود یک اصطلاح دیگری وجود دارد که تحت عنوان پرسش اصلی و پرسش فرعی مطرح می‌شود.

سوال اصلی در واقع همان سوال پژوهش (پرسش تحقیق) است که چون سوالات دیگری هم در تحقیق طرح شده، برای عدم تداخل و خلط شدن آن‌ها را به اصلی و فرعی تقسیم کرده‌اند.

سوالات فرعی اصطلاحاً سوالاتی هستند که پاسخگویی به سوال اصلی متوقف بر پاسخ دادن به این سوالات هست و تا پاسخ آن‌ها روشن نشود نمی‌توان به سوال اصلی پژوهش پاسخ داد و همچنین تجمیع پاسخ‌های سوالات فرعی، در واقع همان پاسخ سوال اصلی می‌شود. (پاسخگویی به سوالات فرعی مقدم بر پاسخگویی به سوال اصلی)

سوالات فرعی فقط در تحقیقات کیفی وجود دارند و در تحقیقات کمی وجود ندارند به این معنا که در تحقیقات کمی آنچه که راهنمای تحقیق (دلیل تحقیق) و معیار کل تحقیق است فرضیه‌ها هستند اما در تحقیقات کیفی، راهنمای تحقیق سوالات فرعی هستند. لذا سوالات فرعی یک چیز تزئینی در تحقیق نیستند و بسیار کاربرد دارند، اما متأسفانه در طرح‌نامه‌ی بسیاری پژوهشگران دیده می‌شود که فقط ۳-۴ سوال فرعی طرح کرده‌اند و در گزارش‌شان هم هیچ نقشی ندارد.

سوالات فرعی معمولاً از مقدمه بودن یا خرد شدن سوال اصلی (سوال پژوهش) به دست می‌آیند و دو کاربرد دارند:

### ۱) راهنمای تحقیق (دلیل تحقیق)

یک کاربرد آن دلالت و راهنمایی است به این معنا که وقتی دارد جمع‌آوری داده (در تحقیقات فقهی جمع‌آوری آیات و روایات) صورت می‌گیرد و بعضاً اقوال علما جمع می‌گردد باید معیار این باشد که داده‌های مورد جمع‌آوری در پاسخ به سوالات فرعی باشد. لذا اگر داده‌های جمع شده ربطی به سوالات فرعی ما نداشته باشند این جمع‌آوری داده اصطلاحاً یک جمع‌آوری گسترده است و بعد محقق در تحلیل آن دچار مشکل می‌شود. به همین خاطر به آن‌ها دلیل و راهنمای تحقیق می‌گویند چون محقق باید در طول تحقیق نیم‌نگاهی به این سوالات فرعی داشته باشد



و هر مطلبی را که در راستای پاسخ دادن به این سوالات فرعی است جمع آوری کند و اگر داده‌ها نسبت و مناسباتی با سوالات ندارد باید از جمع آوری آن صرف نظر کرد.

#### ۲) معیار فصل بندی و تبویب گزارش تحقیق

کاربرد دیگر سوالات فرعی در تقسیم تحقیق یا تبویب و فصل بندی گزارش تحقیق است. مثلاً در تدوین و تنظیم یک رساله یا پایان نامه: یک فصل مقدمه است شامل کلیات و مفاهیم، فصل دوم هم شامل پیشینه موضوع و پیشینه‌ی تحقیق (البته این در تحقیقات فقهی است و چه بسا در تحقیقات دیگر به پیشینه نیازی نباشد)، فصل سوم روش تحقیق باید توضیح داده شود و بعد از این سه فصل فصول بعدی که «بدنه گزارش تحقیق» نامیده می‌شود - و شامل سه یا چهار فصل می‌شود - هر فصلی متکفل پاسخ دادن به یکی از سوالات فرعی است و در مقدمه آن فصل باید سوال فرعی مطرح شده و توضیح داده شود که محقق در این فصل درصدد پاسخ به این سوال فرعی است - و دو یا سه فصل بعدی هم به همین شکل - بعد اقوال مختلف و نقل اقوال و بعد بررسی آیات و روایات و بعد هم نتیجه‌گیری فصل که پاسخ به سوال حاصل می‌شود. در نهایت تجمیع پاسخ‌های سوالات فرعی می‌شود پاسخ به سوال اصلی و اگر اینگونه نشد باید دانست که سوالات فرعی دقیقی طرح نشده است.

#### • تمرین

- ۱) عزیزانی که در مرحله قبل سوالی را طراحی کرده‌اند، سعی بکنند برای آن سوال سه سوال فرعی بنویسند، به نحوی که پاسخ این سوالات بتواند پاسخ سوال اصلی را بدهد.
- ۲) یک کار عملیاتی دیگر اینکه عزیزان چند پایان نامه که در مراکز مختلف نوشته شده را بررسی کنند و ببینند چقدر سوالات فرعی در تبویب رساله و پاسخ به سوال اصلی نقش داشته است. (در اکثر تحقیقات بر طبق تجربه، در طول تحقیق هیچ استفاده‌ای از سوالات فرعی نشده و در واقع سوالات فرعی یک امر تزییینی بوده‌اند).

#### یک بحث روایی در مبحث سوال

در روایات ما وقتی سخن از علم می‌آید دو نوع مد نظر است که من اصطلاحاً به علم عرفانی و علم عرفی نامگذاری شان کردم.

علم عرفانی نوعی بصیرت و نورانیت است که یغذف الله فی قلب من یشاء است و علم عرفی همان علم معیشت و رتق و فتق امور اجتماعی و علم روزمره‌ای است که گاهی گفته شده طلب آن تا چین هم باید انجام بشود.

البته بعضی از آیات و روایات هستند که علم به کار رفته در آن‌ها هم می‌تواند معنای عرفی داشته باشد و هم معنای عرفانی.

اما وقتی بحث از علم عرفی می‌شود در روایات ما تحت عنوان مسئله یا سوال مطرح شده که برای من جالب بود و در بحث خودم تبدیل به یک مدل کردم:

- ان العلم علیه قفل و مفتاحه سوال. این سوال همین است که اگر بخواهید علمی پیدا کنید یا علمی را توسعه داده و تولید علم داشته باشید کلید آن سوال است. و در بعضی جاها عین همین روایت آمده و به جای سوال، مسئله گفته است. باید دید آن تفاوتی که بین پرسش و مسئله قائل شدیم را در این روایت هم می‌توان انجام داد یا خیر.
  - حسن السؤال نصف العلم. من به نظر خودم یک سوال خوب تمام العلم است. چون کسانی خوب می‌توانند تولید علم کنند و یاد بگیرند که سوالات خوبی داشته باشند.
  - اطلب العلم باستعماله. جالب تر این که گاهی هدف از علم را کاربرد آن بیان می‌کنند. جالب است علم برای علم در روایات نداریم البته در بحث علم عرفانی علم برای علم و بصیرت و نورانیت داریم ولی در بحث های علوم معیشتی و روزمره باستعماله هست.
  - و حالا این فرایند کشف مجهول و تولید علم از سوال و مسئله چگونه به وجود می‌آید؟ این با یک تفکر و تحلیل در روایات بیان شده که گاهی بیان شده:  
مثلا: کونوا نقالا للكلام یا اضربوا بعض الراى بعض يتولد منه الصواب. یعنی باید نوعی تحلیل کنید و دیدگاه‌ها را با هم مقایسه و در هم ضرب بکنید یا ناقل این داده‌های علمی باشید تا بتوانید یک علم خوبی را برای کاربرد و استعمال آن طلب بکنید.
- عزیزانی که دوست دارند تمام این بحث را دنبال کرده و همه روایات و مدلی که از آن به دست آمده را ببینند، می‌توانند به کتاب فلسفه‌ی علم و علم دینی مراجعه کنند.

## جلسه بیستم

### پیشینه‌ی تحقیق (۱)

#### سرفصل مباحث پیش رو در پیشینه‌ی تحقیق

- تعریف پیشینه‌ی تحقیق
- مولفه‌های یک پیشینه‌ی تحقیق
- جمع‌آوری و احصاء پیشینه
- انتخاب و گزینش پیشینه
- تفاوت پیشینه‌ی تحقیق با پیشینه‌ی موضوع
- تفاوت پیشینه‌ی تحقیق با منابع تحقیق
- کاربرد پیشینه‌ی تحقیق

#### تعریف پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه‌ی تحقیق به گزارش‌های کتبی و شفاهی‌ای گفته می‌شود که قبل از انجام یک تحقیق، درباره‌ی همان مسئله یا موضوع انجام شده است. روشن است که مسلماً نباید موضوع تحقیقاتی که قبلاً انجام گرفته عیناً با موضوع تحقیق فعلی محقق یکی باشد و حتماً تفاوت‌هایی را داراست که قصد شده تحقیق جدیدی انجام بگیرد. لذا اگر با قبلی‌ها یکی باشد لزومی ندارد که درباره‌ی موضوعی که قبلاً تحقیق شده دوباره تحقیقی انجام بگیرد.

لذا پیشینه‌ی تحقیق در اصل گزارشی است از تحقیقات قبلی که از یک مسئله یا موضوع انجام شده است و این گزارش از تحقیقات قبلی گاهی به صورت مکتوب است و با مراجعه به کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و مدارک این پیشینه‌ها بررسی می‌شود و معمولاً هم شیوه‌ی گزارش‌دهی به صورت مطالعه و فیش برداری

انجام می‌گیرد. و گاهی گزارش تحقیقات قبلی به صورت شفاهی منتشر شده و این دو صورت است: یا صوت گزارش و سخنرانی از یک تحقیق وجود دارد که محقق آن را گوش داده و یادداشت برداری می‌کند و یا صوتی از آن در دسترس نیست (مثلا تحقیقات محرمانه‌ای که هیچ گزارش مکتوب یا شفاهی از آن موجود نیست) و در این صورت محقق باید با محققین آن تحقیقات سابق مصاحبه بگیرد.

و البته که این نوع مصاحبه با مصاحبه‌ای که برای جمع آوری داده در آینده بیان می‌شود بسیار متفاوت است. این نوع مصاحبه در واقع درصدد تهیه پیشینه‌ی تحقیق است و می‌خواهد گزارشی از یک تحقیق قبلی ارائه کند. یعنی بیشتر در آن جنبه‌ی روشی مدنظر است تا جمع آوری داده، که این در کاربرد پیشینه‌ی تحقیق بیشتر توضیح داده خواهد شد.

نکته‌ی ۱: در همه‌ی تحقیقات اعم از کیفی و کمی و حتی در تحقیقات فقهی، بررسی پیشینه‌ی تحقیق لازم و ضروری است. آن هم به این خاطر است که محقق در هر موضوعی که تحقیق می‌کند و در هر نوع تحقیقی لازم است که تمام اطلاعات مرتبط با آن موضوع را بداند و بعد اگر سوالی به ذهن خطور کرد که پاسخ آن در پیشینه وجود ندارد باید تحقیق کند. روشن است که اگر پاسخ سوال در پیشینه یافت شود دیگر نیازی به تحقیق وجود ندارد.

نکته‌ی ۲: پیشینه‌ی تحقیق حتما کتابخانه‌ای و به صورت فیش برداری است.

توجه به این نکته ضروری است که هویت یک تحقیق به مقام جمع آوری داده و تحلیل داده‌های آن می‌باشد و اگر گفته شد یک تحقیق کتابخانه‌ای است یعنی اینکه جمع آوری داده‌ها در آن تحقیق از منابع مکتوب و از مدارک موجود در کتابخانه‌ها استفاده شده است و گر نه همه تحقیقات کمی و کیفی و فقهی در مقام بررسی پیشینه‌ی تحقیق کتابخانه‌ای هستند و لذا به اعتبار مقام بررسی پیشینه یک تحقیق به آن کتابخانه‌ای نمی‌گویند چون در تمامی تحقیقات حتی تحقیقاتی که اصلا ارتباطی به مکتوبات ندارد اما بررسی پیشینه آن قطعا کتابخانه‌ای است. (امروزه مقصود از کتابخانه هم اعم از کتابخانه‌ی فیزیکی و الکترونیکی و اینترنتی است)

نکته‌ی ۳: وقتی بیان می‌شود پیشینه‌ی تحقیق، به این معنا نیست که یک کتاب یا مقاله مستقل باشد بلکه هرمنبعی است که قبلا درباره موضوع مورد نظر محقق، تحقیق انجام داده است یا به طور مستقل چاپ شده که معمولا گزارش و پیشینه‌ی تحقیق به صورت مقاله هستند و بعضا رساله هستند و برخی از رساله‌ها بعدا کتاب می‌شوند.

نکته ۴: اشاره به این نکته هم حائز اهمیت است که تلقی صحیح از کتاب اولاً و بالذات تالیفی است و در درجه‌ی بعد تدوینی است و کتاب پژوهشی بسیار کم است مگر اینکه پژوهشی قبلاً انجام شده و نتایج آن به صورت کتاب درآمده است. البته این باید تشخیص داده شود که آیا این کتاب گزارش تحقیق است و می‌توان از آن به عنوان یک پیشینه‌ی تحقیق استفاده کرد یا نه یک کتاب تالیفی و تدوینی است که جزء پیشینه‌ی تحقیق به حساب نمی‌آید و نهایتاً می‌تواند به عنوان منابع تحقیق محسوب شود.

+ نکته: سه نوع کتاب وجود دارد، کتب تصنیفی، تالیفی و تدوینی. (ترتیب شان بر اساس درجه اهمیت است)

گاهی پیشینه‌ی تحقیق یک رساله‌ی مستقل یا مقاله نیست بلکه یک بخش یا فصلی از یک کتاب در مورد موضوع تحقیق آمده است (Chapter Book).

### حجم پیشینه‌ی تحقیق

بحثی هم در حجم پیشینه‌ی تحقیق و تعداد تحقیقاتی که باید گزارش بشود وجود دارد، و طبیعتاً این نسبت به موضوع متفاوت خواهد بود. حجم پیشینه‌ی تحقیق معمولاً بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باید باشد و تعداد تحقیق‌هایی که باید مورد بررسی قرار بگیرد هم تعداد مشخصی ندارد و حد آن اشباع تئوریک است. به این معنا که وقتی پیشینه‌ها مرتب شدند باید شروع کرد به خواندن پیشینه‌ها و یادداشت برداری و فیش برداری و هر جا که محقق دید دیگر مطالب دارد تکرار می‌شود و چیزی عاید نمی‌شود باید به همان تعداد پیشینه اکتفا کرد.

### مولفه‌های پیشینه‌ی تحقیق

چه چیزهایی باید از تحقیق قبلی یادداشت یا بیان شود که بتوان به آن پیشینه‌ی تحقیق اطلاق کرد؟ چه چیزی اگر در گزارش بیاید پیشینه خوبی بیان شده است؟

+ نکته: باید مراقب بود پیشینه‌ی تحقیق شبیه انشاء نشود و فقط آنچه نیاز است در آن بیاید.

بیان شد که پیشینه‌ی تحقیق معرفی یک سری تحقیقاتی است که قبلاً انجام شده و یعنی باید بسیاری کتاب‌ها (فصل‌های مربوط) و رساله‌ها و مقاله‌ها مطالعه شود و یکی یکی گزارش شود (هرکدام حدود ۲۰۰ کلمه که نصف صفحه A4 است) و بیان شود که این تحقیق قبلی چنین وضعیتی داشته است.

شش مولفه است که در مجموع ۲۰۰ کلمه باید در بررسی از پیشینه‌ی یک تحقیق قبلی گزارش و بیان شود:

(۱) زمان، مکان، محقق، مرکزی که تحقیق در آن انجام شده و کتاب شناسی تحقیق (منتشر شده یا نه و چگونه) در مجموع در دو خط (حدود ۳۵ کلمه).

(۲) پرسش تحقیق و رویکرد حاکم در آن تحقیق: مثلا رویکرد در موضوع بیع خون یک بار مصداقی از نجاسات حسابش کرده و یک رویکرد هم آن را به مثابه مایع حیات بخش در زمان معاصر گرفته است.

(۳) اگر پیشینه‌ی تحقیق سابق مربوط به یک تحقیق کمی بود حتما یک چارچوب نظری دارد و این چارچوب نظری برای کار بسیار مهم است (این چارچوب نظری باید در یک خط بیان شود). البته چون بحث فعلی در تحقیقات کمی نیست توضیحی نیاز نیست و فعلا دانستن اینکه اساس تحقیق کمی چارچوب نظری است و باید حتما در پیشینه بیاید کافی است.

(۴) باید یک نقدی نسبت به پژوهش سابق وجود داشته باشد که حالا می‌خواهند دوباره درباره‌ی آن تحقیق کنند. مثلا پژوهش سابق کمی بوده و محقق می‌خواهد کیفی کار کند یا آن پژوهش منابعش فقط کتب بوده یا کتب روایی بوده یا فقط وسائل الشیعه بوده و محقق می‌خواهد دامنه بیشتری از منابع را در نظر بگیرد. یعنی باید بیان شود چرا با وجود پیشینه قرار است دوباره تحقیق انجام بگیرد. لذا در تک تک پیشینه‌ها باید مشکلش بیان شود، مثلا در تحلیل از تحلیل محتوا استفاده شده ولی در تحقیق جدید قرار است از تحلیل مضمون یا تحلیل روایت استفاده شود و به نظر تکنیک تحلیل محتوا که استفاده شده به فلان دلیل تکنیک مناسبی نبوده است.

(۵) تفاوت تحقیقات سابق با تحقیق جدید در چیست. البته از آن مرحله‌ی نقد و بررسی هم می‌توان مطلب تفاوت‌ها را در آورد.

(۶) نتایج و یافته‌های تحقیق سابق در دوخط به صورت تیتروار بیان شود.

## جلسه بیست و یکم

### تفاوت روش تحقیق اجتهادی با روش تحقیق فقهی

تا به حال دو گام (مرحله) صورت بندی پرسش تحقیق و بررسی پیشینه‌ی تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و در تمام تحقیقات اعم از کمی و کیفی، این دو مرحله مشترک هستند. و هنوز اختصاصات روش تحقیق اجتهادی بیان نشده است. سوالی از جانب دنبال کنندگان مباحث مطرح شده که در این جلسه به این سوال پاسخ داده شده است. انشاءالله در ادامه به تکمیل بحث پیشینه‌ی تحقیق پرداخته خواهد شد.

**سوال:** آیا تفاوتی بین روش تحقیق اجتهادی و روش تحقیق فقهی وجود دارد؟ (چون در اثناء جلسات گذشته هر دو اصطلاح به کار برده شده است)

پاسخ:

روش تحقیق اجتهادی و روش تحقیق فقهی تفاوت هایی دارند.

### روش تحقیق اجتهادی

- از میان روش های بنیادی و توسعه‌ای و کاربردی، روش تحقیق اجتهادی در زمره‌ی تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد، زیرا در صدد رفع تحیر و سرگردانی مکلف در مقام عمل و انجام تکالیف است.
- هدف آن استنباط حکم شرعی است و به دنبال این است که مجتهد حکم شرعی را از منابع برای تعیین تکلیف مکلفین به دست آورد.
- داده های اجتهاد، آیات و روایات هستند که به وسیله‌ی روش های متن پژوهی (پردازش داده‌های متنی، سندی و محتوایی) جمع آوری می‌شوند.

- نکته: مطالبی که در علم فقه وجود دارد - اعم از دیدگاه‌ها و نظرات و احکام و استنباطات از فقها و مجتهدان قبلی - در روش تحقیق اجتهادی جزء داده‌ها نیستند بلکه چیزی است که باید در پیشینه‌ی تحقیق بیان شود - این که در بحث تفاوت پیشینه‌ی تحقیق و پیشینه‌ی موضوع، نقش آراء و نظرات و استنباطات فقها در روش تحقیق اجتهادی چه چیزی هست - اما داده‌های آن آیات و روایات هستند و اگر آیه و روایت نبود به داده‌های درجه دوم مثل سیره متشرعه و اصول فقهیه و اصول عملیه مراجعه می‌شود.
- عمده روش در روش اجتهادی در مقام مرحله‌ی تحلیل، مطالبی است که در علم اصول فراگرفته شده (علم اصول علم تحلیل روش اجتهادی است که مفصلاً بیان خواهد شد)
- ماحصل و خروجی روش تحقیق اجتهادی سبب فرجه شدن علم فقه می‌شود یعنی احکامی که استنباط می‌شوند علم فقه را مفصل‌تر می‌کنند.
- موضوع یا مسئله‌ی مورد تحقیق در آن باید موضوع و مسئله جدید و مبتلا به مکلفین باشد. آنچه که در دروس خارج معمولاً از ابتدای کتاب الصلاة یا کتاب الطهاره شروع می‌کنند و مسائلی که وجود داشته مطرح می‌کنند و بعد حکمش را به دست می‌آورند مد نظر این بحث نیست. بلکه موضوع مد نظر اینجا مثلاً این است که بیع خون در زمان معاصر حکمش چیست و یا آیا تغییر کاربری داده؟ و یا بیمه و بانکداری و سرقتی و بیت کوبین و فضاهای مجازی و... که در فقه سنتی یافت نمی‌شوند ولی الان مباحث مبتلا بهی هستند که مکلفین به دنبالش هستند.

### روش تحقیق فقهی

- روش تحقیق فقهی می‌تواند توسعه‌ای (نه برای تعیین تکلیف مکلف بلکه برای ایجاد و تولید یک مسئله در فقه و توسعه فقه) یا کاربردی (اعم از تعیین تکلیف مکلف یا ارائه راهکارها و راهبردهایی برای جامعه و حاکمیت سازمان‌ها) باشد.
- هدف در آن تحلیل و فراتحلیل علم فقه است، یعنی می‌خواهد خود علم فقه و داده‌ها و موضوعات و ابواب آن را تحلیل کند.



روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

لذا داده‌هایی که در آن جمع‌آوری می‌شود لزوماً آیات و روایات نیستند بلکه داده‌هایی هستند که در علم فقه تولید شدند و همچنین آراء و دیدگاه‌های فقها و علما از ابتدا تاکنون در یک موضوع خاص می‌باشند. مثلاً دیدگاه‌های شیخ انصاری یا شیخ طوسی در یک موضوع خاص تا تحلیل بشود.

پس در مقام تحلیل، تحقیق فقهی منحصر در روش علم اصول و تحلیل آیات و روایات نیست. از انواع تحلیل‌های روش فقهی مثل تحلیل محتوا و تحلیل روایت و تحلیل مضمون و روش‌های مقایسه‌ای و روش‌های تطبیقی تاریخی می‌توان استفاده کرد و اکثر تکنیک‌های تحلیل در روش تحقیق فقهی می‌تواند همان تکنیک‌های روش تحقیق کیفی باشد. مثلاً: بررسی ادله‌ی شیخ طوسی در حرمت بیع خون که توجه به کاربری هم داشته‌اند. یا بررسی تاریخی یک موضوع فقهی مثل بررسی خمس در ادوار تاریخی علم فقه و تطور و تکثر مسائل آن. یا بررسی ادله استنباط (غیر از آیات و روایات) در حل یک مسئله فقهی توسط فقها.

لذا روش تحقیق فقهی می‌تواند بسیار گسترده‌تر از روش تحقیق اجتهادی باشد.

تذکر: روش تحقیق اجتهادی بیشتر برای کسانی است که می‌خواهند در مسیر اجتهاد و استنباط احکام گام بردارند و همان کار مجتهدین است که دسته‌بندی شده و چیزی به آن اضافه نشده است. اما روش تحقیق فقهی بیشتر برای پژوهشگران و دانش‌پژوهان است که می‌خواهند مقاله یا رساله‌ای بنویسند و هدف‌شان اجتهاد احکام نیست بلکه در راستای تمرین یا تصحیح و تکمیل علم فقه است.

## جلسه بیست و دوم

### پیشینه‌ی تحقیق (۲)

تعریف و مولفه‌های پیشینه‌ی تحقیق بیان شد.

مولفه‌هایی که در پیشینه بیان شد ظاهراً همان مولفه‌های موجود در چکیده‌ی مقاله یا پایان‌نامه هستند. بنابراین اگر تحقیقی که محقق درصدد تدوین آن است چکیده‌ی مناسبی داشته باشد، می‌توان از آن به جای پیشینه استفاده کرد.

اگر یک مقاله یا پایان‌نامه یا کتاب (هر مکتوبی) که گزارش یک پژوهش است، چکیده‌ای را بر اساس ضوابط و اصول چکیده‌نویسی (که بسیاری از آن با اصول پیشینه‌ی تحقیق مشترک است) نوشته باشد، قطعاً محققان می‌توانند از آن برای پیشینه‌ی تحقیق خود استفاده کنند.

نکته: در پیشینه‌نویسی می‌توان از چکیده استفاده کرد اما طبیعتاً این هیچ‌گاه قابل مقایسه نیست با اینکه برای نوشتن پیشینه شخص خود کتاب یا مقاله را مطالعه کند، چون در این صورت دیدگاه و معرفت و بینش محقق نسبت به موضوع مورد نظر بیشتر می‌شود و برای انجام یک پژوهش جدی قطعاً این بهتر از استفاده از چکیده است و استفاده از چکیده در اینجا برای فقط انجام تکلیف و صرفه‌جویی در وقت است و گرنه جز ضرر به کار تحقیقی منفعتی در پی ندارد.

### جمع‌آوری و احصاء پیشینه‌ی تحقیق

اولین کار این است که مفاهیم و اصطلاحات کلیدی از عنوان تحقیق استخراج شود.

اگر تحقیق کمی است، قطعاً متغیرهای موجود در عنوان، در احصاء پیشینه بسیار کارساز است و در تحقیق کیفی مفاهیم و اصطلاحات کارساز است.

امروزه با وجود اینترنت و نرم‌افزارها و سامانه‌ها به راحتی می‌توان این اصطلاحات و مفاهیم و متغیرها را جستجو کرد و مقالات نزدیک به عنوان تحقیق را جدا کرد و اگر فول‌تکست هستند متن‌شان دریافت شود و اینگونه مجموعه‌ای از مقالات و کتاب‌ها و رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها را می‌توان به دست آورد. مثلاً در:

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

- سایت کتابخانه ملی
- نور مگز
- ایران داک
- پایگاه اسناد مختلف مثل ISC

یکی از جاهای دیگری که خیلی به خوبی می توان پیشینه را جمع آوری کرد در تحقیقات قبلی است که با بررسی دو بخش پیشینه و منابع در آن تحقیقات، می توان پیشینه خوبی استخراج کرد.

از مجموع راه های جستجوی مذکور تعدادی مقاله و کتاب و رساله و پایان نامه به دست می آید که باید آن ها را با ملاک و معیارهایی از اهم به مهم رتبه بندی و تنظیم کرد.

معیارهایی که معمولاً در ترتیب و چینش پیشینه استفاده می شود:

۱) تاریخ: تحقیق هر چه به زمان حاضر نزدیک تر باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است، چون پدید آورنده این تحقیق مطالعات قبلی را در تحقیق خود دیده است و به این خاطر اطلاعات خوبی در موضوع و روش نصیب محقق می شود.

۲) نوع گزارش: معمولاً مقالات از اهمیت بیشتری نسبت به کتاب های گزارش تحقیقی برخوردارند. و کتاب نسبت به رساله با اهمیت تر است و رساله هم نسبت به پایان نامه مهم تر است. (تقدم: ۱-مقالات ۲-کتاب های پژوهشی ۳- رساله ها ۴- پایان نامه ها)

۳) اعتبار ناشر: در مقالات نوع مجله و در کتاب ها نوع ناشر و در رساله و پایان نامه رتبه و نوع دانشگاه تعیین کننده اهمیت اثر است. مثلاً اینکه آن دانشگاه یا مجله در جوامع علمی از حیث علمی و مطرحی بودن دارای چه جایگاهی است.

۴) اعتبار استاد راهنما: در رساله و پایان نامه از اعتبار استاد راهنما هم می توان رتبه بندی کرد چون اساتید هم دارای موقعیت های علمی متفاوتی هستند و با این معیار هم می توان به رتبه بندی پرداخت.

پس از رتبه بندی و تنظیم این مجموعه آثار -مثلاً از یک تا پنجاه- طبیعتاً باید از شماره یک خواندن این آثار را شروع کرد، اما آیا لازم است در هر تحقیقی مثلاً هر پنجاه اثر گردآوری شده را مطالعه کرد؟

خیر لازم نیست. محقق از شماره یک به مطالعه و یادداشت کردن موارد مورد نیاز شروع می کند، مثلاً:

- اصلاح سوال تحقیق
- نکات مهم در انتخاب روش
- انتخاب چارچوب و مدل و فرضیه (در تحقیقات کیفی)

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

○ فهم تکنیک های تحلیلی استفاده شده

فلذا محقق در پیشینه معمولا به دنبال موارد مذکور است و داده و اطلاعات محتوایی برای متن تحقیق خود نمی خواهد.

سپس همین طور مطالعه می کند تا جایی که -مثلا در مورد پانزدهم- حس می کند مباحث دارد تکرار می شود و نسبت به موارد مذکور، چیز جدید دیگری به دست نمی آورد. اصطلاحا محقق به اشباع تئوریک می رسد و همین مواردی که اصطیاد کرده است کفایت می کند.

اما محقق نباید غفلت کند که هنگام گزارش پیشینه حتما باید توضیح دهد که مثلا در بررسی پیشینه این تحقیق پنجاه اثر یافته شد و بر اساس این معیارها رتبه بندی شدند و نهایتا پس از بررسی ۱۵ مورد اشباع تئوریک حاصل شد. و محقق باید پیشینه آن ۱۵ مورد را یک به یک هر کدام در ۲۰۰ کلمه در گزارش تحقیق خود بیان کند. این ها برای این است که دیگری که می خواهند این تحقیق را قضاوت کنند بدانند که پیشینه تا چه حد بررسی شده است.

در گزارش این موارد مثلا ۱۵ یا ۲۰ گانه می توان آن ها را با ملاک هایی دسته بندی کرد و به گونه ای بین آن ها اتصال ایجاد کرد. مثلا گفته شود این ها دو دسته اند: دسته توصیفی ها و دسته تبیینی ها یا مثلا دسته تحلیلی ها و دسته نقدی ها.

و همچنین مهم تر از دسته بندی این است که در پایان بخش پیشینه نوعی تحلیل یا جمع بندی از این پیشینه ها ارائه داد که معمولا اساتید می گویند محقق باید تفاوت کار خود با آن پیشینه ها را بیان کند. در این بخش باید مشابهت ها و تفاوت های آن پیشینه ها را بیان کرد و یا به نقاط قوت و ضعف آن ها پرداخت و یا اینکه رتبه بندی کرد که کدام تحقیقات بیشترین کمک و پاسخ را برای این تحقیق داشتند. و نهایتا هم باید جوابی داشت برای این سوال که چرا دوباره در این موضوع قرار است تحقیقی نوشته شود.

به طور خلاصه:

اگر تحقیق کیفی است بر اساس مفاهیم و اصطلاحاتی که در عنوان آمده باید پیشینه ها جستجو شود و اگر تحقیق کمی است بر اساس متغیرهایی که در عنوان یا سوال آمده باید پیشینه ها جستجو شود. سپس بعد از جمع آوری باید آن ها را مرتب و رتبه بندی کرد. سپس به مطالعه آن ها پرداخت تا به حدی که اشباع تئوریک ایجاد شود و سپس توقف کرد. بعد از آن باید به گزارش این فرایند بررسی پیشینه ها پرداخت و این گزارش بر اساس دسته بندی مواردی مطالعه شد انجام بگیرد. و نهایتا باید یک تحلیلی به عنوان جمع بندی نوشته شود.

## جلسه بیست و سوم

### پیشینه‌ی تحقیق (۳)

در مبحث جمع آوری و انتخاب و گزینش پیشینه یکی از مواردی که در تجمیع و گزینش پیشینه خیلی به محقق بینش می‌دهد و یک طرح و پلان کلی به او می‌دهد، مقالات دایره‌المعارفی یا دانشنامه‌ای است. از مقدمات اولیه برای استخراج پیشینه در هر پژوهشی مراجعه به دایره‌المعارف هاست. دایره‌المعارف‌ها چون بر اساس مدخل تنظیم شده‌اند، بهتر می‌شود در آن‌ها مقالاتی یافت که راهنمای خوبی برای محقق و پژوهشگر در امر یافتن پیشینه هاست.

یافتن مداخل مرتبط با موضوع پژوهش سبب می‌شود تا محقق با ادبیات تحقیق در آن حوزه و قلمرو آشنا شود و همچنین منابع دسته اول و قابل اعتماد و معتبر را به دست بیاورد.

باید توجه داشت که پیشینه همیشه به صورت مکتوب نیست. گاهی برخی تحقیقات که انجام می‌گیرد هیچ رساله و پایان‌نامه و مقاله و کتابی از آن منتشر نمی‌شود و این دلایل مختلفی دارد از جمله: محرمانه بودن. خیلی تحقیقات هستند که محرمانه اند و برای دستگاه‌های مختلف انجام می‌گیرد و نتایج آن منتشر نمی‌شود. اما اگر شخصی محقق آن را بشناسد می‌توان از آن محقق در مباحث روشی و فرضیه و سوال و... راهنمایی گرفت. لذا پیشینه‌ی تحقیق را گاهی به گونه‌ای بیان می‌کنند تا دربردارنده‌ی مصاحبه هم بشود. مثلاً برخی کتاب‌ها از آن تحت عنوان مطالعات اکتشافی نام می‌برند. مطالعات اکتشافی مطالعاتی هستند که شخص قبل از شروع کار برای صورت بندی مجهول خود و برای پیدا کردن مدل‌ها و مفاهیم و اصطلاحات یا روش‌های جمع‌آوری داده یا روش‌های تحلیل داده می‌تواند به آن‌ها مراجعه کند.

و گاهی هم پیشینه را به نام مرور ادبیات تحقیق (Lecture Review) نام می‌برند. البته اگر چه که در این بحث‌ها واژه‌ی ادبیات تحقیق را عام‌تر از بحث پیشینه‌ی تحقیق به کار می‌بریم. ادبیات تحقیق می‌تواند شامل: پیشینه‌ی تحقیق، مبانی، چارچوب نظری، مدل تحقیق و نظریه‌های کلان بشود.

## تفاوت پیشینه‌ی تحقیق و پیشینه‌ی موضوع

در پروپوزال بسیاری از دانشجویان و طلاب بین این دو خلط می‌شود. آن چیزی که در یک تحقیق و پژوهش لازم است به آن پرداخته شود پیشینه‌ی تحقیق است. در امر پژوهش پیشینه‌ی موضوع به اندازه‌ی پیشینه‌ی تحقیق ضروری نیست و با پیشینه‌ی تحقیق فرق می‌کند.

پیشینه‌ی موضوع ناظر به تغییر و تحولات و تحقیقاتی است که درباره‌ی این موضوع قبلاً اتفاق افتاده و انجام شده است. به خصوص در تحقیقات فقهی و اجتهادی خیلی لازم است که به این پیشینه‌ی موضوع هم پرداخته شود. یعنی پس از اتمام کار پیشینه‌ی تحقیق و گرفتن نتایج آن، محقق می‌تواند به پیشینه‌ی موضوع بپردازد.

مثلاً در بحث بیع خون می‌توان یک گزارشی از موضوع بیع خون از ابتدای شکل‌گیری بحث اجتهاد در فقه شیعه، در کتب مختلف و به مرور زمان گزارشی جامع و مختصر تهیه کرد. یا همچنین مثلاً در بحث خمس، حالا چه مصرف آن و یا وجوب آن.

## کاربرد پیشینه‌ی موضوع

در دو زمان فاصله‌ی تاریخی افتاده و این سبب می‌شود بعضی مسائل آن طور که باید درک نشود. اصطلاحاً به یکی زمان صدور و دیگری زمان فهم گفته می‌شود.

وقتی محقق سراغ آیات و روایات می‌رود، آن‌ها را از یک دالان تاریخی بیش از هزارساله دارد می‌بیند و این فرق می‌کند با آن که فهم امروزی بخواهد یک متن ۱۴۰۰ سال پیش را تفسیر بکند. درست این است که ابتدا فهم و تفسیر مخاطبان این متن در زمان صدور به دست بیاید و سپس تطورات آن بررسی شود و نهایتاً به یک تفسیر و فهمی از آن متن دست یافت. لذا شاید کاربرد بررسی پیشینه‌ی تحقیق به خصوص در تحقیقات فقهی و اجتهادی این باشد که محقق را به فهم بهتری از متن برساند.

یک بخش یا تمام موضوعی که محقق به آن می‌پردازد از جمله صورت بندی پرسش و مدل و ... نیازمند کسب آگاهی‌ها و اطلاعات تاریخی است که این بحث مراجعه به منابع تحقیق است و نمی‌توان صرفاً به مراجعه به مقالات معاصر اکتفا کرد. مثلاً در همین بحث خمس، باید حتماً در هنگام بررسی پیشینه‌ی موضوع به کتاب‌های فحول فقهی ما در ابتدای زمان اجتهاد مثل شیخ مفید و شیخ طوسی مراجعه کرد و دید این بزرگان در موضوع مورد تحقیق چه نظراتی داشته‌اند. لذا مبحث پیشینه‌ی موضوع به لحاظ

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

اطلاعات و داده‌ها هم می‌تواند به محقق کمک بکند. یا مثلاً تمام اطلاعاتی که در زمینه‌ی خرید و فروش خون از صدر اجتهاد تا کنون تالیف شده‌اند می‌توانند به عنوان منبع پیشینه‌ی موضوع لحاظ شده و برای خواننده‌ی تحقیق گزارش شوند.

همچنین بررسی پیشینه‌ی موضوع می‌تواند مراد جدی معصوم در زمان صدور را مشخص کند و برای افتاء و اجتهاد هم امری کاملاً موجه است.

یکی دیگر از کارکردهای آن هم این است که مسئله را برای محقق روشن و شفاف می‌کند و اینگونه می‌توان مجهول را بهتر صورت بندی کرد، چون بعضی مسائل در زمان‌های مختلف یکسان است و محقق فکر می‌کند چون زمان عوض شده لزوماً حکمش هم عوض می‌شود.

### تفاوت پیشینه‌ی تحقیق و منابع تحقیق

گاهی دیده می‌شود در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و مقالاتی که یک محقق منبعی را هم در پیشینه و هم در منابع آورده است. و یا زیاد اتفاق می‌افتد - خصوصاً در مباحث فقهی - که در لیست پیشینه‌ی تحقیق تعداد زیادی کتاب‌های مختلفی را توضیح می‌دهند در حالی که این‌ها پیشینه نیست بلکه منابع است. لذا باید فرق منابع تحقیق را هم با پیشینه‌ی تحقیق دانست.

پیشینه‌ی تحقیق گزارش تحقیق است (تحقیق در برابر تالیف و تدوین) که مساله و سوال و روش داشته است. مراجعه به پیشینه به همین دلیل است که معلوم شود سوال محقق چه بوده و از چه روشی استفاده کرده و چطوری جمع‌آوری داده کرده و چطوری تحلیل داده کرده است. فرضیه دارد یا ندارد، نتایج را به چه صورتی استخراج کرده.

محقق در پیشینه‌ی تحقیق به دنبال چنین اموری که ذکر شد است.

اما منابع، مثل موارد مذکور مساله محور و روش‌مند نیستند و بیشتر جنبه‌ی تالیفی و گزارشی را دارند و هدف از مراجعه به منابع جمع‌آوری داده است. لذا در منابع محقق مثل پیشینه دنبال روش و مدل مفهومی و تکنیک برای تحلیل داده نیست بلکه فقط می‌خواهد داده جمع کند.

سوال: آیا می‌توان از یک گزارش پژوهش استفاده‌ی داده‌ای کرد؟

بله ممکن است، در این حال محقق به روش و مدلس کاری ندارد بلکه نتایجی که در آن تحقیق به دست آمده - یعنی داده‌های تولیدی - برایش اهمیت دارد و در این صورت گزارش نقش منابع را دارد.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

سوال: آیا می‌توان از یک مکتوب یا گزارش، هر دو استفاده‌ی پیشینه‌ای (استفاده از مکانیزم روشی) و منابعی (استفاده از داده‌ها) انجام گیرد؟

بله ممکن است یک مکتوب یا مقاله را هم به عنوان پیشینه در تحقیق ذکر کنند و هم به عنوان منابع، اما در این صورت باید در پیشینه قید شود که از این مقاله افزون بر استفاده‌ی روشی، استفاده منبعی هم صورت گرفته است.



## جلسه بیست و چهارم

### پیشینه تحقیق (۴)

#### کاربرد و اهداف پیشینه تحقیق

به عنوان مقدمه انسان‌ها متعددی بر روی موضوعات متفاوتی مطالعه و کار میکنند. بررسی مطالعات پیشین و به دست آوردن نتایج آن‌ها توسط محقق سبب می‌شود با روش‌ها و تکنیک‌هایی که در تحقیقات قبلی انجام گرفته آشنا شود و دیدگاه‌های متفاوتی که ممکن است از مساله مورد نظر مطرح شده و همچنین تبیین موضوع یا پیش‌بینی آن و اینکه به طور Case Study مطالعه شده یا تطبیقی و مقایسه‌ای مطالعه کردند. همینطور رویکردهایی که نسبت به این موضوع در تحقیقات مختلف منعکس شده محقق را یاری می‌دهد در انجام تحقیق و همینطور اینکه خطاهای سابقین را تکرار نکند. این مراجعه به تحقیقات گذشته و دیگران کاری است که عقلا هم به آن سفارش می‌کنند.

(۱) شاید یکی از مهمترین اهداف یا کارکردهای بررسی پیشینه تحقیق این است که محقق بهتر و دقیق‌تر مفاهیم مساله تحقیق خود را می‌شناسد و کمک می‌کند محقق بیانی روشن و واضح و دقیقی از مساله تحقیق خود ارائه کند.

معمولا هنگامی که محقق مساله‌ای را صورت بندی می‌کند نسبت به آن خام است و اطلاعات چندانی ندارد اما مطالعات در آن زمینه و بررسی تحقیقات سابق سبب می‌شود که زوایای مختلف مساله برای محقق آشکار و فهم شود تا بتواند روشن‌تر مساله خود را صورت بندی کند.

(۲) هدف یا کاربرد دیگر این است که وقتی تحقیقی انجام می‌گیرد، این تحقیق در یک جزیره و مجزای از آثار سابق تولید نمی‌شود. لذا قطعاً باید نسبت به تحقیقات و پژوهش‌های قبلی ارتباطی برقرار کند. ارتباط دادن این تحقیق با مطالعات سابق در همین موضوع که توسط دیگران انجام شده است، توسط پیشینه‌ی تحقیق صورت می‌گیرد. یعنی پیشینه‌ی تحقیق پلی ارتباطی است بین این تحقیق و تحقیقاتی که دیگران در این مساله انجام داده‌اند و نادیده گرفتن این پیشینه به این معناست که محقق نمی‌داند تا کجا علم پیش رفته و تا کجا این مساله روشن شده، که بخواهد ادامه‌ی این مسیر را طی کند.

اگر تحقیق کمی است - چون در آن چارچوب نظری و مدل تحلیل نیاز است - یکی از راه های به دست آوردن چارچوب نظری پیشینه‌ی تحقیق است.

به طور کلی سه راه برای به دست آوردن چارچوب های نظری وجود دارد:

یک. انتخاب: یعنی یک چارچوب نظری از بین چارچوب نظری های تحقیقات سابق انتخاب شود. لازمه‌ی این انتخاب بررسی تحقیقات قبلی است.

دو. ترکیب (تلفیق): یعنی در چارچوب نظری های موجود در رابطه با تحقیق در این موضوع مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بین دو یا چند چارچوب نظری ترکیب و تلفیق انجام گیرد. این روش ترکیب هم نیازمند بررسی پیشینه‌ی تحقیق است.

سه. ابداع: یعنی محقق بتواند یک چارچوب برای تحقیق خودش ابداع و ایجاد بکند. طبیعتاً ابداع هم تا چارچوب های موجود بررسی نشود معنا پیدا نمی‌کند لذا ابداع هم نیازمند بررسی پیشینه‌ی تحقیق است.

(۳) همچنین محقق باید برای تحقیق خود یک روشی هم داشته باشد، که روش یعنی تکنیک جمع‌آوری داده و تکنیک تحلیل داده. لذا برای گزینش تکنیک‌های جمع‌آوری و تکنیک‌های تحلیل آشنایی با تحقیقات سابق ضروری و لازم است.

نکته: هر تکنیک جمع‌آوری و هر تکنیک تحلیلی برای هر موضوعی و هر پژوهشی مناسب نیست. یعنی محقق باید ببیند کدام تکنیک برای تحقیقش مناسب است. یکی از راه‌های فهم مناسب بودن این تکنیک بررسی پیشینه‌ی تحقیق است.

(۴) پیشینه‌ی تحقیق روش‌های شناخت خلاء های تحقیقات قبلی را هم به محقق نشان می‌دهد. بالاخره هر تحقیق و پژوهشی یک نقاط ضعف و خلاء‌هایی دارد، که با بررسی پیشینه‌ی تحقیق این‌ها مشخص شده و محقق با اجتناب از آن‌ها اجازه‌ی تکرار به این نقاط ضعف در تحقیق خود نمی‌دهد. این امر سبب قوت تحقیق و ارتقای سطح آن می‌شود.

(۵) گاهی بررسی پیشینه‌ی تحقیق برای محقق فایده‌ی شناختی و معرفتی به همراه دارد. یعنی یافته‌های تحقیقات سابق می‌تواند به عنوان داده‌های این تحقیق تلقی شود، یعنی به عبارت دیگر تحقیقات سابق هم می‌توانند پیشینه‌ی این تحقیق باشند و هم منابعی برای آن.

(۶) یکی دیگر از کاربردهای پیشینه این است که محققانی را که در این زمینه و موضوع تلاشی کرده‌اند به محقق معرفی می‌کند. و ارتباط با این محققان فرصت بسیار مغتنمی برای استفاده از تجربیات آن‌هاست.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

۷) از فواید دیگر بررسی پیشینه تدوین یا ایجاد فرضیه هاست. در تحقیقات کمی، محور تحقیق (دلیل تحقیق) فرضیه‌ها هستند و صورت بندی فرضیه در تحقیق کمی بسیار اهمیت دارد. لذا بررسی پیشینه موجب نظم دادن به فرضیه‌ها می‌شود.

۸) اهمیت و ضرورت و اهداف تحقیق هم با بررسی پیشینه به دست می‌آید.

اگر محقق در موضوع مورد تحقیق خود حدود بیست مقاله و پنج شش کتاب خوب پژوهشی مطالعه کند، قطعاً این تحقیق یک تحقیق نو و قوی خواهد بود. اما اگر پیشینه امری تشریفاتی و تجملی در نظر گرفته شود و فقط به پرکردن صفحات با معرفی چند کتاب و مقاله اکتفا شود، قطعاً این هیچ تاثیری در کیفیت پژوهش و تحقیق نخواهد داشت و همین است که بسیاری تحقیقات افت می‌کنند.

محقق در تحقیقات اجتهادی و فقهی افزون بر بررسی پیشینه‌ی تحقیق، نیازمند اطلاع از آراء و نظرات فقها و مجتهدین سابق نیز هست و باید آن را قطعاً مورد بررسی قرار دهد و کاری کتابخانه‌ای است، یعنی باید داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز برای شناخت موضوع از میان کتب فقهی و گزارشات تحقیقات قبلی به دست بیاید.

این به دست آوردن آراء مجتهدین قبلی به روش کتابخانه‌ای همان تاریخچه یا پیشینه‌ی موضوع است که در تحقیقات اجتهادی و فقهی افزون بر تحقیقات دیگر باید انجام بگیرد. و هم پیشینه‌ی تحقیق و هم -پیشینه یا- تاریخچه‌ی موضوع با هم ذیل مرور ادبیات تحقیق قرار می‌گیرد.

## جلسه بیست و پنجم

### جمع آوری داده‌ها (۱)

دو گام (مرحله) از روش تا به حال بیان شد:

(۱) صورت بندی مساله یا پرسش تحقیق

(۲) بررسی پیشینه تحقیق یا مرور ادبیات تحقیق

حالا نوبت گام سوم است ، که این گام هم سبب تفاوت در تحقیقات کمی و کیفی می‌شود و همچنین باعث می‌شود خود تحقیقات درون تحقیقات کمی و کیفی هم طبقه بندی شوند.

سومین گام (مرحله) از تحقیقات کیفی جمع آوری داده است. قبلا بیان شد که بحث این جلسات یعنی روش تحقیق اجتهادی (که گاهی هم گریزی به مباحث روش تحقیق فقهی زده شد) از روش های کیفی است.

گرچه که اگر بنا بود جلسات بر اساس الگوریتم روش تحقیق کمی جلو برود، سومین مرحله از آن طراحی چارچوب نظری تحقیق بود و مرحله‌ی پنجم به جمع آوری داده اختصاص داشت.

تفاوت دیگر روش کمی و کیفی در خود مرحله‌ی جمع آوری داده است، به این صورت که تکنیک جمع آوری داده در تحقیقات کیفی اغلب به صورت تحقیق اسنادی (کتابخانه‌ای) است اما تکنیک جمع آوری داده در تحقیقات کمی اغلب به صورت تحقیق میدانی (پیمایش) است.

جمع آوری داده در واقع ورود یک سری اطلاعات و داده به ذهن انسان است تا بعد تحلیل شوند. و ورودی ذهن انسان از دو طریق شنیداری و دیداری (مشاهده‌ای) است. مثلا مصاحبه یک ورودی داده‌ی شنیداری است و تحقیق اسنادی (کتابخانه‌ای) یک ورودی دیداری است.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

لذا می‌توان گفت تمام تکنیک‌های جمع‌آوری داده یا دیداری هستند و یا شنیداری. مثلاً غالب روش تحقیق اجتهادی و فقهی قطعا اسنادی و کتابخانه‌ای هستند - و میدانی نیستند - و لذا قطعا در دسته‌ی دیداری (مشاهده‌ای) قرار می‌گیرند.

## معنای داده و اطلاعات

باید اشاره کرد از حیث معرفت‌شناسی بین داده (Data) و اطلاعات تفاوتی گذاشته می‌شود. داده‌ها همان فکت‌ها (Fact) یا واقعیت‌ها هستند که گاهی با واسطه‌ی پردازش اطلاعات (Information) و گاهی مستقیم تبدیل به معرفت (Knowledge) می‌شوند. و بعد از این است که مرحله‌ی تولید علم یا تصمیم‌گیری است که اصطلاحاً به آن مرحله‌ی Decisions یا تصمیمات گفته می‌شود.

بنابراین با توضیحات مذکور داده عبارت است از هرگونه شکل، نمودار، عدد، متن، واقعیت و شیء که به خودی خود (بنفسه) و مستقلاً برای شخص معنایی ندارد و به تعبیری داده‌های خام هستند. لذا برای استفاده از آن‌ها حتماً باید پردازش شوند که در مرحله‌ی تحلیل و پردازش توضیح داده خواهد شد.

در تحقیقات کیفی داده در واقع همان اطلاعات یا فراوانی یک چیز در متن است، مثلاً لفظ الله یا رب در قرآن چگونه و چند بار به کار رفته است که اینجا کلمه یک داده است. یا اعدادی که در قرآن یا روایات به کار رفته چه اعدادی است که این عدد هم یک داده است و بعداً باید پردازش شود. یا مثلاً آیاتی که لفظ اصلاح در آن به کار رفته است یک داده و اطلاعات خام است که از آن استفاده‌ی مستقیمی نمی‌توان کرد و نیاز به پردازش دارد.

فحص در تحقیقات اجتهادی یا فقهی معادل همین جمع‌آوری اطلاعات و داده در روش تحقیق‌های مرسوم و کلاسیک است. در تعریف فحص می‌گویند: فحص جستجو در کتاب و سنت برای یافتن آموزه‌های اسلامی و دینی مرتبط با یک موضوع است.

و معروف است که می‌گویند قوام اجتهاد به دو چیز است: نظر و فحص. که نظر بیشتر همان جنبه‌ی پردازش و تحلیل را داراست و فحص که بیان شد جمع‌آوری اطلاعات و داده است.

در همین باره عبارتی از حضرت امام (ره) وجود دارد که: فحص در آیات و روایات مهمترین و لازم‌ترین رکن مقدمات اجتهاد است. که در همین فحص باید قرائن و معارض‌ها و عام و خاص‌ها و هر آنچه که برای پردازش اطلاعات لازم است باید به دست آورده شود. و ایشان معتقد بودند که این فحص کامل نمی‌تواند

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

بشود مگر با انس با آیات و روایات و خود این انس هم ناشی از فحص است - که یک نوع رابطه‌ی دوری (به اجمال و تفصیل) دارند - . و این هم سبب فهم زبان قرآن و روایات و همچنین آشنایی با فرهنگ معصومان می‌گردد.

سوال: در تحقیقات اجتهادی و فقهی فحص تا چه میزان لازم است؟

اصولیون می‌گویند فحص و جستجو به اندازه‌ای لازم است که منجر به حصول علم یا اطمینان بشود که مثلا دیگر در آیات و روایات مخصّص یا مقید یا هر نوع قرینه‌ای در آن موضوع وجود ندارد. همان چیزی که قبلا تحت عنوان اشباع تئوریک از آن یاد شد.

## جلسه بیست و هشتم

### جمع آوری داده‌ها (۲)

#### معرفی تکنیک مصاحبه

در جمع آوری داده در تحقیقات کمی، تکنیک جمع آوری پرسشنامه است. توضیحات حول تهیه پرسشنامه و مراحل آن که محقق باید بگذراند تا به پرسشنامه‌ای معتبر برسد، بحث بسیار مفصلی است که محل توجه این سلسله جلسات نیست.

باید دانست که جمع آوری داده‌های کیفی به صورت استکشافی - استقرائی است. در تحقیقات استقرائی اول جمع آوری داده انجام می‌گیرد و سپس به یک الگو و مدل و نظریه می‌رسند.

همچنین مرحله‌ی تجزیه و تحلیل در تحقیقات کیفی بسیار عمیق است و لذا گفته می‌شود تحقیقات کیفی ژرفا نگر (عمیق نگر) هستند و مثل تحقیقات کمی سطحی نگر نیستند.

و تکنیک‌های جمع آوری داده‌های کیفی مبتنی بر بینش، استدلال، ارزش‌ها و انگیزه‌ی محقق می‌باشد و این علاوه بر جمع آوری، در تحلیل داده‌ها اثرگذار است. و عمیق بودن تحقیق کیفی هم به خاطر همین امور است.

اما در روش تحقیق کیفی چند تکنیک معروف و مشهور جمع آوری وجود دارد که در این جلسه فقط در حد معرفی بیان خواهند شد:

- (۱) مصاحبه
- (۲) گروه‌های کانونی (مرکزی)
- (۳) اسناد و مدارک
- (۴) مشاهده
- (۵) مشاهده‌ی طولی
- (۶) مشارکت

برخی از این تکنیک‌ها با هم قابل ادغام هستند یا می‌توان تکنیک‌هایی به این‌ها اضافه کرد و منحصر در همین چند مورد نیست.

## معرفی تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق کیفی

یک. مصاحبه

- مصاحبه معروف‌ترین و عمده‌ترین و رایج‌ترین تکنیک جمع‌آوری در داده‌های کیفی است. حتی بسیاری تحقیقات کیفی که با تکنیک‌های دیگر انجام می‌شود، برای تکمیل کار از مصاحبه استفاده می‌کنند.
- در دو مقام مصاحبه انجام می‌گیرد: یکی در مقام بررسی پیشینه‌ی تحقیق (یا مرور ادبیات تحقیق و مطالعات اکتشافی) و دیگری در مقام جمع‌آوری داده انجام می‌گیرد.

○ در مقام بررسی پیشینه، هدف مصاحبه‌کننده کسب اطلاعات روش‌شناختی برای تحقیق خود است و مصاحبه‌شونده هم محقق و صاحب نظر است - که قبلاً بر روی موضوعی نزدیک به موضوع این تحقیق کار کرده اما یا گزارش تحقیقش منتشر نشده یا گزارشش ابهاماتی داشته که نیاز بوده با مصاحبه برطرف و تکمیل شود.

همچنین مصاحبه‌ی در مقام اکتشاف حول فرضیه‌های آن تحقیق، پرسش اصلی و فرعی آن تحقیق، روش استفاده شده در انجام تحقیق، موانع تحقیق، پیشنهاداتی که در تحقیق به دست آمده و چنین مواردی است که مصاحبه‌شونده باید پاسخ دهد. لذا محقق مصاحبه‌گیرنده به دنبال جمع‌آوری داده نیست و فقط می‌خواهد کار تحقیقات گذشته را تکرار نکند یا با بن‌بست‌های تحقیقات گذشته برخورد نکند.

○ اما مصاحبه‌ی در مقام جمع‌آوری داده به دنبال کسب داده‌ها و اطلاعات است. مثلاً انسان‌هایی در یک پدیده‌ی اجتماعی مثل انقلاب یا جنگ مشارکت داشته‌اند، و قرار است تحقیقی حول آن پدیده انجام شود. اینجا مصاحبه‌شونده لزوماً محقق و صاحب نظر نیست بلکه ممکن است فردی عادی و صرفاً یک ناظر و مشارکت‌کننده باشد و قرار است از طریق مصاحبه زوایایی از آن پدیده روشن گردد.

○ در تحقیقات اجتهادی چون مبتنی بر متن است، چندان امکان مصاحبه وجود ندارد اما در تحقیقات فقهی این کار ممکن است. مثلاً با شخصی که قبلاً در مورد حلیت ماهی خاویار تحقیقی انجام داده می‌توان مصاحبه‌ی اکتشافی کرد و نقاط ابهام و مباحث روش‌شناسی را جویا شد. یا در مقام مصاحبه برای جمع‌آوری داده می‌توان با متخصصین ماهی‌شناسی



مصاحبه کرد تا اطلاعاتی در آن زمینه جمع‌آوری گردد، مثلا آیا ماهی خاویار دارای پولک  
(فلس) هست یا خیر.

لذا در بحث‌های فقهی هم می‌توان اینگونه کسب اطلاعات کرد.

- مصاحبه می‌تواند به صورت رسمی یا غیر رسمی باشد. همچنین مصاحبه می‌تواند ساختارمند و نظام‌مند یا بدون نظام باشد، یعنی همراه با سوالات و قواعد منظمی باشد یا صرفاً به صورت گفتگو و گپ باشد.
- یک نوع سوال در مصاحبه‌های جمع‌آوری داده مصاحبه با سوالات باز است. مصاحبه با سوالات باز، مصاحبه خوبی نیست مگر اینکه مصاحبه عمیقی انجام بشود. یعنی در عین باز بودن سوالات، مصاحبه گیرنده با هدایت‌هایی که انجام می‌دهد مصاحبه شونده را در لایه‌های عمیق معرفتی ببرد. بعد اطلاعاتی را از مصاحبه شونده اخذ کند که بدون سوال کردن، هیچ مطرح نمی‌کرد و اینگونه اطلاعات لایه‌های زیرین ذهنی او برملا بشود.
- نوع دیگری از سوال، سوالاتی است که خودجودش و بالبداهه به ذهن مصاحبه کننده می‌رسد. البته این هم می‌تواند ذیل همان مصاحبه با سوالات باز قرار بگیرد، اما این سوالات در اثناء مصاحبه تولید می‌شود. معمولاً به کمک این سوالات بالبداهه هست که مصاحبه کننده، جریان مصاحبه را به سمت و سویی که منظور بوده و به هدفش نزدیک می‌کند بتواند هدایت کند.
- در تحقیقات فقهی با چه کسانی باید مصاحبه کرد؟  
مثلاً در تحقیق حول سن بلوغ دختران و آثار فیزیولوژیکی‌ای که در این سن برای دختران پدید می‌آید، با سه گروه می‌توان مصاحبه کرد:

(۱) محققان: کسی که قبلاً در این موضوع تحقیق کرده حالا می‌تواند در جمع‌آوری اطلاعات کمک کند.

(۲) موارد موضوع تحقیق: مثلاً از خود دختران بالغ مصاحبه گرفت و پرسید از چه زمانی از نظر جسمی در خودت احساس تغییر و تحول داشتی. می‌توان این دختران را از جغرافیایها و نژادهای مختلف و همچنین فرهنگ‌های مختلف، شهر و روستا و عشایر انتخاب کرد.

(۳) متخصصان در موضوع: مثلاً پزشکانی که تخصص مرتبط با مباحث فیزیولوژی زنان و دختران دارند.

یا مثلاً تحقیق جامعه‌شناختی در رابطه با یک مشکل جوانان که با سه گروه می‌توان مصاحبه کرد:

(۱) محققان و صاحب نظران

(۲) موارد موضوع تحقیق: خود جوانانی که آن مشکل را دارند مثلاً بیکاری یا اعتیاد

(۳) متخصصان در موضوع: مدیران اجرایی مرتبط با امور جوانان

## جلسه بیست و هفتم و بیست و هشتم

### جمع آوری داده‌ها (۳)

#### معرفی تکنیک‌های دیگر

#### خلاصه‌ی گفتار گذشته

در مورد جمع آوری داده‌ها بیان شد که داده‌ها آن اطلاعات یا چیزهایی هستند که محقق بر پایه‌ی آن‌ها استدلال می‌کند و بعد از استدلال به تجزیه و تحلیل می‌پردازد. داده‌ها و اطلاعات از منابع جمع آوری می‌شوند و طیف وسیعی از جمله: حوادث و وقایع، اشیاء، افراد، تجارب شخصی، اسناد و مدارک را دربرمی‌گیرند. پس برای جمع آوری اطلاعات، در قدم اول باید منابع اطلاعاتی ضروری شناسایی شود. سپس بر اساس تکنیک‌های جمع آوری باید به جمع آوری داده‌ها پرداخت.

در تحقیقات کیفی، جمع آوری به صورت استقرائی و اکتشافی است. روش‌های جمع آوری در تحقیق کیفی مبتنی بر بینش، استدلال، هدف و انگیزه‌ی محقق است، لذا تحقیق کیفی از عمق برخوردار خواهد بود.

#### معرفی تکنیک‌های جمع آوری اطلاعات در تحقیق کیفی

در میان تکنیک‌های معروف جمع آوری داده در روش تحقیق کیفی، مصاحبه به طور مختصر معرفی شد.

یک. مصاحبه

دو. گروه‌های کانونی (متمرکز / مرکزی)

- برای اجرای این تکنیک ابتدا محیطی آماده شده و سپس گروهی را به آن محیط دعوت می‌کنند تا بحث کنند. این گروه معمولاً بین ۶ تا ۱۰ نفر هستند که یک نفر مدیریت (مدیر یا ناظر) گروه را بر عهده دارد و او بحث‌ها را تعدیل می‌کند و همچنین وقت را مدیریت می‌کند.

- هدف اولیه در این تکنیک به چالش کشیدن یک موضوع در بین افراد شرکت کننده است و مدیر از این بحث و چالش یک سری اطلاعاتی را جمع آوری می کند. مدیر در این موارد خود محقق است که در حال تحقیق در مورد موضوعی است.
- اصطلاحا بیان می شود که در گروه های کانونی باید چالش، بارش و تورش اتفاق بیفتد. به این معنا که مدیر باید با طرح موضوع و چالشی کردن مساله، اعضا را به چالش بکشانند تا افراد موضع ها و دیدگاه های مختلفی را بروز دهند. همچنین به استدلال های مختلفی که در بیان دیدگاه ها مطرح می شود اصطلاحا بارش می گویند. در میان بارش فکری اعضا، محقق (مدیر) باید اطلاعات مورد نیاز تحقیق خود را جمع آوری کند که اصطلاحا به آن تورش می گویند.
- بعد از تورش اطلاعات، محقق باید دیدگاه های مشترک و متفاوت و همینطور تعداد دیدگاه ها را مشخص کند. همچنین استدلال های هر دیدگاه و نقدهای وارد به آن ها را به دقت ثبت کند.
- در روش تحقیق اجتهادی یا فقهی هم مثلا: محقق در مورد خرید و فروش اعضای بدن در حال مطالعه است. او می تواند یک گروه کانونی از فقها و طلاب دارای قوهی فقهی و کسانی که قبلا در این موضوع تحقیقاتی داشته اند را دعوت کند و بعد مساله را به طور چالشی در میان آن ها مطرح کند. سپس احکام و استدلال های مطرح شده و همین طور نقدهای وارد شده را به دقت ثبت نماید. یکی از روش های ایجاد چالش هم این است که مدیر تفصیلاتی از مساله را طرح نماید.

### سه. بررسی اسناد و مدارک

- این تکنیک عمده ترین تکنیک جمع آوری داده در تحقیقات فقهی و اجتماعی می باشد. وقتی گفته می شود اسناد و مدارک، این فقط شامل صرفا متون مکتوب نیست بلکه شامل آثار، ابزار آلات، اشیاء قیمتی (زیر خاکی)، کتیبه ها، ابنیه های تاریخی و... هم می شود. اما محل بحث اینجا بر سر اسناد و مدارک مکتوب و معتبر است که شامل کتاب، مقاله، پایان نامه، شرح حال، خاطرات، زندگینامه ها و اسناد رسمی (مثلا مراکز قانون گذاری یا فقهی) می باشد.
- عمده ی اسناد و مدارکی که مورد توجه است امروزه در کتابخانه ها جمع می شوند و البته این شامل کتابخانه های فیزیکی (سنتی) و الکترونیکی و پایگاه ها و سامانه های اینترنتی می شود.

چهار. مشاهده

- این تکنیک در اکثر تحقیقات از جمله کمی و کیفی و فقهی (ولی اجتهادی نه) قابل استفاده است. در این تکنیک محقق خود را در محیطی که مورد مطالعه است قرار می‌دهد و به رفتار و گفتار افراد محیط توجه کرده و آنچه را که درصد یافتن آن است می‌بیند و می‌سنجد و یادداشت می‌کند.
  - در این تکنیک محقق در محیطی بدون مشارکت در پدیده، فقط به عنوان یک مشاهده‌گر تلقی می‌شود. مثلاً محقق می‌خواهد رفتار و گفتار کارمندان بانک را بررسی کند تا معلوم شود این رفتار و گفتار قرینه و شاهدی بر صدق معاملات ربوی است یا خیر. او به صورت میدانی برای تحقیق فقهی خود اطلاعات جمع‌آوری می‌کند.
  - یک ابزار مهم مستندسازی در تکنیک مشاهده، یادداشت برداری است که محقق بعداً می‌تواند نتیجه‌ی تحقیق خود را به این یادداشت‌ها مستند کند. همچنین برای مستند سازی نتایج کار می‌شود این امور به صورت صوتی و ویدیویی ضبط گردد یا عکاسی شود.
  - پس مشاهده، ثبت دقیق همه‌ی رفتارها و گفتارها و روابطی است که در میدان توسط محقق ثبت می‌شود. و ثبت این اطلاعات با ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد. امروزه نتیجه‌ی خیلی تحقیقات به صورت فیلم مستند درمی‌آید و لزومی نیست که همیشه گزارش تحقیق به صورت مکتوب منتشر شود.
- نکته: اگر این روش مستند سازی هم بخشی از روش‌های تحقیقات حوزوی قرار بگیرد، خیلی مفید خواهد بود. مثلاً در بحث خرید و فروش اعضای بدن به جای نوشتن کتاب یا مقاله از این روش ساخت مستند استفاده شود. که این مستند در حقیقت خروجی و گزارش یک تحقیق است که داده‌های آن به صورت مشاهده میدانی جمع‌آوری شده است.

پنج. مشاهده‌ی طولی

- گاهی می‌شود یک پدیده در بین یک نسل از افراد مورد مشاهده قرار می‌گیرد. مثلاً در موضوع گرایش به معنویت از سنین کودکی و سپس نوجوانی و جوانی و میانسالی و پیری مشاهده صورت می‌گیرد. یعنی رفتار دینی گروه مشخصی از افراد در دهه‌های مختلف زمانی از زندگی‌شان به طور مکرر و در یک دوره طولانی مدت زمانی مورد مشاهده قرار بگیرد.

نکته: البته لازمه این چنین تحقیقاتی این است که به صورت گروهی و تیمی انجام بگیرد تا اگر در گذر زمان برای شخصی از محققین حادثه‌ای پیش آمد، باقی افراد تحقیق را ادامه بدهند.

- این تکنیک و روش جمع‌آوری اطلاعات با هدف ارتباط برقرار کردن از طریق یک مطالعه‌ی تجربی بر روی افرادی با صفات مشترک انجام می‌گیرد. یک مثال فقهی هم برای آن این است که بحث پایبندی به تکالیف دینی در چهل سال دوم انقلاب در بین گروه معینی از مردم مورد بررسی قرار بگیرد.

#### شش. مشارکت

- در تکنیک مشارکت دیگر مثل مشاهده، شخص محقق فقط مشاهده‌گر و نظاره‌گر و منفعل نیست، بلکه او هم بخشی از جامعه‌ی آماری و مورد مطالعه هست و در حین انجام دادن زندگی خاص خود، تحقیق خود را نیز انجام می‌دهد.
- مشارکت ترکیبی از دیدار و شنیدار است، که محقق هر آنچه می‌بیند و می‌شنود را یادداشت می‌کند و همینطور رفتارها و آنچه زندگی می‌کند را یادداشت می‌کند. سپس در مرحله‌ی تحلیل از این یادداشت‌ها استفاده خواهد کرد.

دو نوع مشارکت وجود دارد:

- یک نوع اینکه فردی در یک میدان و جامعه‌ی آماری دارد زندگی می‌کند و ناگهان یک پدیده‌ای مثل جنگ یا انقلاب یا شورش رخ می‌دهد، و این شخص شرح وقایعش را ثبت می‌کند.

این شخص در واقع خودش یک انقلابی یا رزمنده یا اسیر بوده و نه اینکه به خاطر تحقیق وارد چنین میدانی شده باشد. یعنی او در کنار درگیر شدنش با آن پدیده، به جمع‌آوری و ثبت اطلاعات نیز پرداخته است. این نوع از تکنیک مشارکت معمولاً کم است.

مثلاً آقای دکتر ویکتور فرانکل که جزء اسیران جنگ جهانی دوم در دست نازی‌ها بود. این شخص که دکترای روانشناسی داشت اسیر شده بود و تصمیم گرفت در دوران اسارت روی یک موضوع روانشناسی کار کند. مساله این بود که چرا بعضی اسیرانی که از نظر جسمانی قوی‌تر هستند می‌میرند ولی برخی دیگر که به حسب ظاهر ضعیف هستند زنده می‌مانند. او این سوال را صورت بندی کرد و در نهایت به این نتیجه رسید کسانی که امیدی برای آینده دارند، فارغ از قوت جسمانی خود زنده می‌مانند. لذا متغیر زنده ماندن آن‌ها قوه جسمانی نیست بلکه معنای زندگی نزد افراد است.

یک کتاب پر مغزی از ایشان که برای مطالعه توصیه می‌شود کتاب انسان در جستجوی معنا است. این کتاب در امور تبلیغی هم مفید خواهد بود. ایشان یک مکتب معنا درمانی هم بعد از دوران اسارت خود تاسیس کرد.

○ نوع دیگر اینکه فردی اولاً و بالذات محقق است و برای پیشبرد تحقیقش، خود را وارد جامعه‌ای یا پدیده‌ای می‌کند و با افراد آن جامعه به همزیستی و همراهی می‌پردازد. و به خاطر انجام تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات است که به آن جامعه می‌پیوندد.

مثلاً: خانم مارگارت مید - که موسس رشته‌ی آنتروپولوژی یا مردم‌شناسی است - برای تدوین پایان‌نامه‌ی دکترای خود با موضوع آداب و رسوم و کنش سرخپوستان آمریکا، به جامعه‌ی سرخپوستان پیوست و به همسری رئیس یک از قبایل سرخپوستی درآمد. او یازده سال تمام هنجارها و آداب و مراسمات آن سرخپوستان را ثبت و ضبط کرد و کتاب‌های مفصلی در این باره نوشت که الان کتب مرجع رشته‌ی مردم‌شناسی در دنیا محسوب می‌شوند. او آگاهانه جامعه‌ای را برای تحقیق انتخاب کرد و پس از اتمام تحقیقات به زندگی قبلی خود بازگشت.

وجه مشترک هر دو نوع این تحقیق این است که بر خلاف محقق مشاهده‌گر، محقق اینجا در میدان تحقیق منفعل نیست و خود فعالانه در میدان تحقیق حاضر است.

• امروزه خیلی‌ها معتقدند برای فهم درست علل آسیب‌های اجتماعی باید وارد آن جامعه شد. مثلاً برای فهم علل و آسیب‌های اعتیاد، باید جزء جامعه‌ی معتادین شد تا بتوان با آن‌ها همدلی کرد و آن‌ها را فهمید، نه اینکه محقق صرفاً خود را به جای آن افراد بگذارد. یعنی فقط در صورتی می‌توان لایه‌های عمیق مساله را درک کرد که آن مساله جزء زندگی شخص محقق شود.

نکته: تکنیک‌های مشاهده، مشاهده‌ی طولی، مشارکت، گروه‌های کانونی و مصاحبه یک وجه مشترک دارند که هرچه دیده و شنیده شد باید ثبت و ضبط شود، چه از طریق یادداشت برداری چه ضبط صوتی و تصویری و البته ذیل ثبت صوتی و تصویری هم باید یادداشت برداری صورت بگیرد. چون یادداشت‌ها هستند که در مرحله‌ی تحلیل مورد تحلیل قرار می‌گیرند. و عمده تحقیقات کیفی بر روی متن انجام می‌گیرد چه اینکه از متون موجود مثل کتب و مقالات و وصایا و زندگینامه‌ها و اسناد باشد یا از متون یادداشت برداری تحقیقات باشد.

## جلسه بیست و نهم و سوم

### جمع آوری داده‌ها (۴)

#### سازمان دهی متون و معیار انتخاب متن

##### سازمان دهی متون برای جمع آوری داده

قرآن و کتب روایی محل جمع آوری داده در تحقیقات اجتهادی و فقهی است و لذا نوع داده‌ها در این تحقیقات داده‌های مکتوب است. در داده‌های مکتوب لازم است چند چیز فراگرفته شود:

○ فیش برداری: یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های جمع آوری داده های مکتوب فیش برداری (یادداشت سیستماتیک) است.

○ نوع خواندن: محقق باید در مبحث جمع آوری داده های مکتوب آموزش ببیند که چه چیزی را بخواند و چگونه بخواند و در چه شرایطی بخواند.

○ موارد مراجعه: قرآن و کتب روایی و بعضی کتب فقهی از اندیشمندان مسلمان

جمع آوری داده ها از قرآن و کتب روایی یکی از ارکان اصلی اجتهاد یا استنباط حکم شرعی است که فحص یا جستجو نامیده می‌شود. یعنی محقق باید در کتب مرتبط به حد کفایت فحص کند.

البته شاید مبحث فحص در قرآن خیلی کارآمد نباشد، چون آیات الاحکام موجود در قرآن که نوعا احکام کلی می‌باشد محدود هستند. همچنین فقها و مجتهدین معتقدند اکثر آیات قرآن تخصیص و تقیید خورده‌اند و از این رو شاید بتوان ادعا کرد آیات خیلی نقش پررنگی در اجتهاد و استنباط احکام شرعی ندارند و غالبا در موارد تمسک به عمومات و اطلاقات به کار می‌روند. از این رو احکام که به طور جزئی و خاص در فقه مطرح است بیشتر از روایات استنباط می‌شوند.

در مبحث جستجو و فحص در روایات هم آنچه که الان بین فقها و محققین مرسوم می‌باشد این است که برای جستجوی روایی، خیلی دامنهی فحص خود را گسترش نمی‌دهند و معمولا به کتاب وسائل الشیعه یا مستدرک الوسائل بسنده می‌کنند. همچنین در فرایند استنباط حکم شرعی هم ابتدا به روایاتی که از

لحاظ سندی نزد دیگران مورد پذیرش است رجوع می‌کنند. یعنی به جایی که مستقیماً به کتب روایی مراجعه و جستجو کنند، از روایاتی که فقها و عالمان گذشته در آن موضوع بیان کرده‌اند استفاده می‌کنند. این مانعی ندارد که از منابع فقهی متقدم، آیات و روایات مورد نیاز گرفته شود - مثلاً در یک موضوع روایاتی که شیخ انصاری در مکاسب استفاده کرده‌اند جمع‌آوری شود - اما به شرطی که به عنوان مکمل جمع‌آوری داده محسوب شود. یعنی در حقیقت محقق ابتدا آیات مورد نیاز از قرآن را استخراج کند. سپس با مراجعه به کتب روایی، روایات مربوطه را هم استخراج نماید. و نهایتاً برای اطمینان خاطر از این که روایتی در جستجو از قلم نیفتاده باشد، به منابع فقهی مرتبط با موضوع هم مراجعه شود تا آیات و روایاتی که فقهای قبلی برای تنقیح موضوع استفاده کرده‌اند هم بررسی شود.

برای مراجعه به کتب روایی و فقهی و اینکه با کمترین زمان بیشترین بهره نصیب محقق شود، اولین قدم این است که کتب روایی و فقهی سامان‌دهی و سازمان‌دهی شود و با یک نظم مشخصی به آن‌ها مراجعه شود. (با فرض اینکه آیات استخراج شده)

### معیارهای انتخاب متن

کتب روایی و منابع فقهی باید با دقت و از روی معیار انتخاب شوند. مثلاً الان به طور سنتی و مرسوم در تحقیقات فقهی، اول به وسائل الشیعه و بعد مثلاً به مستدرک الوسائل مراجعه می‌کنند.

اما به فرض وقتی موضوع تحقیق به گونه‌ای باشد که کمتر در این کتب روایی، روایتی برای آن موجود باشد، یا به قصد انتخاب کتب فقهی‌ای که به این موضوع نزدیک‌تر باشند، - با در نظر گرفتن وقت محدود و معین محقق برای جمع‌آوری داده‌ها -، بسیاری محققین وقتی در تعدادی کتاب داده‌ی مورد نظر خود را نیابند زود ناامید می‌شوند، به همین خاطر محقق باید در ابتدا با دقت و معیار کتب را انتخاب کند.

معیار اول: تناسب با پرسش تحقیق

بهترین معیار برای انتخاب متون تناسب با پرسش تحقیق است. با در نظر گرفتن این نکته که محقق باید دائماً بین مراحل تحقیق رفت و برگشت کند، یک معیار بازگشت به پرسش تحقیق و مفاهیم پرسش است که معیار مهمی برای جمع‌آوری داده‌ها هستند. یعنی باید دید کدام کتاب روایی و فقهی بیشترین بهره را نسبت به مفاهیم پرسش، نصیب محقق خواهد کرد. لذا بر اساس کلیدواژه‌های ماخوذ از پرسش باید به ابواب کتاب روایی و فقهی مراجعه کرد. مثلاً در نرم افزارها می‌توان به راحتی دامنه جستجو را مشخص کرد و به جمع‌آوری داده پرداخت.



نکته: خیلی مواقع بعد از جمع آوری داده معلوم می‌شود که پرسش تحقیق هم نیاز به اصلاح و تصحیح دارد - و آن رفت و برگشت در مراحل تحقیق اینجا هم نمایان می‌شود - و همچنین بعضی مواقع در مرحله پیشینه‌ی تحقیق هم زمینه‌ی اصلاح پرسش به وجود می‌آید.

#### معیار دوم: انتخاب مکتوبات کم حجم ولی عمیق

طبیعتاً محقق نمی‌تواند همه‌ی کتب روایی و فقهی که در راستای موضوع تحقیق اوست مطالعه کند، چون خواندن همه‌ی متون بسیار وقت‌گیر و سنگین و گاهی هم بی‌فایده است. لذا نیاز است که محقق برای مدیریت کار، متون خود را انتخاب و گزینش بکند.

یکی از کارها این است که محقق در وهله‌ی اول از جستجو در کتب پر حجم و گسترده اجتناب کند. مثلاً در موضوع بیع خون یک بار محقق در مقام جمع آوری داده به یک مقاله یا فصلی از یک کتاب مراجعه می‌کند، اما یک بار هم به کتابی سه جلدی در همین موضوع مراجعه می‌کند که در مرحله‌ی جمع آوری این کار توصیه نمی‌شود. توصیه می‌شود که کتب کم حجم نسبت به کتب پر حجم مقدم گردند - چه بسا یک مقاله‌ی ۲۰ صفحه‌ای به مراتب برای محقق نسبت به یک کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای مفیدتر باشد - و باید گفت مطالعه‌ی عمیق یک منبع کم حجم به مراتب از خواندن سطحی کتاب حجیم سودمندتر است. (جدول خواندن در جسات بعدی توضیح داده می‌شود)

نکته: در خواندن دروس حوزه هم وقتی یک کتاب عمیق و خوب خوانده شود از مطالعه‌ی سطحی چندین کتاب بسیار بهتر است.

#### معیار سوم: انتخاب مکتوبات ترکیبی و تحلیلی به جای توصیفی

همچنین معیار بعدی این است که سعی شود به کتبی که تحلیلی‌تر و اجتهادی هستند مراجعه شود. مثلاً یک کتاب بیان احکام کرده و کتابی دیگر توصیف بیع خون است - که کمتر مفید هستند - اما کتابی هم هست که تحلیلی است و نظرات موافق و مخالف را بیان کرده و همچنین ادله‌ی موافقین و مخالفین را هم آورده است و نقد به ادله را هم بیان کرده است. خب در این صورت حتماً کتب تحلیلی بر کتب توصیفی مقدم هستند.

کتب تحلیلی و تفسیری مایه‌ی تفکر انسان هستند و تفکر انتقادی را در شخص فعال می‌کنند، بر خلاف کتبی که فقط صرفاً آیه و روایت را ارائه می‌کنند. همچنین مطالعه‌ی این متون با کمک به تحصیل فهم پراکندگی و تحول آراء و دیدگاه‌ها در طول تاریخ، وسعت دید را برای خواننده‌ی خود به ارمغان می‌آورد.

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

معیار چهارم: انتخاب مکتوبات فرانگرتشی

همچنین در انتخاب متون، باید به متونی مراجعه کرد که نگرش های مختلف را در موضوع مورد تحقیق، مورد توجه قرار داده باشند. مثلا در بحث روایی کتب مرتبط با موضوع تحقیق از نگرش اخباریین و یا حتی در یک مرتبه بالاتر کتب اهل سنت هم مورد بررسی قرار بگیرد. یعنی افزون بر اینکه مطالب باید تحلیلی باشد، کتابی که به صورت فرانگرتشی تدوین شده باشد هم بر کتب تک نگرشی ارجح است.

### استفاده از روش موجی

جمع آوری داده باید به صورت موجی (نوسانی) باشد، یعنی باید بعد از هر مرحله فیش برداری و یادداشت برداری از متون، فاصله ای قرار داد تا بتوان بر روی آن داده ها تفکر و حتی مباحثه کرد. بعد از اینکه مطالب در ذهن جای خود را پیدا کرد موج دیگری از مطالعه و یادداشت برداری آغاز شود و سپس دوباره تعدادی فیش که تهیه شد یک بازه توقف و استراحت برای مطالعه و تأمل و تبادل نظر قرار داده شود. به تعبیری انسان نباید فقط مدام ذهن خود را پر کند بلکه باید پس از اینکه داده هایی را به ذهن خود خوراند، فرصتی برای تحلیل و نشخوار و مباحثه آن داده ها قرار دهد تا مطالب پخته شوند و سپس موج بعدی مطالعه و فیش برداری را آغاز کند.

از برکات خواندن و مطالعه ی موجی این است که می تواند مسیر موج بعدی را نشان بدهد که آیا تا به اینجا مطالعات در مسیر رسیدن به پاسخ پرسش بوده است یا نه. که اگر مسیر درست بوده محقق آن را ادامه دهد و اگر مناسب نبود مسیر را برای موج های بعدی اصلاح نماید. محقق بالاخره در یک جایی متوجه می شود که مسیر انتخابی او در جمع آوری داده مسیر درستی نیست و ممکن است این یک جا در اواخر مرحله ی جمع آوری برایش رخ دهد. اما وقتی با روش موجی جلو برود چه بسا در همان ابتدای کار و موج اول متوجه اشتباه خود بشود و برای ادامه ی کار تصمیم دقیق تری بگیرد.

نکته: پاسخ دادن دقیق به پرسش تحقیق، مستلزم انعطاف و نرمش در مراحل تحقیق و جلوگیری از اشتباهات احتمالی است. و در این باره فرقی بین تحقیقات محدود و تحقیقات وسیع نیست، فقط تحقیقات محدود با ۳-۴ موج به پایان می رسد ولی تحقیقات وسیع و دامنه دار با ده ها موج جمع آوری داده ی آن به پایان می رسد.

پس به طور خلاصه:

مطالعه‌ی متون و جمع‌آوری داده‌ها از طریق یادداشت برداری باید با دوره‌ی تفکر و دوره‌ی مباحثه و مناظره ترکیب و تکمیل شود. و در این صورت است که خروجی چنین تحقیقی یک نتیجه‌ی پربار و دقیق و عمیق خواهد بود.

دو نکته‌ی مهم:

یک. طلاب در طول تحصیل خود با متون اصلی روایی و فقهی آشنا می‌شوند اما کمتر خودشان به کتب روایی و فقهی مراجعه می‌کنند. این سبب می‌شود تا تحقیقاتی که در آینده می‌خواهند انجام بدهند از قوت لازم برخوردار نباشد. لذا نیاز هست با خود کتاب‌ها هم ارتباط داشته و به آن‌ها مراجعه کنند.

دو. مجلات فقهی فراوانی وجود دارد اما طلاب معمولاً با مجلاتی که به روز در حال انتشار هستند آشنایی ندارند. و لذا از مقالاتی که در این مجلات وجود دارد هم محروم می‌شوند. لذا نیاز است با این مجلات در کنار دروس خود آشنا و مانوس باشند. همچنین سایت‌هایی مثل ویکی فقه، مدرسه‌ی فقاہت، کتابخانه‌ی فقه.

اما یک نکته مهم هم این است که به هیچ وجه به آدرس‌هایی که در سامانه‌ها و سایت‌ها و نرم افزارها داده شد نباید اعتماد کرد چون این‌ها خیلی اشتباهات ارجاعی دارند و خود شخص باید به کتب مراجعه کرده و آدرس‌ها از آنجا مستقیم آدرس دهی شود.

## جلسه سرویکم

### جمع آوری داده‌ها (۵)

#### یادداشت سیستماتیک یا فیش برداری

در ادامه‌ی گام سوم (جمع آوری داده) باید به مبحث فیش برداری پرداخته شود. و هنوز مرحله‌ی تحلیل داده‌های فقهی (گام چهارم) نرسیده است. اکثر مباحثی که در رابطه با تحقیق و پژوهش در اذهان وجود دارد مربوط به مرحله‌ی چهارم است و چه بسا بزرگترین و طولانی‌ترین مرحله می‌باشد. کتابی هم که اخیراً از آقای واعظی (کتاب روش شناسی کاربردی اجتهاد) منتشر شده است، همه مطالب آن با یک دسته بندی دیگر در مرحله‌ی تحلیل داده‌های فقهی و اجتهادی قرار می‌گیرد. یعنی کتب و صحبت‌هایی که از اساتید در بحث روش اجتهادی مطرح می‌شود معمولاً متمرکز در مرحله‌ی تحلیل داده‌هاست و گویی مراحل دیگر مفروغ عنه در نظر گرفته شده است. لذا عمده‌ی مشکل طلبه در تحقیق، مربوط به همین مراحل قبل از تحلیل است.

#### فیش برداری

سوال: داده‌ها چگونه باید جمع‌آوری شود؟ با فیش برداری

اینکه چگونه فیش برداری صورت می‌گیرد بحث مفصلی است که در این مجال فقط به صورت کلی و مختصر بیان می‌شود:

امروزه فیش برداری به دو صورت کاغذی (فیزیکی) یا رایانه‌ای (الکترونیکی) انجام می‌گیرد. اما فیش برداری به صورت کاغذی کمتر انجام می‌گیرد چون نیاز به دوباره تایپ کردن پیدا می‌کند. لذا خیلی محققین سعی می‌کنند از ابتدا فیش‌ها را تایپ کنند. همچنین سامانه‌های فیش برداری هم متعددی وجود دارد مثل نرم افزار آفیس (ورد و وان‌نوت).

## نکات مهم در فیش برداری

- (۱) فیش‌ها به دقت عنوان بندی شوند. در هر فیش سه عنوان (موضوع) عام و خاص و اخص یا عنوان یک و دو سه باید موجود باشد. حتما باید این عنوان‌ها با دقت بیان شوند.
- (۲) حتما به طور دقیق منبع یادداشت برداری در فیش ذکر شود. نام کتاب و جلد و نوبت چاپ و ناشر بیان شود. چون مثلا برخی کتب فقهی و روایی نسخه‌های متفاوتی دارند و اگر این‌ها دقیق ثبت نشود، بعدا در ارجاع‌ها و فهرست منابع ایجاد مشکل می‌کند.
- اگر تکرار این منابع در هر فیش مشکل و زمان‌بر است، می‌توان آن‌ها را کدبندی کرد. یعنی در یک صفحه، منابع به طور کامل و دقیق و با ترتیب الفبایی نوشته شده و برای هر کدام کدی قرار داده شود. سپس می‌توان در فیش‌ها، فقط کد منبع و جلد و صفحه‌ی آن را ذکر کرد.
- (۳) اگر در حین فیش برداری یا بعد از آن نکته‌ای به ذهن‌خاطر خورد، حتما باید این نکات یادداشت شود. حتی اگر این نکات به ظاهر کم اهمیت هستند هم باید یادداشت شوند. مثلا در پشت فیش‌های کاغذی بخشی همین منظور به نام نظر محقق وجود دارد. این نکات اعم از نقد و اصلاح و تکمله و پرسش است. و اگر این نکات ثبت نشود ممکن است بعدا به فراموشی سپرده شود.
- (۴) در هر فیشی یک مطلب باید ثبت شود و نباید بیشتر از یک مطلب باشد ولو اینکه آن یک مطلب یک جمله‌ی ۴-۵ کلمه‌ای باشد. چون هر مطلب مستقلا موضوع (عنوان) و جایگاهی را در برمی‌گیرد. مثلا اگر یک آیه یا روایت سه مطلب را عنوان می‌کند پیشنهاد می‌شود که سه فیش با سه عنوان اخص ایجاد شود و جایگاه هر کدام آن‌ها معلوم شود. پس هر فیشی با یک واحد تحلیل باید مواجه شود و در آن فقط یک مطلب بیان شود. لذا چون در بحث‌های اجتهادی واحد تحلیل یک آیه یا یک روایت است، باید یک آیه یا یک روایت در فیش بیاید مگر اینکه آن آیه یا روایت چند مطلب را بیان کند.
- (۵) باید با یک علامتی مشخص شود که مطلب موجود در فیش، نقل قول مستقیم است یا نقل قول غیر مستقیم. در آیین نگارش، داخل گیومه نشان دهنده‌ی نقل قول مستقیم است. بعضی موارد که مطلب مورد نظر خیلی طولانی است، محقق می‌تواند آن را با بیان خودش و نقل قول غیر مستقیم (به صورت خلاصه) در فیش بیاورد و لزومی نیست مطلب عینا نقل شود. علت این مشخص کردن هم این است که بعدا فراموش نشود این مطلب، قلم خود محقق است یا قلم کتاب می‌باشد.

گاهی هم این قضیه در ارجاع مشخص و نمایان می‌شود. یعنی اگر ارجاع به صورت ر.ک: (رجوع کنید) باشد نشان دهنده‌ی نقل قول غیر مستقیم است ولی اگر منبع و ارجاع بدون این باشد یعنی نقل قول مستقیم است.

به نظر می‌رسد در متون غیر آیه و روایت، نقل غیر مستقیم بهتر است، چون اگر از هرمنبعی متنی مستقیماً آورده شود، سبب چند سبکی و چند لحنی شدن متن (قلم) کتاب یا مقاله می‌شود. و عدم یکدستی متن سبب می‌گردد خواننده با متن مانوس نشود. همچنین نقل قول غیرمستقیم کمک می‌کند محقق به صورت خلاصه‌تر و با اصطلاحات خودش متن را بنگارد.

### چگونگی درست خواندن متن

فیش برداری نیازمند خواندن درست و عمیق متن است. در رابطه با چگونه خواندن متن، کتاب‌های زیادی وجود دارد. یک کتاب خوب در این زمینه، کتاب چگونه کتاب بخوانیم از مارتیمر جی آدلر است که آقای محمد صراف تهرانی ترجمه کرده است و ناشر آن آستان قدس رضوی است.

در این کتاب خواندن یک هنر تلقی شده که فهم را در پی دارد و بیان کرده که خواننده‌ی کتاب باید فعال باشد نه منفعل، یعنی دیالوگ و گفتگویی بین خود و متن برقرار کند. همچنین در این کتاب چهار نوع خواندن که همه‌ی آن‌ها برای محقق ضروری است بیان شده:

(۱) روخوانی: بیشتر برای مجلات و روزنامه‌ها و اطلاعات عمومی استفاده می‌شود و این سطح خواندن را هرکسی که خواندن بلد است می‌تواند انجام دهد.

(۲) سریع خوانی (مرور سریع): قبل از خواندن یک کتاب باید مرور سریعی به مطالب آن داشت تا فهمید که این کتاب اصلاً کتاب مورد نیاز تحقیق هست یا نه. برای این کار توصیه شده فهرست کتاب دیده شود و بعضی صفحات کتاب مطالعه شود. مطالب کلیدی که در پیشگفتار و مقدمه و پشت جلد آمده نیز دیده شود و در مجموع به این نتیجه رسید که این کتاب را باید خواند یا نه. مثلاً از بین ۳۰ کتاب با تندخوانی چند کتابی که مورد نظر تحقیق است با غربالگری انتخاب شود.

(۳) خواندن تحلیلی (فعالانه): این سطح مهم‌ترین نوع خواندن در مطالعات تحقیقی است. در این نوع خواندن باید بین کتاب و خواننده ارتباطی صورت بگیرد. به این صورت که خواندن همراه با یادداشت برداری و سوال از نویسنده باشد. همچنین خواننده برداشت‌ها و نکات ذهنی مهم خود را به صورت حاشیه نویسی یا در برگه‌ای یادداشت کند. این نوع از خواندن می‌تواند دال مرکزی

کتاب و استدلال‌های آن را برای خواننده روشن کند. همچنین ترتیب مطالب و سیر نویسنده از مقدمات تا وصول به نتیجه فهمیده می‌شود.

یکی از کارهایی که در مبحث پیشینه‌ی تحقیق بیان شد این بود که محقق باید سوال اصلی متن را پیدا کند و این نوع خواندن معلوم می‌کند که کتاب درصدد پاسخگویی به چه سوالی است و نویسنده نهایتاً به این سوال نانوشته چه پاسخی می‌دهد.

یک نکته‌ی جالب در این نوع خواندن این است که محتوای کتابی که به این صورت خوانده شده هیچ وقت از ذهن خواننده بیرون نمی‌رود. هرچند که خواندن به این روش زمان‌بر است ولی نتیجه‌ی آن ماندگار و بسیار ارزشمند است.

۴) خواندن تطبیقی: محقق در این نوع خواندن پاسخ سوال تحقیق را در چند کتاب دنبال کند. تطبیق کردن، فرع بر مقایسه‌ی پاسخ‌هایی است که در چند کتاب مطرح شده و لذا باید مقایسه‌ای بین تفاوت‌ها و مشابهت‌های آن کتاب‌ها انجام شود.

## جلسه‌ی سر و دوم تا سر و چهارم

### جمع آوری داده‌ها (۶)

### تهیه‌ی جدول خواندن

#### چگونگی عمیق خواندن متن

بیان شد که فیش برداری نیازمند خواندن درست و عمیق متن است. هدف از عمیق خواندن این است که ایده‌ی اصلی متن به دست بیاید. در هر متنی ایده‌هایی وجود دارد که برای موضوع تحقیق کارآمد است و باید این ایده‌ها از متون مختلف بیرون کشیده شود. این استخراج و بیرون کشیدن از متون، اصطلاحاً خواندن عمیق (فیش برداری عمیق) نامیده می‌شود.

خواندن عمیق یک گام از خواندن جلوتر است، چون خواندن متن یک بحث است اما درست فهمیدن و کسب و استخراج ایده‌ی اصلی و لبّ مطلب بحث دیگری است.

فهم درست و عمیق یک متن یک استعداد خدادادی است که می‌توان با تمرین آن را پرورش داد. برای پرورش این توانایی باید ابتدا آن را خوب یاد گرفت و تکنیک یاد گرفتن آن موسوم به روش خواندن بر اساس تهیه‌ی جدول خواندن می‌باشد.

استفاده از جدول خواندن، برای عمیق شدن منظم در متن است. همچنین استفاده از جدول خواندن و عمیق خواندن متن موجب می‌شود که بتوان به راحتی چکیده و خلاصه‌ای از کتاب خوانده شده تهیه کرد. نگارش چکیده برای برملا کردن ایده‌ی اصلی کتاب یا متن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### تهیه‌ی جدول خواندن

نکته‌ی مهمی که در ابتدا باید توجه شود این است که برای تمرین آموزشی جدول خواندن فعلاً نباید سراغ کتب روایی و کتب حجیم رفت بلکه از یک کتاب کم حجم یا مقاله باید شروع کرد. نکته‌ی بعد هم



این که سعی شود در ابتدای کار، این جدول در یک کاغذ مستقلی انجام بگیرد، اما بعدها که شخص تجربه‌ی خوبی در این کار پیدا کرد می‌تواند از حاشیه‌ی کتاب‌ها هم استفاده بکند.

اما برای تهیه‌ی جدول خواندن، شخص یک صفحه‌ی کاغذ را به سه ستون تقسیم می‌کند:

○ عنوان ستون اول: خلاصه‌ی متن

○ عنوان ستون وسط: ایده‌ی متن (دال مرکزی)

○ عنوان ستون آخر: نقش ساختاری متن

سپس بعد از کشیدن سه ستون، باید مطالعه‌ی متن را آغاز کرد. قبل از خواندن متن شخص باید واحد خواندن متن را مشخص کند. در قرآن و کتب روایی واحد متن مشخص می‌باشد، که در قرآن واحد متن آیه است و در روایات هم، یک روایت واحد متن است. البته اگر روایت طولانی باشد می‌توان واحد متن را کوتاه و تبدیل به جمله (قضیه یا گزاره) کرد. یا مثلاً در خطبه‌های نهج البلاغه و ادعیه که طولانی هستند و پاراگراف بندی هم نشده می‌توان هر موضوعی را یک واحد تلقی کرد. در بعضی کتب قدیمی مثل رسائل و مکاسب شیخ انصاری که علائم ویرایشی در آن به کار نرفته یا پاراگراف بندی نشده، خود شخص می‌تواند آن را پاراگراف بندی کند، هر چند که چاپ جدید این کتب پاراگراف بندی شده ولی این پاراگراف بندی‌ها بعضاً از دقت کافی برخوردار نیستند و محقق باید خودش پاراگراف بندی کند - چون پاراگراف بندی منطق دارد. در هر صورت خواندن عمیق متن نیاز به واحد دارد و این واحد اعم از جمله یا پاراگراف یا آیه و روایت است یا حتی می‌توان بر اساس هدف تحقیق و مطالب مورد نیاز تحقیق متن را تقسیم و واحد بندی کرد.

پاراگراف یا بند تعدادی جمله است که بیان کننده‌ی یک مطلب هستند. ساختارهای پاراگراف هم یا قیاسی و یا استقرایی هستند. در ساختار قیاسی جمله‌ی اول پاراگراف کلی است و جملات بعدی توضیح آن است. در ساختار استقرایی روند خاص به عام است، یعنی جملات اولیه جزئی است و آخرین جمله‌ی پاراگراف هم نتیجه یا یک جمله‌ی کلی است. شکل‌های ترکیبی هم وجود دارد که در مجال خودش باید بیان گردد.

حالا به عنوان مثال فرض می‌شود که شخص محقق واحد تحلیل متن را در خواندن عمیق، پاراگراف در نظر بگیرد.

○ در اولین ستون (خلاصه‌ی متن) باید مطلب پاراگراف (همان واحد انتخابی متن) را در یک جمله بیان کند. مثلاً: علت حرام بودن بیع نجاسات خبیثه بودن‌شان است.

- در ستون دوم (ایده‌ی متن) باید دال مرکزی مطلب به صورت عبارت بیاید. مثلاً: حرمت بیع نجاسات.
- در ستون سوم (نقش متن) نقش‌های مختلفی ممکن است بیان شود، گاهی یک ادعا مطرح می‌شود، گاهی یک دلیل (علت)، شروط، استدلال اول، استدلال دوم، نقد، نقض، پرسش، طرح موضوع و توصیف و... که آن پاراگراف هر کدام از این نقش‌ها را میتواند ایفا کند.

#### • تمرین

یک مقاله را مطالعه کرده و پاراگراف به پاراگراف برایش جدول خواندن تشکیل دهید. بعد از تمرین این جدول بحث خواندن عمیق و تهیه چکیده مطرح می‌گردد.

چهار هدف به کارگیری جدول خواندن:

- ۱) خواندن عمیق و فهم عمیق متن
- ۲) کمک به ماندگاری بیشتر در ذهن و ایجاد شبکه روابط
- ۳) کمک در موضوع بندی فیش‌ها (عنوان عام و خاص و اخص) با استفاده از ایده‌ی متن (دال مرکزی)
- ۴) کمک به تهیه‌ی خلاصه یا چکیده‌ی متن

نکته: چون عبارت‌ها در اینجا آیه و روایت هستند و کوتاهند، در بخش ستون خلاصه، یک ترجمه‌ی آزاد و برداشتی از آن آیه یا روایت آورده می‌شود.

\* چند مثال تمرینی از کتاب میزان الحکمه ذیل واژه‌ی عمل صالح:

متن	خلاصه‌ی متن (برداشت آزاد)	ایده‌ی متن	نقش ساختاری
۱	آیه: من عمل صالحا من ذکر او انثی فهو مومن فلنحییته حیاة طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون	عمل صالح شرط ایمان و نتیجه‌ی آن حیات طیبه و اعطای اجر حسن است.	تعریف (عمل صالح از شروط ایمان) پیامد (نتیجه‌ی عمل صالح حیات طیبه و اجر احسن)
۲	امام علی (علیه السلام): العلم یرشدک و العمل یرشدک	علم راه ارشاد و عمل راه رسیدن به هدف است	بیان کارکرد عمل
۳	امام علی (علیه السلام): الشرف عند الله سبحانه بحسن الاعمال لا بحسن الاقوال	عمل خوب نزد خداوند شرف دارد، نه حرف زدن خوب	پیامد حسن عمل، شرف نزد خدا
۴	امام علی (علیه السلام): بالعمل یرشدک و العمل یرشدک	راه کسب ثواب عمل است نه تنبلی و کسالت	بیان پیامد عمل
۵	امام علی (علیه السلام): بحسن العمل تجنی ثمره العلم لا بحسن القول	عمل نیکو ثمره‌ی علم است نه حرف نیکو	علت (عمل نیکو معلول علم است)

در جدول بالا:

- با پیوند خلاصه متن‌ها (برداشت‌ها) به همدیگر، می‌توان آن‌ها را به صورت یک روایت یا داستان نوشت تا چکیده و خلاصه‌ای از متن درست کرد.

- همچنین می‌توان با پیوند دادن نقش‌ها یک شبکه و مدل درست کرد. مثلا عمل: (کارکرد: رسیدن به هدف) (پیامدها: حیات طیبه و شرافت و ثواب و اجر حسن) (نتیجه‌ی علم: عمل)
- ایده‌های متن تبدیل می‌شوند به عنوان یا موضوع اخص فیش‌ها.

### توضیحاتی در مورد استفاده از جدول خواندن

گاهی یک سری ایده‌ها (دال مرکزی) و خلاصه‌هایی هست و شخص می‌خواهد آن را به یک روایت و داستان و متن تبدیل کند اما گاهی برعکس است. یعنی یک روایت و متن هست که شخص می‌خواهد آن را تحلیل بکند و بگوید که ایده‌ی متن و دال مرکزی و نقش ساختاری آن چیست.

مثلا مرحوم آقا نجفی قوچانی در کتاب سیاحت غرب، آمده یک داستان یا متن و روایتی را در مورد زندگی پس از مرگ خودش، به وسیله‌ی آیات و روایات ترسیم کرده است. این روایت (داستان و متن) را می‌توان تحلیل روایت کرد و گفت که ایده‌ی اصلی (دال مرکزی) آن چیست. یا اینکه هر آیه و روایتی که در این روایت و داستان به کار برده شده چه نقش ساختاری‌ای دارد.

در مثال جدول خواندنی که پیش‌تر مطرح شد، وقتی ایده‌های متن اخذ شد، می‌توان به تعریف عمل یا عمل صالح رسید. چون یک اقسامی از عمل بیان شد و تعریف منطقی هم به دو صورت به دست می‌آید: یکی از طریق سبر و تقسیم انواع و اقسام مفهوم و دیگری هم از طریق اضداد آن مفهوم و تقابلی که به وجود می‌آید. همچنین بحث کارکرد و پیامدها (که بعد از مفهوم قرار می‌گیرند) هم می‌تواند به تعریف افزوده شود و بحث علل و شروط (که قبل از مفهوم قرار می‌گیرند) هم می‌تواند افزوده شود. مجموعه‌ی این‌ها اگر در یک نمودار و نقشه قرار بگیرد، هم معنای عمل را نشان می‌دهد و هم یک شبکه‌ی معنایی از آن به وجود می‌آید.

به عنوان مثال متن زیر از جدول مثالی بالا (شامل یک آیه و چهار روایت) به دست می‌آید:

«از آیات و روایات بر اساس قاعده‌ی سبر و تقسیم و قاعده‌ی تعرف الاشياء باضدادها، می‌توان به تعریف عمل پی برد. عمل شامل عمل صالح و عمل نیکو و حسن است. لفظ عمل به صورت مطلق نیز گاهی در مقابل علم یا حرف یا کسالت و تنبلی و سرانجام عمل نیکو در مقابل حرف نیکو قرار گرفته است. در خصوص ترسیم شبکه‌ی مفهومی باید گفت عمل صالح یکی از شروط ایمان و کارکردش رسیدن به هدف و پیامدش شرافت نزد خداوند، کسب ثواب، زندگی پاکیزه و پاداش نیکو برشمرده می‌شود.»

روش تحقیق اجتهادی (دکتر مجید کافی)

متن بالا بر اساس چینش منطقی خلاصه‌های متن به دست آمده و نمی‌توان گفت که آن فقط ترجمه‌ی آیات و روایات است بلکه یک متن تولیدی و اخذ شده از جدول خواندن است.

### مروری بر فرایند روش تحقیق اجتهادی

تا به این جا محقق به چه مرحله‌ای از تحقیق خود رسیده است؟

ابتدا مرحله‌ی مساله یابی یا همان صورت بندی مساله‌ی تحقیق انجام گرفت. سپس مرحله‌ی دوم که مطالعه‌ی اکتشافی یا پیشینه‌ی تحقیق و پیشینه‌ی موضوع باشد انجام شد. در مرحله‌ی سوم هم جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفت.

تا به اینجا یک مساله‌ی (سوال یا پرسش) بی‌جواب و تعدادی داده‌های جمع‌آوری شده در دست محقق است. اما این داده‌ها که شامل یک سری آیه و روایت و فیش یادداشت برداری است، خام هستند. این داده‌ها مستقیماً نمی‌توانند پاسخی برای پرسش تحقیق باشند لذا باید این‌ها یک مرحله‌ای از پردازش را پشت سر بگذارند. به همین خاطر یک مکانیزم و سازوکاری باید صورت بگیرد تا داده‌ها (معرفت و پاسخ خام) تبدیل به اطلاعات (پاسخ پردازش و تحلیل شده) شوند و پاسخ پرسش قرار بگیرند.

از اینجا به بعد نوبت به مرحله‌ی چهارم یعنی مرحله‌ی تحلیل داده‌ها می‌رسد، که مرحله‌ی اساسی همه‌ی روش تحقیق‌ها از جمله روش تحقیق فقهی و روش تحقیق اجتهادی می‌باشد.

بیان شده بود که هویت هر تحقیق و همین‌طور تفاوت تحقیق‌ها به خاطر همین مرحله‌ی تحلیل است و تحقیق کمی و کیفی و اجتهادی در مرحله‌ی تحلیل از هم تمایز می‌یابند.